



کانون مدافعان حقوق کارگر

## فهرست مطالب

حاصل مبارزات دانشجویی: اعتلای مبارزات طبقاتی کارگران کره جنوبی

صفحه ۲

دسترنج آموزش در خدمت مبارزات معلمان کره جنوبی

صفحه ۵۱

سازماندهی و پیکار علیه استثمار و تبعیض

صفحه ۷۲

مبارزات و مقاومت کارگران کره جنوبی زنان کارگر در دهه ۱۹۷۰

صفحه ۹۶

مصاحبه با دبیر بین المللی کنفدراسیون شورای کارگران کره جنوبی ی

صفحه ۵۱

س

کار، خستگی و زندگی

صفحه ۱۰۸

## حاصل مبارزات دانشجویی: اعتلای مبارزات طبقاتی کارگران کره جنوبی

از مجموعه تحقیقات بین المللی کانون مدافعان حقوق کارگر

کانون مدافعان حقوق کارگر در سلسله نوشتارهای خود در رابطه با جنبش کارگری کشورهای دیگر سعی کرده است تا حد توان به تجربه مبارزات جنبش کارگری امریکای لاتین، افریقا، خاورمیانه و آسیا بپردازد و نشان دهد که بنیان مبارزات در همه کشورهای سرمایه‌داری یکسان است هر چند برخی از نمودهای این مبارزات متفاوت است و ابزارهای سرمایه‌داری نیز برای به انقیاد در آوردن جنبش‌های مردمی در مکان‌های جغرافیایی متفاوت است و اصل بر استثمار بیشتر و بینوایی بیشتر بر طبقه کارگر بنیان نهاده شده است.

در نوشته‌های قبلی کانون به موقعیت اقتصادی-سیاسی و در عین حال رشد نیروهای مولد و نهادهایش در برخی از کشورهای آسیایی پرداخته شده است. به طور مثال در مقاله جنبش کارگری فیلیپین و نپال دو موضوع برجسته بود: شرایط عینی و ذهنی جامعه در چه سطحی است و چگونه مطالبات نیروهای اجتماعی را می‌شود به دست آورد. یکی از مشکلات اساسی نیروهای اجتماعی مترقی حامی دو جنبش کارگری فیلیپین و نپال را این گونه می‌توان توضیح داد که این نیروهای اجتماعی به تاثیر از تئوری مائو مبنی بر نیافتادن در چاله اکونومیست، در چاه شعارگرایی و پوپولیزم عامیانه افتاده اند. در نپال جنبش کارگری و جریان‌های سیاسی به دلیل نگاه متفاوت به مبارزه صنفی و سیاسی در دو دهه پیش نتوانستند مبارزه را در کنار یکدیگر و در یک جبهه مشترک به پیش ببرند و نیروهای سیاسی نتوانستند جنبش کارگری را همراه مبارزات

سیاسی خود گسترش دهند و عملاً رهبری کارگری را از دست دادند، به گونه ای که جریانات مائوئیست جهانی به جای نقد عملکردشان مشکل را از جنبش کارگری نپال دانستند و ادعا کردند که مبارزات کارگری در مسیر خواست شرکت های چند ملیتی افتاده در حالی که دستیابی به تغییرات دمکراتیک گام اولیه و اساسی کشورهای استبدادی است و بهبود شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بالطبع در یک پروسه تاریخی به وجود می آید. نپال، امروز کانون یادگیری سازماندهی کارگری معاصر است و بعد از جدایی و کناره گیری نیروهای سیاسی مائوئیست جهانی از جنبش کارگری نپال این جنبش اقدام به سازماندهی کارگری نموده و توانسته است در این مسیر گام های موثری در جهت پیشروی جنبش کارگری بردارد و در سال ۲۰۱۵ خانم بیده های داوی باهندری ( Bidhya Devi Bhandari) را که رهبر حزب کمونیست بود، به ریاست جمهوری نپال برگزیدند.<sup>۱</sup>

در رابطه با فیلیپین قضیه متفاوت است جنبش مائوئیستی با شعارگرایی ذهن گرا سبب دامن زدن به درگیری بیشتر مابین نیروهای سیاسی و گرایشات صنفی شده است تا جایی که جریانات سیاسی نیروهای صنفی را تخریب می کنند و در هر زمینه ای که بتوانند سد راه سازماندهی صنفی می شوند. در کل نیروهایی که می خواهند مبارزات صنفی را در تمامی زمینه ها به عرصه سیاسی بکشانند اما مرزی مابین مبارزات اقتصادی و سیاسی ترسیم نمی کنند و می خواهند که نیروی کارگری تنها در مبارزات خود در مسیر انقلاب باشند؛ شناخت کافی از وضعیت عمومی جامعه ندارند، جامعه ای که بسیار اسیر خرافات و فقر و دست کم گرفتن دشمن طبقاتی سرکوبگر است. این درگیری های درونی و سیاستهای کارگری مبارزان صنفی و سیاسی در فیلیپین فقط زمان مبارزه برای دستاوردهای اساسی را طولانی تر کرده و مبارزه را تبدیل به یک مبارزه فرسایشی نموده است.

در مقایسه جنبش کارگری نپال و فیلیپین با کره جنوبی باید به شرایط و موقعیت متفاوت این کشورها توجه کرد: از نظر بعد جغرافیایی، نوع سازماندهی که در این

جنبش‌ها وجود دارد و نقش سازمان‌های سیاسی این کشورها در رشد یا تخریب این جنبش‌های کارگری.

جنبش کارگری فیلیپین و نپال از برخی نیروهای سیاسی که گرایش به راست پیدا کرده اند فاصله گرفته تا تاثیرات منفی آنان را کم کند اما جنبش کارگری کره در خلاء سازمان‌های سیاسی قادر به سازماندهی جنبش کارگری در کنار جنبش دانشجویی شده است.

اهمیت کشور کره جنوبی در جهان بعد از جنگ جهانی دوم در تناقضات بلوک شرق و غرب پدیدار شد. سه کشور کره، ایران و آرژانتین بزرگترین پایگاه و مهمترین جایگاه را برای سرمایه‌داری امریکا در سه منطقه بحرانی آسیا، خاورمیانه و امریکای لاتین داشته اند در یک مقایسه بین ایران و کره یکی از تحلیل‌گران در مقاله ای تحلیل چهار چپ غیرایرانی می‌نویسد:

"در آغاز نیمه دوم قرن بیستم شباهت‌های اقتصادی- سیاسی ایران و کره جنوبی بسیار بود. این دو کشور با هم روند صنعتی شدن را آغاز کردند، کارگران آنها تقریباً همزمان از دل یک جامعه فئودالی، کشاورزی سربر آوردند، هر دو صنعتشان را با مونتاژ عاریتی از امریکا و انگلیس آغاز کردند و از لحاظ سیاسی هم رهبری فکری جریان چپ در هر دو کشور، به عهده جنبش دانشجویی بود. جنبش دانشجویی کره جنوبی که به اقتضای فضای آرمان‌گرایی دانشجویی، رادیکال و انقلابی بود، اما این فضا را به جنبش کارگری کره منتقل نکرد و آن را تنها در حوزه جنبش دانشجویی حفظ کرد. روشنگری و خط‌دهی دانشجویان کره‌ای، در حد آگاه کردن کارگران از حق اعتصاب و لزوم تشکل و سازماندهی و همچنین ایجاد کانال پیوند علمی - صنعتی بین دانشگاه و کارخانه بود. اکثر دانشجویان کره‌ای، همزمان با تحصیل، در کارخانه‌ها هم کار می‌کردند و کارگران اگر شانس تحصیلات

دانشگاهی را هم نداشتند، حداقل مرتبا در دوره‌های آموزشی مرتبط به کار خود شرکت می‌کردند. به تدریج کره جنوبی کشوری کارگری-دانشجویی شد. این پیوند موفق کاملا منافع آنها را به هم گره زد. در سراسر نیمه دوم قرن بیستم، در کوران مبارزات سیاسی، جنبش دانشجویی و جنبش کارگری پشت همدیگر را خالی نکردند.<sup>۳</sup>

هر سه کشور از جنبش دانشجویی قوی برخوردار بوده و به طور دائم زیر چکمه نظامیان قرار داشته‌اند. غرب و به طور مشخص امریکا، مستقیم و غیرمستقیم به حکومت‌های آنها برای مقابله با کمونیزم کمک کرده است.<sup>۳</sup>

کره کشوری که قرن‌ها مستعمره چین و ژاپن بوده و یکی از عقب مانده ترین کشورهای آسیا به شمار می‌رفت، کشوری که نه منابع طبیعی و انرژی‌زا داشت و نه از لحاظ مالی قوی بود ولی بعد از جنگ جهانی دوم عملا به کشوری تبدیل شد که نه تنها یکی از بزرگترین کشورهای صنعتی جهان است بلکه مهمترین پایگاه نظامی امریکا در منطقه خاورمیانه نیز می‌باشد، سیاست اقتصادی کره جنوبی بزرگترین حامی امریکا در مقابل چین و ژاپن است.

در این نوشته سعی بر این است تا جنبش‌های کارگری و دانشجویی کشوری بررسی شود که دنیای سرمایه‌داری آن را به عنوان الگویی برای پیشرفت معرفی می‌کند و بسیاری از کشورهای جهان سوم که در آرزوی رسیدن به آن هستند چه بلاهایی بر سر کارگران کشورشان نیاوردند. در دهه ۱۹۹۰ کره جنوبی یکی از ده کشور ببرهای اقتصادی آسیای جنوبی شرقی معرفی شد و رشد تکنولوژی و آذین‌های چشم پر کن آن برای رژیم‌های کشورهای وابسته به آرزو تبدیل شده بود. هر چند رکود اقتصادی سرمایه‌داری که در دهه ۱۹۷۰ بوجود آمد و همچنان سیکل ادواری مناطق مختلف جهان را می‌نوردد، کره جنوبی را نیز در گیر کرد. رشد اقتصادی کره جنوبی موجب بوجود آمدن قشر ثروتمند و میلیاردرهای یک

درصدی شد که صاحب هواپیماهای خصوصی بودند؛ در عین حال بزرگترین اعتراضات اجتماعی در سال‌های دهه ۱۹۷۰ علیه دیکتاتوری رخ داد و فشار زیادی بر رژیم نظامی، در جهت پذیرفتن تغییرات دموکراتیک، تغییر قانون اساسی و انتخابات ریاست جمهوری آورد. در دهه بعد و در سال ۱۹۸۷ حدود ۲۵۰۰ تظاهرات کارگری در خیابان‌ها با پرچم‌های در حال اهتزاز قرمز ثبت شده است. جنبش اعتراضی ۱۹۸۷ کره علیه تبعیض طبقاتی بود که بر مزدبگیران کره تحمیل می‌شد. در شرایطی که کارگران کارخانجات صنعتی امریکا ۱۳,۰۹ دلار حقوق دریافت می‌کردند کارگران کره ای تنها ۱/۷ دلار دستمزد می‌گرفتند. مبارزه علیه صندوق بین‌المللی پول برای مقابله با گرسنگی و قیمت فزاینده اقلام خوراکی همزمان با کشور اندونزی، مبارزه علیه بانک هند برای ممانعت از افزایش بهره از ۹ درصد به یازده درصد، مبارزه برای بهبود شرایط کار کارگران مهاجر، مبارزه علیه ریاضت اقتصادی و اخراج بی‌رویه کارگران و اعتصابات عمومی در چند سال گذشته، اعتراضات معلمان و بخشهای آموزشی، همه و همه نشان از شکوفا شدن مبارزات اجتماعی و کارگری دارند.

شکل‌گیری کشور کره جنوبی همانند کشورهای ویتنام، یمن و آلمان که به دو بخش تقسیم شدند، محصول منازعات دو قطب شرق و غرب بود اما زیر سایه حمایت "سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه" به منظور مقابله با کره شمالی، به قطب اقتصادی منطقه تبدیل شد. سه کشور ویتنام، یمن و آلمان در حال حاضر دیگر دو قسمت نیستند اما کره هنوز نتوانسته مرزهای بین کره شمالی و جنوبی را دوباره تسخیر کند. اگر آلمان غربی توانست کل بلوک شرق را از هم بپاشاند اما جنبش کارگری و اجتماعی مترقی کره جنوبی بر خلاف کشورهای پیاپی که به دو قسمت بر اساس منافع بلوک شرق و غرب تقسیم شده بودند خواهان پیوستن به کره شمالی است، البته نه به دلایل اقتصادی بلکه به دلایل اجتماعی و فرهنگی.. باید اشاره کرد که رگه‌هایی از ناسیونالیسم در این جنبش‌ها و

خواسته‌ها ایشان به چشم می‌خورد اما مبارزه با اشغال نظامی امریکا یکی از دلایل بارز این مبارزه و خواسته است. به این دلیل کره جنوبی مکان مناسبی شده است برای خلق و بوجود آمدن شیوه‌های مبارزاتی نوین جنبش‌های اجتماعی بعد از فروپاشی بلوک شرق به دور از گرایش‌های استالینیستی، مائوئیستی و تروتسکیستی.

### تاریخ سیاسی و اجتماعی کره جنوبی<sup>۴</sup>

تاریخ سیاسی بعد از جنگ جهانی دوم کره جنوبی به دو دوره تقسیم می‌شود:

۱- دیکتاتورهای نظامی از سال ۱۹۴۸ تا سال ۱۹۸۷

۲- دوران سیاسی ما بعد مبارزات ۱۹۸۷ دانشجویی.

جمهوری کره یا کره جنوبی<sup>۵</sup> بعد از سال ۱۹۴۸ شکل گرفت. در جنگ بین دو کره، از ژوئن سال ۱۹۵۰ تا ۲۷ ژوئیه ۱۹۵۳، بیش از ۲٫۵ میلیون انسان جان خود را از دست دادند. این جنگ از اولین نوع جنگ‌های بین کشورهای از هم جدا شده بود. بعد از انقلاب چین، کره شمالی با حمایت چین با کره جنوبی وارد جنگ شد. در همان زمان بود که هر دو کشور به نوعی به اشغال نظامی چین در آمدند<sup>(۶)</sup> و امریکا برای عقب راندن نیروهای کره دو حرکت را آغاز کرد: - به شورای امنیت سازمان ملل شکایت کرد و - ناوگان دریایی خود را برای مبارزه با کره شمالی، از ژاپن به سمت کره روانه کرد. در همان زمان کشورهای انگلیس، کانادا، استرالیا و ژاپن وارد جنگ شدند.<sup>(۷)</sup> نیروهای امریکا از طریق هوایی، دریایی و زمینی توانستند نیروهای کره شمالی را از مناطق جنوبی کره بیرون کنند. هری تورومن رئیس جمهور امریکا اعلام کرد برای گرفتن کره جنوبی هر کاری باید انجام داد و در حملات متعدد در این جنگ بیش از ۲۲۰ هزار سرباز امریکایی کشته شدند.<sup>(۸)</sup>

کشور کره جنوبی از سال ۱۹۴۸ تا ۱۹۶۰ تحت سلطه رژیم دیکتاتوری سیانگمن رهی بود.<sup>۹</sup> سیانگمن هیچ گونه مخالفتی را بر نمی تافت و همه باید از او اطاعت می کردند. فساد و رشوه، ناکارآمدی، زورگویی، بخشی از رهبری نیروی نظامی بود. قانون اساسی کره جنوبی همانند بسیاری از کشورها بسیار دموکراتیک تنظیم شده است اما امکان اجرای آن تا سال ۱۹۸۷ وجود نداشت. در تمامی آن سالها ساختار سیاسی شکننده بود و احزاب سیاسی اگر اجازه فعالیت می یافتند براساس افراد شکل می گرفت و با مرگ افراد، حزب هم از بین می رفت. احزاب سیاسی با سنتی بوجود می آمدند که فرهنگ سیاسی به آنها یاد داده بود که احترام به دولت و خدمت به مردم باید سرلوحه باشد. تمامی پروسه سیاسی توسط نظامیان کنترل می شد. سال ۱۹۶۱ کودتای نظامی پارک چنگ هی جونتاً<sup>۱۰</sup> کشور را زیر سیطره نظامیان جونتاً قرار داد که تا سال ۱۹۷۹ ادامه داشت.<sup>۱۱</sup> در جامعه کره عملاً پلیس سیاسی است، پلیس انتخابات را کنترل می کند، اعتراضات اجتماعی را کنترل می کند و تا سال ۱۹۸۷ که جنگ سیاسی در گرفت، تمامی شئون جامعه مدنی را زیر سلطه داشت. در این پروسه بسیاری از نظامیان وارد سیاست شدند اما سیاستمداران جدید به مسائل سیاسی بسیار خشن برخورد می کردند. در این سال بود که سازمان امنیت کره شکل گرفت.<sup>۱۳</sup> رئیس جمهور پارک توسط رئیس سازمان امنیت در ۲۶ اکتبر ۱۹۷۹ در جلسه ای کشته شد و چوی کی ها<sup>۱۴</sup> به مدت دو سال رئیس جمهور شد.<sup>۱۵</sup> در این دوره بود که پلیس مسوولیت امنیت اجتماعی را نیز بر عهده گرفت. پلیس می توانست در مسائل اجتماعی شرکت کند و اگر ضروری بود متهم را دستگیر، شکنجه و زندانی کند.

از سال ۱۹۶۱ تا ۱۹۸۷ به مدت ۲۵ سال کشور کره زیر سیطره دیکتاتوری نظامی بود. در سال ۱۹۸۷ به واسطه مبارزات دانشجویی و جنبش های اجتماعی، مردم توانستند با برگزاری انتخابات بخشی از خواسته هایشان را تحمیل و نظامیان



را مجبور به کناره گیری نمایند و فضای دموکراتیک برای رسیدن به خواسته‌های سیاسی و اجتماعی کمی باز شود. در این دوره سیستم لیبرالی حاکم شد.

## احزاب سیاسی

قوه مقننه کره از یک مجلس ملی با ۲۳۱ عضو (برای یک دوره شش ساله) تشکیل شده است. قانون اساسی موجود در سال ۱۹۴۸ تدوین و در سال ۱۹۷۲ اصلاحاتی بر آن افزوده شده است. احزاب سیاسی در کره در مجموع از جناح راست مرکز تا الترا راست می‌باشند. احزاب سیاسی موجود در کره را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد، احزاب ساخته شده توسط دولتهای کودتا. حزب ائتلاف ملی برای استقلال کره<sup>۱۶</sup> (۱۹۴۶-۱۹۵۱)، حزب لیبرال<sup>۱۷</sup> (۱۹۴۷-۱۹۵۸)، حزب متحد دمکراتیک. (۱۹۸۰-۱۹۷۳)<sup>۱۸</sup>، حزب کارگر<sup>۱۹</sup> نیز در سال ۲۰۰۰ تاسیس شد، این حزب گرایش چپ دارد که اتحادیه‌های کارگری نیز خود را به آن نزدیک می‌دانند ولی تاکنون نتوانسته در انتخاباتها شانسی داشته باشد.

اولین حزب سیاسی ائتلافی و مستقل از دولت در کره جنوبی " حزب کارگران کره جنوبی "، یک حزب سیاسی کمونیست بود که در سال ۱۹۴۶ در پی ادغام حزب کمونیست کره جنوبی، حزب خلق نیون کره جنوبی و ۴۸ گروه محفلی ایجاد شد. رییس حزب پاک هون-یونگ بود. این حزب در همان سال غیرقانونی شد. " ۲۰ کلیه احزابی که گرایش به کمونیست یا گرایشی به کره شمالی داشته باشند در کره جنوبی ممنوع هستند و آخرین دادگاه که رای به ممنوعیت این احزاب داد در سال ۲۰۱۴ بود.<sup>۲۱</sup>

احزابی که از اواسط دهه هشتاد در سیاست دخیل بودند عبارتند از: حزب جمهوری دمکراتیک، حزب دمکراتیک و حزب دمکراتیک عدالت. حزب کارگر دمکراتیک که یک جریان متمایل به جنبش کارگری است که در سال ۲۰۰۰ تاسیس شده است، ریشه این حزب به گرایشات ناسیونالیستی بر می‌گردد و

جریانات کارگری هم در آن فعال هستند. ۲۳ حزب جدید مردم برای اصلاحات ۲۴ در سال ۲۰۱۲ تشکیل شده است. این حزب برای اصلاح آزادی و صلح بوجود آمده است. ۲۵ حزب مینجو ۲۶ کره جنوبی ۲۷، حزبی است سوسیال لیبرال که در سال ۲۰۱۴ تشکیل شده است و از اتحاد دو حزب سیاسی حزب دمکرات و حزب سیاسی نگاه نو تشکیل شده است. پارک گوین هی ۲۸ رئیس جمهور حاضر در کره دختر سومین رئیس جمهور کره پارک چونگ هی است. ۲۹

### وضعیت اقتصادی

بسیاری از روشنفکران طرفدار نظریات توسعه در کشورهای وابسته، امروزه کره جنوبی را آرمان شهر می‌دانند. البته الگوی کره که از طریق حکومت‌های نظامی این پیشرفت را به جامعه تحمیل کرده اند برای طرفداران دخالت نیروهای نظامی در اقتصاد نیز بهترین الگو است، اقتصاد کره معروف به اقتصاد سی خانواده یا چبول ۳۰ است هرچند که در کره قانون ضد فساد تصویب شده و کشور براساس تولید کار می‌کرد (نه بر اساس دلالی بدون برنامه و حجره ای امروز در ایران). این عده شاید صاحب کلیه سهام مالی نباشند ولی به نوعی حق امتیاز در تمام بخش‌های اقتصادی را دارند که به کونگلومریت یا کمپانی معروفند. کونگلومریت ها ۳۱ (شرکتهای چندملیتی خانواده‌های چبول) در قرن نوزده با همکاری کمپانی نفت استاندارد ۱۳ بخش اقتصادی شامل ۳۱۸ رشته اقتصادی را کنترل می‌کردند و هنوز هم در جامعه سنتی کره نقش بازی می‌کنند. ۳۲ هم اکنون این خانواده‌ها صاحب ۱۲ درصد سهام، شانزده موسسه انتشاراتی - رسانه ای و سهامدار اصلی ۴۲ تا از شرکت‌های زیر مجموعه شرکت‌های هیوندایی، سامسونگ ۴۲ و ال جی ۶۲ هستند و دو سوم صادرات جنوب کره را این خانواده‌ها در دست دارند. ۳۳ در دوران ریاست جمهوری پارک این خانواده‌ها از دادن مالیات بر درآمد و مالیات شرکت و صادرات معاف شدند ۳۴ با تمامی فشارهای صندوق بین المللی پول در دهه نود تاکنون، دولت موفق نشده است هیچ فعالیت اقتصادی را از دست

این گروه بیرون بیاورد. به طور روزانه اخبار فسادى که از سیاسيون کره چاپ می شود مربوط به این خانواده‌ها است اما تا به حال کسی از آنها دستگیر نشده است. در یک ماه گذشته اعتراضات کارگری و اجتماعى که توانسته بیش از یک میلیون نفر را به خیابان بیاورد، در اعتراض به فساد در شرکتهای وابسته به خانواده‌های چبول است. بیش از شصت شرکت در این افتضاح اقتصادى نقش دارند و نیروهای کارگری خواستار استعفای رئیس جمهور هستند.<sup>۳۵</sup>

کره کشوری که در دهه پنجاه سده گذشته میلادی یک جامعه سنتی بود و ۸۰ درصد مردم در بخش کشاورزی و ماهیگیری مشغول به کار بودند، در سال ۱۹۹۰ تنها ۴ درصد جمعیت آن در بخش کشاورزی و ماهیگیری مشغول به کار بودند. در سال ۱۹۴۵ حدود ۴ درصد نیروی کار در صنایع سبک و سنگین و ۱۶ درصد در خدمات مولد مشغول به کار بوده اند، این آمار در سال ۱۹۹۰ به ۲۷ درصد در بخش صنایع سبک و سنگین و ۵۵ درصد در خدمات رسید.<sup>۳۶</sup> در بین سالهای ۱۹۶۳ تا ۱۹۸۰ اقتصاد کره تغییر صنعتی عظیمی را از سر گذراند و سالیانه ده درصد رشد اقتصادى داشت و از کشوری کشاورزی- ماهیگیری به کشوری صنعتی تبدیل شد. درآمد سرانه هر فرد از ۱۵۰۰ دلار در ۱۹۶۰ به ۶۵۰۰ دلار در سال ۱۹۸۰ رسید. در سال ۱۹۸۰ حدود ۷۴ درصد مردم شهرنشین شدند. فرهنگ سنتی کنفوسیوسی دیگر جواىگوى جامعه مدرن نبود. رشد سیستم آموزشی تاثیر خود را در فرهنگ سیاسى جامعه نشان داد. جامعه کره در سال ۱۹۴۵ حدود ۱,۵ میلیون تحصیل کرده داشت. در سال ۱۹۸۰ این رقم به بیش از ۵,۷ میلیون نفر رسید. در سال ۱۹۸۰ بیش از نود درصد مردم جامعه کره باسواد بودند.

از دهه هشتاد با شکل گیری جنبش‌های مترقى و فعالیت و مبارزه دانشجویان به تدریج خودکامگى رو به افول نهاده، فرهنگ سیاسى و دموکراتیک در بین نیروهای سیاسى و مبارز توسعه یافته و کار جمعى رشد کرده است. در بررسی اجتماعى در باره آگاهی سیاسى مردم، آمار دهه هشتاد نشان می‌دهد که ۲۳,۷

درصد مردم کره آگاهی سیاسی دارند. این آمار در مقایسه با امریکا ۱۳ درصد، ایتالیا ۳۳ درصد و مکزیک ۳۵ درصد در جایگاه خوبی قرار دارد. در دهه نود صادرات کره ۲۷,۲ درصد رشد کرد در حالی که رشد سایر کشورهای صنعتی از ۶,۶ درصد به ۴ درصد رسیده بود، یعنی کشور کره ۱۵ درصد رشد صادرات داشته است. البته دولت کره از سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (آو ای سی دی) در بین سال‌های ۱۹۴۵ تا ۱۹۹۵ به میزان ۱۲,۷ بلیون دلار و در سال ۲۰۰۸ ۳۸,۵ میلیارد دلار از امریکا کمک مالی گرفته است. ۳۷

کره جنوبی کشوری است که می‌توان اقتصاد آن را به عنوان یک اقتصاد مطرح و ساختارمند در سیستم سرمایه‌داری شرق آسیا نام برد، اما سهم کارگران در آن ناچیز است و امریکا با بیش از چهل پایگاه نظامی عملاً در آن حکمرانی می‌کند. اقتصاد آن در حال واگذاری به سرمایه‌های خارجی است. ۷۰ درصد دارایی چهارمین شرکت ماشین سازی آن، سسنگ یانگ موتور (Ssangyong Motor)، متعلق به شرکت هندی مهین درا (Mahindra) است و کمتر کارخانه ای را می‌توان یافت که نیروی امنیت ویژه نداشته باشد. در تحول اقتصاد صنعتی کره تمامی بخش‌های اقتصادی به صورت متوازن رشد نکرده است، بخش‌های غیر رسمی شهری که بدون مجوز فعالیت می‌کنند و با بازارهای رشوه‌خوار سنتی فعالیت می‌کنند و محصولات خود را به فروش می‌رسانند، به اندازه ی سایر بخش ها رشد نکرده است. اما به جرات می‌توان گفت مهم ترین بخش اقتصاد که رشد کافی و قابل اطمینانی نداشته نیروی کار است. صاحبان بنگاه‌ها ی اقتصادی از سنت و استبداد استفاد کرده بودند و تا دهه نود از عقب افتادگی ساختار طبقاتی سود برده و اجازه ندادند که بیمه بیکاری، قوانین کارگری رشد کند و دستمزدها را بسیار پایین نگه داشتند. تنها تئوری اقتصادی که در جامعه پیش می‌رفت سود بیشتر بود.

اما بحران‌های سرمایه‌داری کره را نیز در بر گرفت. ۳۸ شکست اقتصادی بزرگ در کشورهایی با اقتصاد همراه با کاپیتالیسم در شرق آسیا «ببرها و اژدهاها». ۱۲ برای سال‌های متمادی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی همواره می‌گفتند که شرق آسیا دلیل موفقیت فرمول‌های آنان برای رشد اقتصادی است: سطح پایین دستمزد (که بامحدود کردن آزادی اتحادیه‌ها امکان پذیر شده است)، سطح بالای سرمایه‌گذاری خارجی، سطح پایین مالیات و حداقل مصرف در خدمات عمومی.

بانک جهانی گزارشی را در ۱۹۹۳ در باره توسعه کشورهایی نظیر کره جنوبی، تایلند، فیلیپین، مالزی و تایوان منتشر کرد که تیتیر آن «معجزه آسیا» بود. نخبگان بین‌المللی می‌گفتند مدل اقتصادی ای که در شرق آسیا به اجرا در آمد به عنوان داروی شفابخشی بود که تمام جهان فقیر را آشفته کرد.

در جولای ۱۹۹۷ بحران هنگامی آغاز شد که سرمایه‌گذاران جهان (مردمی که بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول از آنها به عنوان کلیدهای خوشبختی تجلیل می‌کنند) از سرمایه‌گذاری در تایلند سرباز زدند. ناراضی‌های در بخش‌های مختلف کشور رشد کرد. به خصوص وام‌های خارجی که به وسیله بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول تشویق شده بود. موسسات سرمایه‌گذار و بانک‌ها شروع به خروج سرمایه‌های خود کردند. در یک شب پول رایج تایلند (bapt) سقوط کرد. اقتصاد دانان پس از آن به سرمایه‌گذاران این قوت قلب را دادند که اندونزی به چنین سقوطی دچار نخواهد شد و آنها باید صبر کنند. اما پس از آن، سقوط اندونزی باعث شد که ۲۶۰ عدد از ۲۸۲ کمپانی در بازار سهام کشور تجزیه شوند.

سقوط اقتصاد کره جنوبی چند هفته بعد آغاز شد و در اوج آن ده‌ها هزار کارگر کره ای روزانه دست از کار کشیدند، سیصد هزار نفر در هر ماه. هم چنان که بحران سراسر منطقه را در می‌نوردید. ۶۰۰ بیلیون دلار در موازنه بازار سهام آسیا

از میان رفت. در فاصله چند ماهه، معجزه به کابوس تبدیل شد. طبق معمول کشورهای وابسته به سرمایه‌های خارجی با مشکل سرنگونی مواجه شدند. کشورهای اندونزی، کره، مالزی، تایلند و فیلیپین یک سال بعد از آنکه درآمد ۲۰ میلیارد دلاری را تجربه کردند، در ۱۹۹۶، ۹۵ میلیارد دلار از دست دادند. در نتیجه در طی یک سال گردش ۱۱۵ میلیارد دلار را از سرگذراندند. ناگهان مدل جهانی‌سازی زیر و رو شد. به همان سادگی که سرمایه خارجی توان تقویت اقتصادها را دارد، به همان ترتیب می‌تواند آنها را تخریب کند و همواره در چنین وضعیتی این مردم فقیر هستند که بیشترین آسیب را می‌بینند. در یک دوره ۵ ماهه بین آگوست و دسامبر ۱۹۹۷ دستمزد در کره جنوبی به نصف تقلیل یافت و این برای کسانی بود که هنوز آنقدر خوشبخت بودند که مشغول کار باشند. این درست در زمانی بود که قیمت کار یک کارگر کره ای در یک کارخانه ۱,۷۵ دلار بود و مشابه همان کار در امریکا ۱۳,۰۹ دلار در ساعت بود. ساعت کار هفتگی کارگران کره ۵۷ ساعت در هفته بود.<sup>۳۹</sup>

در دسامبر ۱۹۹۹ دو سال بعد از بحران اقتصادی آسیای جنوب شرقی، زمانی که دولت کره جنوبی بسته ۵۸,۴ میلیاردی کمک اقتصادی صندوق بین‌المللی پول را دریافت کرد، اعلام نمود بحران پولی حل شده است.<sup>۴۰</sup> دولت کره جنوبی برای متعارف کردن بحران پولی دست به یک سری تعدیل‌های اقتصادی و نئولیبرالی زد، از جمله برداشتن امنیت شغلی، قانونی کردن مشاغل موقت و بدون مزایا، نمایندگان سرمایه خوشحال و جریان‌های مدافع حقوق کارگر و سندیکا بسیار نگران و خشمگین بودند. اولین اقدام حذف مزد رسمی یا استاندارد، شرایط کار، شغل و درآمد و مزایایی رسمی استاندارد بود. بازار کار تحت شرایط غیر رسمی (غیراستاندارد) (پی‌یر کریس)<sup>۴۱</sup> تغییر کرد. حقوق کم، بدون امنیت شغلی، نبود حمایت‌های اجتماعی و قانونی و تبعیض آمیزتر شدن کار، ساختار زندگی و کار کارگران کره قرن بیست و یک را رقم زد، به رغم آنکه دولت کره مقوله نامه

های بین المللی سازمان جهانی کار را امضا کرده بود، مانند مقاوله نامه‌های حقوق برابر "۱۰۰"، "عدم تبعیض" "۱۱۱"، "حداقل سن کار" "۱۳۸" و "کار کودکان" "۱۸۲". اولین وظیفه نهادهای کارفرمایی این شد که سندیکاهای کارگری را ایزوله کنند، این مساله ابتدا بیشتر در بخش کارگران نظافتچی، کمک معلمان، کارگران خدماتی مکان‌های بازی مانند گلف رخ داد. بیشترین کارگران این بخشها را زنان تشکیل می‌دهند. این روند سپس به کارخانجات و کارکنان خدماتی دولتی کشیده شد. پیش از ۱۹۹۷ زمانی که کارخانه ای بسته و کارگران آن واحد بیکار می‌شد، اداره کار کاری مشابه برای آنان پیدا می‌کرد ولی بعد از ۱۹۹۷، عملا شرکتهای پیمان کاری با بستن قراردادهای موقت نقش کارفرما را بازی کردند و این بار را از دوش اداره کار برداشتند. این قراردادهای موقت عملا نه کار دائمی را به همراه می‌آورد و نه امنیت شغلی داشت و نه حقوق اش ثابت بود. کار موقت یعنی نیمه وقت، کسی که کمتر از ۳۶ کار کند نیمه وقت به حساب می‌آید. کمیته مخصوصی متشکل از نمایندگان کارگران، دولت و کارفرمایان برای کارگران غیررسمی تشکیل شد<sup>۴۲</sup> اما تنها نامش سه جانبه بود. وزارت کار با بوجود آوردن ۳۲ آژانس کاریابی برای کارگران در اصل توانست شرایط کار منعطف را برای کارگران بالا ببرد که به معنی مقاطعه کاری درون محل کار بود.<sup>۴۳</sup>

### وضعیت طبقه کارگر

مفهوم طبقه کارگر از نگاه ا پی تامپسون در کتاب طبقه کارگر انگلیس چنین آمده است: "شکل‌گیری طبقه کارگر در پروسه‌ای منفعلانه نیست بلکه به وسیله ساختار شرایطی شکل می‌گیرد که همانا محصول عمل فعالانه طبقه است. تعریف این عمل در زندگی انسان‌هایی است که تاریخ‌شان را می‌سازند. این مستقل‌ترین تعریف است زیرا در پروسه تولید و خارج از اراده افراد شکل می‌گیرد، حال این که چگونه این شرایط مادی توسط انسان‌ها درک شود و در مقابل‌اش چه عکس

العملی صورت گیرد تحت تاثیر فاکتور فرهنگی، شکل سنت، سیستم ارزشی و فرم موسسات است.<sup>۴۴</sup>

در دو دهه‌ی آخر قرن گذشته (۱۹۸۰ و ۱۹۹۰) شاهد بوجود آمدن پدیده‌ی جدیدی در سرمایه‌گذاری مالی کشورهای پیروز جنگ جهانی دوم هستیم که با دوره‌ی قبل متفاوت است، اما از جهاتی با دوران اولیه‌ی سرمایه‌داری مشابهت دارد.<sup>۴۴</sup>

مبارزات جنبش کارگری کره جنوبی بر شرایط اقتصادی و سیاسی منطقه تاثیر زیادی دارد و این کشور از لحاظ سوق‌الجیشی مکانی است که شرکت‌های چند ملیتی و بازار سهام قمارخانه‌ای "سورس" و یک درصدی‌ها مراقب هستند که مبادا سرمایه‌شان به خطر بیافتد، یکی از چالش‌های اساسی سیستم سرمایه‌داری کره جنوبی جنبش کارگری و سایر جنبش‌های مترقی این کشور است.

بعد از آزادی از سلطه امپراطوری ژاپن، سرمایه‌داری در کارخانجات کره نسلی از کارگران را تربیت کرد که در زیر یوغ گرایش راست سیاسی و میلیتاریزم امریکایی مجبور شدند در نبردی جدید یک جنبش متفاوت بسازند. در ایندوران نه فعالیت سیاسی آزاد بود و نه شرایط به چالش کشیدن حکومت وجود داشت، هر مخالفتی با مشت آهنین جواب می‌گرفت. تا سال ۱۹۸۰ کارگران کارخانه را با نام "پسر کارخانه" <sup>۴۵</sup> یا "دختر کارخانه" <sup>۴۶</sup> می‌نامیدند، حتی آنها را براساس شغل‌شان نیز خطاب نمی‌کردند. کارگر از لحاظ طبقاتی هویتی نداشت و او را کارخانه‌ای صدا می‌زدند. این نسل از جامعه بر این بود که تحت هر شرایطی از زیر بار این وضعیت خارج شود. <sup>۴۷</sup> و <sup>۴۸</sup> شکل‌گیری هویت طبقه کارگر کره جنوبی از دهه هشتاد میلادی شروع شده و در دهه نود قوام می‌یابد. این جنبش در دهه نود با آگاهی طبقاتی توانست با فعالیت کارگری در ساختار اجتماعی تاثیر گذار باشد و شروعی باشد برای محو و نابودی تبعیضات اجتماعی. آن چیزی که جنبش



کارگری را بسیار فعال کرد نقش زنانی بود که نه برای بهتر شدن شرایط کار خود بلکه برای به دست آوردن احترام انسانی، برابری و عدالت مبارزه می‌کردند. هوگن کو در کتاب "کارگران کره" می‌گوید:

"طبقه کارگر کره جنوبی هویت جمعی و آگاهی‌اش را نه در مبارزات برای شکل‌گیری اتحادیه‌های صنفی بلکه در زبانی دریافت که از آن استفاده می‌کرد، یعنی فرهنگ فعالیتی که از آن طریق با هم ارتباط می‌گیرند." <sup>۴۹</sup> نقد هوگن کو به ساختار جنبش کارگری بر این اساس بنیاد گذاشته شده است که طبقه کارگر کره از شروع دهه نود به دلیل مارک کمونیستی خوردن از تشکیل حزب‌اش محروم بوده است. (ص ۱۲)

جنبش کارگری کره در منطقه آسیا مبارزه اقتصادی متفاوتی را از سر می‌گذراند. اولاً سیستم اقتصادی کره برخلاف تئوری‌های جامعه‌شناسی که می‌گویند رشد اقتصادی، توسعه سیاسی را با خود می‌آورد و رشد سیاسی لزوماً در شکل‌دهی فضایی سیاسی نقش دارد، رشد کرد. و شیوه استبداد آسیایی در کشور ژاپن را که مبنی بر اطاعت و سکوت است، با خود یدک می‌کشید. دلیل اصلی هم، فرمانبری حکومتیان از شیوه‌های غربی بود که دهه‌ها است مواظب هستند که مبدا رشد سیاسی به تغییرات سوسیالیستی بیانجامد. کنترل اقتصاد در دست خانواده‌های چپولی و شرکت‌های چندملیتی زیر فرمان نظامیان امریکا فضا را بر مردم هر روز تنگتر کرده است. این فضا منجر به شرایطی شد که جنبش سیاسی از دل دانشگاه بیرون آمد و این دانشجویان در پروسه زندگی اجتماعی‌شان به محیط‌های کار رفتند که وضعیت اقتصادی مناسبی را برای آنها نوید نمی‌داد. شرایط بد اقتصادی آنها را مجبور کرد که به مبارزات اقتصادی کشیده شوند که در عین حال این مبارزات سیاسی نیز هست. بخشی مهمی از این کارگران زنان هستند که هم با کارفرمایان و هم با فرهنگ مردسالاری مبارزه می‌کنند و شرایط

موجود را به چالش می‌کشند. این جوانان در جهت تغییر فضای سیاسی جامعه مبارزه می‌کنند.

### کارگران مهاجر کره جنوبی

وضعیت وخیم و اسفناک کارگران مهاجر در کره جنوبی همواره مورد انتقاد گروه‌ها و فعالان حقوق بشری بوده است. با توجه به آمار حضور حدود ۵۰۰ هزار نفری کارگران مهاجر در این کشور، تاکنون ساز و کار مناسبی جهت احقاق حقوق این افراد و رسیدگی به نقض گسترده حقوق آنان توسط کارفرمایان انجام نشده است.

در برخی موارد، دولت کره جنوبی نیز با کارفرمایان در نقض حقوق این افراد همراه می‌شود. عدم تدوین ساز و کار مناسب حقوقی، نظارت ضعیف بر کارفرمایان، عدم تدوین قوانین کار مؤثر، بازداشت‌های گسترده و خودسرانه به همراه برخوردهای ناشایست از جمله موارد نقض حقوق این افراد توسط دولت کره جنوبی است. در همین راستا، عفو بین‌الملل با انتشار گزارشی در ۲۰ اکتبر ۲۰۱۴ از سوءاستفاده‌های گسترده نسبت به کارگران مهاجر در صنعت کشاورزی کره جنوبی پرده برداشته و تاکید کرده که کره جنوبی می‌باید به این بهره‌کشی گسترده و کار اجباری کارگران در صنعت کشاورزی خود پایان دهد. ۵۰ این گزارش که تحت عنوان «برداشت محصول تلخ» منتشر گردید، چهره واقعی «سیستم اجازه استخدام» (سازوکار به اصطلاح بی‌طرفی که رابط بین کارفرمایان و کارگران مهاجر است) کره جنوبی را جهت مشارکت مستقیم در استثمار کارگران مهاجر خارجی نشان داد. بر اساس آمارهای رسمی حدود ۲۰ هزار کارگر مهاجر خارجی در مزارع کشاورزی کره جنوبی مشغول به کار هستند که بسیاری از آن‌ها اهل کامبوج، نپال و ویتنام بوده و دلیل اصلی مهاجرت این افراد به کره

کار در مزارع این کشورها با شرایط بسیار بد، فقر و بدهی‌های سنگین آنان می‌باشد.

## تشکل‌های کارگری

طبقه کارگر کره جنوبی نهادهای صنفی دولتی یا به عبارتی ساخته شده توسط نهادهای امریکایی با نام فدراسیون اتحادیه‌های کارگری کره ( Federation of Korean Trade Unions) را به عنوان سازمان و نماینده رسمی خود دارد. این نهاد و زیر مجموعه‌اش بسیار محافظه کار و مردانه بود. این فدراسیون در سال ۱۹۴۸ تأسیس شده و در اصل هدفش منزوی کردن نیروهای چپ در نهادهای کارگری بود. بعد از قتل عام جنبش اجتماعی گوانجو که در اساس علیه سیاست رئیس جمهور چان دوها<sup>۵۱</sup> بود و<sup>۵۱</sup> دانشجویان بسیاری در آن کشته شدند،<sup>۵۲</sup> جنبش دانشجویی اعتلای یافت و در سی دانشگاه فعالیت خود را آغاز کرد. دانشجویان بعد از فارغ التحصیل شدن به محیط‌های کارگری می‌رفتند. این دانشجویان با تجربیاتی که در جنبش دانشجویی کسب کرده بودند، توانستند جنبش کارگری را سازماندهی کنند و به این ترتیب محیط‌های کارگری بسیار فعال شد. بعد از اعتراضات اجتماعی دهه هشتاد، صدها هزار کارگر جذب جنبش کارگری شدند. گرچه جنبش سیاسی کره جنوبی بسیار جسور و بی باک (میلیتانت) بود اما در دهه هشتاد و نود میلادی از لحاظ خواسته‌های سیاسی تصمیم‌گیری میانه روانه داشتند یعنی سیاست شان در جهت چپ با تغییر بنیادی جامعه نبود و دلیل آن هم کمونیست ستیزی در کره جنوبی است، داشتن ایده کمونیستی جرم شناخته می‌شود. این جنبش مدنی و کارگری توانست ایده تشکل شورایی را پیش ببرد و کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری را در ۱۱ نوامبر ۱۹۹۵ تأسیس کند، جنبش کارگری مستقلی که بر اساس کلیه مدارک موجود نه گرایش به جریان‌ات پرو مسکو داشته و نه پرو چین و بر همین اساس هم مورد استقبال جنبش چپ واقعا موجود جهانی قرار نگرفت. این جنبش بر خلاف دیگر جنبش‌های چپ

نمایندگانی ندارد که خود را رهبر خطاب کنند و خودشان را هم سطح رهبران سیاسی پارلمانی قرار دهند و مورد ستایش دیگران قرار بگیرند. این جنبش ذاتا طبقاتی است و بالطبع در روند مبارزه خودش را صیقل می‌دهد و به رهایی خود نیز می‌انجامد. البته ناسیونالیسم شرقی و روحیه محافظ کاری ژاپنی نیز در این جامعه بی تاثیر نبوده است، اکثر روشنفکران غربی بدون شناخت فرهنگ و سیاست آن جامعه، تنها به خاطر روحیه بی باکی جنبش کارگری کره جنوبی، آن را ستایش می‌کنند.

در ۲۹ ژوئن ۱۹۸۷ زمانی که دولت انتخابات ریاست جمهوری را اعلام کرد در عرض دو هفته یک انفجار سیاسی- اجتماعی و تظاهراتها و اعتصابات کارگری در بخش‌های مختلف صنعتی بوجود آمد. دلیل هم این بود که دولت کیم یونگ سم در شرایط بد اقتصادی تصمیم گرفته بود برای بهبود وضعیت اقتصادی نهادهای اقتصادی چندفامیلی یا چبول<sup>۵۳</sup> را نشانه گیرد. آن هم در شرایطی که بسیاری از شرکت‌های متوسط و کوچک اقتصادی در حال ورشکستگی بودند و دولت کیم یونگ سم در زمانی که که صادرات بسیار کم شده بود، قانون واردات و صادرات را تغییر داد. قانون کار جدید امنیت شغلی بخش متوسط جامعه را از بین می‌برد برای همین منظور اقشار دیگر جامعه نیز به اعتراضات کارگری ملحق شدند. در همان شرایط پلیس کلیه رهبران شورای فدراسیون کارگران کره را که در یک جا جمع شده بودند، دستگیر کرد.

اعتصابات کارگری در سه مقطع شکل گرفت که در مجموع بیست روز طول کشید. در طول این بیست روز بیش از چهار صد هزار نفر از کارگران پانصدو بیست و هشت اتحادیه بیش از یک بار اعتصاب کرده بودند. در بیست و دو کشور از این اعتراضات حمایت شد.<sup>۵۴</sup> برای مقابله با این اعتراضات، موج دستگیری فعالان به راه افتاد. این دستگیریها به اعتصابات بیشتری در مناطق صنعتی السون<sup>۵۵</sup> دامن زد، سپس به مناطق دیگر صنعتی مانند پوسان، چونگ وانگ و

مسان<sup>۵۶</sup> و کارخانه‌های دِ وو، هیوندا، کیا، سامسونگو کونگلمورت کشیده شد. شرکت‌های اتوبوس رانی و رانندگان تاکسی به این اعتصاب پیوستند. ۲۰ هزار کارگر معدن به این اعتصاب پیوستند. این اعتصابات به درگیری با پلیس منجر شد و در بسیاری از موارد اعتصاب کنندگان دفاتر مدیریت و اداره پلیس را نیز اشغال می‌کردند. در عرض دو هفته ۱,۲ میلیون کارگر یعنی یک سوم کارگران کره به اعتصاب پیوستند. ۲۷۶ اعتصاب صورت گرفت. تا پایان سال ۱۹۸۸ بیش از ۳۴۰۰ اتحادیه مستقل شکل گرفت که هشت تشکیل مستقل در شرکت ماشین سازی هیوندا بود. در حومه شهر سئول ۴۰ هزار کارگر دست به تظاهرات زدند که زمانیکه به استادیوم سئول رسیدند ۴۵۰۰ پلیس با آنها درگیر شدند. اعتصاب کارگران ماشین سازی هیوندا به مدت ۱۲۴ روز طول کشید و بیست هزار کارگر در آن شرکت داشتند.<sup>۵۷</sup> در اعتراض کارگران هیوندا ده هزار نیروی پلیس ویژه به میدان آمدند.<sup>۵۸</sup> در مقابل سیاست‌های اتحادیه‌های سنتی (اف کی تی سی یو) جنبش کارگری شرایط را برای بوجود آمدن تشکل‌های مستقل در درون محیط‌های کار مناسب دید. در سال ۱۹۸۷ با آنکه دولت با اعتراض کنندگان برای به رسمیت شناختن تشکلهای مستقل توافق کرده بود اما این تشکل‌ها را غیرقانونی دانست و فعالین کارگری دریافتند علیه سرکوب خشن دولت در شرکت‌های مختلف صنعتی مثل هیوندا، باید باید فعالیتها را در رشته‌های مختلف صنعتی مانند پتروشیمی، انرژی، تکنولوژی پیش برد. رهبری "غیرقانونی" دریافت برای پیش‌برد کارشان نیاز به یک شورای رهبری دارند و به همین منظور "شورای ملی اتحادیه‌های دمکراتیک" را براساس تقسیمات منطقه ای سازماندهی کردند: فدراسیون اتحادیه‌های کره یا اف کی تی یو.<sup>۵۹</sup>

## کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری کره (شورای ملی اتحادیه‌های کارگری)

این کنفدراسیون شروع حرکت خود را در نوامبر ۱۹۷۰ یعنی زمان اعتراض کارگران زن به استثمار صنعتی آغاز کردند<sup>۶۰</sup> اما تاسیس این نهاد همزمان است با اعتراض عظیم کارگری سال ۱۹۸۷ و شروع فعالیت شان از سال ۱۹۸۹ و در اعتراض به تغییر قانون کار است. این شورا در تمامی رشته‌های کارگری عضو دارد. ۴۰٫۶ درصد (۶۸۲۴۱۸) کل کارگران کره عضو این فدراسیون هستند که ۱۲۰۰ شعبه را شامل می‌شود. بزرگترین اعتراض این شورا در سال ۲۰۰۳ به خاطر عدم ورود گوشت گاو آمریکا به کره بود که موفقیت آمیز بود و تا سال ۲۰۱۰ این ممنوعیت برقرار باقی ماند و سالیانه ۵۰۴ میلیون ضرر به آمریکا وارد کرد.<sup>۶۱</sup> بعد از ملحق شدن کره به سازمان تجارت جهانی این ممنوعیت برداشته شد. بزرگترین خصلت این شورا رزمندگی و بی باکی‌اش برای رسیدن به هدفش است، این شورا از اشغال محیط کار تا اعتصاب غذا و درگیری با پلیس هیچ واهمه ای ندارد و بسیاری از رهبران آن به طور مرتب در زندان هستند. در بسیاری از موارد برای از بین بردن ماشین پلیس جریمه می‌شوند.

### جنبش دانشجویی کره جنوبی<sup>۶۲</sup>

اولین جرقه‌های اعتراضی جنبش دانشجویی کره جنوبی از سالهای ۱۹۷۰ شروع می‌شود، اکثر اعتراضات دانشجویی برای فشار آوردن به دولت نظامی برای پذیرفتن تغییرات دمکراتیک، تغییر قانون اساسی و انتخابات آزاد بود. اولین حرکت جنبش دانشجویی معروف به مینجونگ<sup>۶۳</sup> یا جنبش مردم است که به جنبش برای دمکراسی نیز گفته می‌شود. این جنبش با استفاده از کلمه "مردم" در اساس جنبش مبارزه برای آزادی‌های اجتماعی-سیاسی، حمایت از اقصا به

حاشیه رانده شده جامعه و آزادی مذهبی شروع شد. این جنبش ریشه در مبارزات دهقانی معروف به سیل‌ها ک<sup>۶۴</sup> یا سیاست واقعی قرار داشت و علیه سیستم اقتصادی نا کارآمد و فاسد رئیس جمهور پارک چونگ هی<sup>۶۵</sup> (۱۹۷۱-۱۹۷۹) بود. اعتراضات دانشجویی دیگری نیز در آگوست ۱۹۸۰ در دفاع از ۲۰۰ کارگر زن شرکت وای اچ کمپانی صورت گرفت.<sup>۶۶</sup> این کارگران زن در اعتراض به بسته شدن کمپانی در اعتصاب غذا بودند که با یورش پلیس، زنان را از محوطه بیرون راندند و یک زن در این حمله کشته شد.<sup>۶۷</sup>

از تاریخ ۱۸ مه تا ۲۷ مه ۱۹۸۰<sup>۶۸</sup> در جنوب کره در ایالت گوانج مبارزات دانشجویی مردمی دیگری در اعتراض به بسته شدن دانشگاه شکل گرفت،<sup>۶۹</sup> این اعتراض دانشجویی در ۱۸ مه ۱۹۸۰ زمانی شکل گرفت که ۲۰۰ دانشجو به مخالفت با بسته شدن دانشگاه ملی چونای در مقابل در ورودی دانشگاه بست نشستند.<sup>۷۰</sup> تا عصر دو هزار نفر به دانشجویان پیوستند و ارتش لشگر ۳۳ و ۳۵ خود را به آنجا اعزام کرد.<sup>۷۱</sup> در هشت روز اعتراضات ۶۰۶ نفر کشته شدند، ۱۸ هزار پلیس و ۳۰۰۰ نیروی نظامی، شهری را با جمعیت ۷۰۰ هزار نفر اشغال کردند.<sup>۷۲</sup> بیش از ۳۵۰ خودروی نظامی به دست مردم افتاد. در این اعتراض بیش از صد هزار نفر شرکت داشتند. دولت امریکا به عنوان میانجی ابتدا برای حل مسئله وارد شد. مذاکرات امریکایی‌ها با نماینده دانشجویان یون سنگ وانگ<sup>۷۳</sup> به نتیجه نرسید و وانگ گفت که تا آخرین نفر مبارزه مان را ادامه می‌دهیم. (وانگ در ۲۶ مه توسط ارتش کشته شد) سفارت امریکا وقتی دید اوضاع در حال خراب شدن است، مستقیماً دخالت کرد. در حوادث ایالت گوانج کی، دولت امریکا رسماً رئیس حکومت را مجبور به استعفا کرد.<sup>۷۴</sup> و فرمانده ارتش چون دووها ون ریاست کشور را به عهده گرفت.<sup>۷۵</sup> ایشان به دلیل عدم انتخاب تا سال ۱۹۸۸ کنترل دولت را در دست داشت و در دادگاهی در سال ۱۹۹۶ به اعدام محکوم شد ولی شامل عفو رئیس جمهور شد.<sup>۷۶</sup>

جنبش دیگری که از جنبش دانشجویی بیرون آمد معروف به جنبش ۳۸۶ است.<sup>۷۷</sup> این جنبش در اصل به کسانی گفته می‌شد که در دهه سوم زندگی خود بودند و به دانشگاه رفته و از دانشگاه فارغ التحصیل شده بودند. این جنبش نقش اساسی در مبارزات خود در سقوط دولت چون دوها ون داشت،<sup>۷۸</sup> دولتی که در کشتار دانشجویان ایالت گوانج کی نقش داشت.<sup>۷۹</sup> جنبش دانشجویی در مخالفت با رژیم نظامی در تاریخ ۲۹ ژوئن ۱۹۸۷ با ظهور جنبش مردمی توانست حکومت برآمده از کودتا را به پایان برساند و با یک انتخابات دموکراتیک در سیستم سیاسی تغییر بوجود آورد.<sup>۸۰</sup> نهمین رئیس جمهور کره روه موها یین<sup>۸۱</sup> که از سال (۲۰۰۳ - ۲۰۰۸) ریاست کشور را بر عهده داشت محصول جنبش دانشجویی بود. فعالیت های دانشجویی او در اعتراضات ضد امریکایی بسیار برجسته بوده است تا جایی که کاندالینا رایس و رابرت گیت در خاطراتشان او را یک ضد امریکایی می‌نامند. او در دوران ریاست جمهوری اش به مسائل حقوق بشر می‌پردازد و آزادی‌های رسانه ای بهترین موقعیت را داشته اند و فعالیتهای کارگری آزادانه تر بوده است. بعد از بحران اقتصادی ۲۰۰۸ در انتخابات شکست خورد و در سال ۲۰۰۹ خودکشی کرد<sup>۸۲</sup> دهمین رئیس جمهور کره لی می‌یانگ بک<sup>۸۳</sup> نیز از فعالین جنبش دانشجویی بوده است. یکی از فعالیتهای او محکوم کردن دولت ژاپن برای گرفتن برده جنسی زنان کره (معروف به زنان آسایش)<sup>۸۴</sup> در زمان جنگ بوده است.

از سال ۱۹۸۷ جنبش دانشجویی در دو سطح فعالیت‌اش را آغاز کرد. فعالیت سیاسی (مردمی)<sup>۸۵</sup> و فعالیتهای کارگری در سطح کارخانه. در دوران ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۷ جنبش دانشجویی توانست حرکت بزرگی بوجود آورد که معروف به "اعتراض عظیم" است.<sup>۸۶</sup> ریاست جمهوری این دوره به خاطر فعالیتهای ضد ژاپنی‌اش بسیار معروف است ولی تمامی سیاست‌های اقتصادی امریکا را پیاده



کره و یکی از روسای جمهور کره است که در بسیاری از کشورهای منطقه سرمایه گذاری دارد.<sup>۸۷</sup>

رشد اقتصادی و شکاف طبقاتی و مبارزات اقتصادی کارگران و دانشجویان دولت کره را مجبور کرد به رفرمهای سیاسی تن دهد. در طول ده سال ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۷ جنبش کارگری - دانشجویی توانست بزرگترین تشکل مستقل کارگری را بوجود آورد و در سال ۱۹۹۷ توانست ۸۱,۱ درصد کل کارگران متشکل را در فدراسیون شورایی<sup>۸۸</sup> جمع کند.<sup>۸۹</sup> متأسفانه بخش عمده تحلیل‌های دانشگاهی دانشجویان کره ای در خارج از کره به نظریه توسعه می‌پردازند و بخش بسیار کوچک آن به جنبش کارگری می‌پردازند. در مجموع مبارزات دانشجویی بر چهار محور حرکت کرده است: ۱- تاکید بر افزایش قدرت کشاورزان و کارگران ۲- تاکید بر اخراج امریکا از جنوب ۳- تاکید بر وحدت دو کره ۴- اصلاح سیستم سرمایه‌داری و حل معضلات اقتصادی.

### سازماندهی کارگری

در کره جنوبی نمی‌توان به امر سازماندهی اشاره کرد و نقش قوانین کره را نادیده گرفت، زیرا این قوانین بسیار سرکوبگرانه و ضد کارگری هستند و دست نیروهای سرکوبگر را برای هرگونه سرکوب فعالین اجتماعی و کارگری باز گذاشته است - این قوانین عبارتند از: قانون وضعیت ویژه، قانون امنیت ملی، استفاده از ارتش و نهادهای امنیتی.<sup>۹۰</sup>

ریشه و بنیان سازماندهی کارگری در کره جنوبی را باید در جنبش دانشجویی جستجو کرد، تاریخ شکل‌گیری این سازماندهی اولین بار در یک مارس ۱۹۱۹ صورت گرفت. این سازماندهی توسط ۳۳ دانشجو برای استقلال از ژاپن انجام شد و در ۱۵۰۰ تظاهرات حدود ۲ میلیون نفر شرکت کردند و سرانجام این اعتراضات به استقلال کره از ژاپن منجر شد.<sup>۹۱</sup>

دومین سازماندهی دانشجویی در ۳۰ اکتبر ۱۹۲۹ در شهر ناجو شکل گرفت. این اعتراض در رابطه با آزار جنسی دانشجویان دختر توسط دانشجویان ژاپنی بود. این اعتراضات به چند دانشگاه نیز کشیده شد و در ۳ نوامبر همان سال تمام شد. در دوازده نوامبر همان سال دانش آموزان دبیرستانها نیز برای اعتراض به تنبیه انضباطی دانشجویان کره اعتراض کردند.<sup>۹۲</sup>

در یازده آوریل ۱۹۶۰ جنبش دانشجویی در اعتراض به نتیجه انتخابات اعتراض کرد. در این اعتراضات ۵۰ هزار دانشجو شرکت کردند و تا ۱۵ مارس طول کشید. اعتراضات کشتار گوانجو و جنبش نسل ۳۸۶ قبلاً توضیح داده شده است.

جنبش دانشجویی در سال ۱۹۸۷ که معروف به "خیزش ژوئن" است با اعتراضاتش توانست بسیاری از اصلاحات سیاسی را به حکومت نظامی تحمیل کند. سازماندهی این جنبش که توانست شش میلیون نفر را به خیابان بیاورد، یکی از نمونه‌های منحصر بفرد آن دوران است.<sup>۹۳</sup>

این خیزش در ۱۰ ژوئن شروع و در ۲۹ ژوئن توانست انتخابات را به رژیم تحمیل کند. جنبش دانشجویی با سازماندهی خود علیه سیاست اقتصادی امریکا توانست تحریم گوشت آلوده به جنون گاوی را در سال ۲۰۰۸ به دولت تحمیل کند و با شمع افروزی‌های شبانه در ۱۱ آوریل ۲۰۰۸ دولت مجبور شد خرید گوشت گاو را ممنوع کند.<sup>۹۴</sup>

اعتراضات سال ۲۰۱۱ علیه افزایش شهریه دانشگاهی و تظاهرات برای حق خواهی و عدالت برای زنان برده جنسی در جنگ جهانی دوم در سال ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ دیگر دستاوردهای جنبش دانشجویی است.

بعد از اعتراضات جنبش دانشجویی کوانجو در سال ۱۹۸۰، دولت کره بین سالهای ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۳ دست به یک پاکسازی وسیع در میان نیروهای اجتماعی (فعالین جامعه مدنی، کارکنان بخش اجتماعی، سیاستمداران، اساتید دانشگاهی، معلمان،

فعالین مذهبی، روزنامه نگاران و دانشجویان) زد. دولت این فعالین را دستگیر نکرد بلکه با شناسایی آنها مخفیانه شروع به اخراجشان کرد. در دانشگاهها نیروی پلیس مستقر شد.

بعد از سال ۱۹۸۳ دولت مجدداً اجازه بازگشت به کار اساتید و دانشجویان به دانشگاهها را داد. در سال ۱۹۸۴ فعالین سندیکاهاى کارگری نهادی به نام حامیان دمکراسی (پرو دمکراسی) تاسیس کردند. این نهاد در ۴۲ کالج و دانشگاه شروع به فعالیت و عضو گیری از دانشجویان کرد و آنها را متشکل نمود. دانشجویان طرفدار تغییرات سیاسی هر روز به تعدادشان اضافه می شد، در سال ۱۹۸۵ سندیکا و دانشجویان نهادی را تاسیس کردند به نام جنبش ائتلافی مردمی برای دمکراسی و اتحاد.<sup>۹۵</sup>

اپوزیسیون دولت از این شرایط برای عضو گیری در جهت منافع خودش استفاده کرد و نام نهادشان را حزب دمکراتیک جدید نهادند.<sup>۹۶</sup>

رهبر جنبش دانشجویی کره، کیم دا جنگ در امریکا فعالیت می کرد، کیم توانسته بود با تعدادی زیادی از نمایندگان سنای امریکا دیدار کند و مشکلات دمکراتیک را مطرح کند، در شش فوریه ۱۹۸۴، ۱۲ نماینده سنای امریکا از دولت کره جنوبی خواستند که اجازه بازگشت او را به کشور بدهد و در تاریخ ۸ فوریه ۱۹۸۴ جنگ به همراه دو نماینده کنگره امریکا به کره برگشت. بسیاری از فعالین دانشجویی برای استقبال از او به فرودگاه رفتند اما نیروهای امنیتی در زمان ورود او به فرودگاه با ضرب و شتم ایشان را از نمایندگان جدا کردند و در حصر خانگی نگه داشتند و دولت کره حکم جلب و زندان او را صادر کرد و تا ۲۵ ژوئن ۱۹۸۷ در حصر خانگی بود.<sup>۹۷</sup>

حزب دمکراتیک جدید توانست با کمپین به جمع آوری ۱۰ میلیون امضا فعالیت خود را ادامه دهد. دولت در کوتاه مدت کلیه دفاتر، مسئولین و جریانات مدنی را

سرکوب کرد. شرکت ۷۰۰ هزار نفر در اعتراضات یکی از فعالیتهای آنها در آن دوره بود. در سال ۱۹۸۶ جنبش ائتلافی کمپینی راه انداخت که به دولت امریکا برای قطع حمایتش از دولت نظامی به خاطر ضرب و شتم دانشجویان و کارگران توسط نیروهای نظامی فشار می آورد. رژیم صدها نفر را در رابطه با این کمپین دستگیر کرد. در ۱۳ آوریل ۱۹۸۷ دولت مجبور شد که انتخابات دمکراتیک اعلام کند.<sup>۹۸</sup>

سازماندهی جنبش اجتماعی کره به دو بازه زمانی تقسیم می شود: از سال ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۲ و از ۱۹۹۲ تا به امروز. این سازماندهی همچنین به دو روش صورت می گیرد:

- سازماندهی مستقیم، ناگهانی که منجر به نوسانات اقتصادی و گاه با خشونت همراه است مانند تظاهرات ۱۹۸۷، ۱۹۹۷، ۲۰۰۸ و ۲۰۱۳ تا به امروز

- سازماندهی بدون خشونت و مسالمت آمیز، مدنی و قانونی.

البته نمی توان به نوع مبارزات خودبه خودی اشاره نکرد اما در مقابل دو نوع سازماندهی آگاهانه بسیار ناچیز است. این دو نوع سازماندهی همیشه بستگی به فشار نیروهای نظامی داشته است و فراز و نشیب مبارزات اجتماعی به وضوح دیده می شود. به طور مثال در بین سالهای ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۲ اوج مبارزات غیر مستقیم سال ۸۳ است و اوج مبارزات و اعتراضات و اعتصابات هم همان سال ۱۹۸۳ می باشد. ۱۱۱۶ اعتراض دانشجویی، ۷۱۴ اعتراض کارگری، ۱۶۲ اعتراض روزنامه نگاران- رسانه ها و چاپخانه ها، ۱۶۲ اعتراض روشنفکران، ۱۴۸ اعتراض نهادهای مدنی تا اعتراضات زنان، زندانیان، کشاورزان، کارکنان دادگاهها که در مجموع ۳۳۲۷ اعتراض ثبت شده است.<sup>۹۹</sup>

در دهه هفتاد میلادی ۳۲ درصد اعتراضات دانشجویی بودند و ۱۷ درصد اعتراضات کارگری بود و در سالهای ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۷، نیز ۴۸ درصد اعتراضات دانشجویی بود در حالی که در همین دوره اعتراضات کارگری ۲۴ درصد بودند. در سالهای ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۲، ۲۲ درصد اعتراضات دانشجویی بودند. ولی در سالهای ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۲، ۳۵ درصد اعتراضات و اعتصابات کارگری بودند (منبع قبلی)

تاثیر مبارزات کارگران ماشین سازی هیوندا و کارگران کارخانجات نساجی در تغییر اصلاحات ۱۹۸۷ تاثیر به سزایی داشته است. در منطقه السون که بیشتر بخش صنایع تجاری در آن تمرکز دارد بیشترین اعتراضات کارگری شکل گرفت به خصوص در صنایع متال و پتروشیمی. در همین زمان بود که درگیری زنان فعال کارگری با رهبران جنبش کارگری شکل گرفت و بسیاری از نقدهای روشنفکران دانشگاهی متوجه سندیکاهای مردسالارانه شد که در مقاله مبارزات زنان در کره جنوبی به آن پرداخته می‌شود.

جنبش اصلاحات سیاسی بر روی جنبش سندیکایی نیز تاثیر گذاشت. به خصوص جنبش سندیکایی با نگاه نقادانه‌ای، برخورد و تحلیل اکونومیستی خود را با نهاد سندیکایی بازبینی کرد. آنا آگاهی سیاسی خود را بسیار پایین ارزیابی کردند. این درک پایین سیاسی بر استقلال سندیکاها تاثیر گذاشته بود. در همین راستا بود که بعد از تغییر اصلاحات سیاسی، بسیاری از فعالین کارگری بنیان تشکلهای مستقل کارگری را گذاشتند.<sup>۱۰۰</sup>

عمل مستقیم کارگری و پیشرو بودن کارگران در سال ۱۹۸۷ توانست تغییر اساسی در روابط کار و سرمایه در کره جنوبی بوجود آورد. کارگران توانستند متشکل تر، قوی تر، مبارزه جویانه تر و مستقل تر در خارج از چهارچوب روشنفکری حرکت کنند.

مدیریت سرمایه‌داری بعد از اعتراضات کارگری که مبارزات عبارت از شکایت در اتحادیه است، سیستم روابط کارگری در محیط خود را تغییر داد سپس در سال ۱۹۹۰ روابط کارگری را تاسیس کرد و موارد کارگری را منطقه ای کرد. استراتژی جدید سرمایه این شد که تا حد توان کل نیروی کار را از حالت تجمع در مراکز کار در آورد و کارگران را به صورت منعطف به استخدام در آورد. در همین زمان سیستم دفاعی خود را به روز کردند و از تجربیات مقابله با مبارزات بلوک شرق و بخصوص کشور لهستان برای سرکوب کارگران استفاده کرد. تا حد ممکن استقلال سندیکا را با زیر ضرب بردند، با احضار متناوب فعالین کارگری به سازمان امنیت و پلیس - بازجویی‌های طولانی و زندانهای طویل‌المدت جنبش کارگری را مورد تهاجم قرار دادند. در سال ۱۹۹۰ اکثر فعالین کارگری سرشناس یا در زندان بودند یا مخفی شده بودند. رژیم کره اجازه استفاده از وکلا را از فعالین کارگری سلب کرده بود. وضعیت مالیات سالانه فعالین کارگری دائما بررسی می شد. از ژانویه ۱۹۹۰ تا ژانویه ۱۹۹۱، ۴۸ درصد تشکلات کارگری از بین رفت و اعضای سندیکا ۴۵ درصد کاهش یافت. (منبع قبلی ص ۱۹۰)

رژیم کره در سال ۱۹۸۹ اقدام به تقویت انجمن تشکل‌های صنایع کره و فدراسیون کارفرمایان کره نمود. کارفرمایان با شعار "نه کار و نه حقوق" و عدم اجازه برای پرداخت بیش از دو درصد حقوق برای عضویت در سندیکا، عملا سندیکاها را با مشکل مواجه کردند. خرید نیروی کار منعطف بر اساس قطعه کاری موضوع جدی جنبش کارگری شد و از سال ۱۹۹۰ رژیم با وارد کردن نیروی کار مهاجر و مقابل هم قرار دادن کارگران سیاست‌های خود را دنبال کرد. کارفرمایان گروه چپولی با شعار "جنبش فرهنگی کمپانی" سعی کردند از طریق مبارزه فرهنگی بر روی مسائل خانواده، فرهنگ، سمبل‌های اجتماعی، زبان و ملیت بر روی جنبش کارگری کره تاثیر بگذارند. دادن کمک هزینه، مسافرت‌های تفریحی، فستیوال‌های موسیقی در کلوب‌های خانوادگی و فرستادن کارگران

به خصوص به کشورهای سابقا کمونیستی و فرستادن کارگران برای آموزش به جزایر تفریحی برای آموزشهای شناخت مشکلات و حل مشکلات در چارچوب جامعه سرمایه‌داری و آموزشهای ایدئولوژیک تامل<sup>۱۲</sup> به کارگران اوج گرفت، این آموزشها برای بازگشت به کره‌ای بود که "همیشه در معرض خطر قرار دارد و باید از کلیت‌اش حفاظت شود". (منبع قبلی ۱۹۳)

مشابه این برنامه را به شکل‌های گوناگون می‌توان در جنبش کارگری کشورهای مختلف مثال زد. مانند فعالیت‌های خانه کارگر و انجمن‌های کارگری دست ساز دولتی در ایران. سرمایه توانسته بود که سندیکاها را تضعیف کند، جنبش کارگری که در سال ۱۹۸۷، ۷۸۸۳ سندیکا تشکیل داده بود و اعضایش ۱,۹۳۲,۰۰۰ بود از ۱۸,۲ درصد کل جنبش به ۱۱,۲ در سال ۱۹۹۷ رسید. در دسامبر ۱۹۹۶ و ژانویه ۱۹۹۷، کره جنوبی بزرگ‌ترین تجربه اعتصاب سازمان یافته در تاریخ خود را داشته است، زمانی که کارگران در صنایع خودروسازی و کشتی سازی در اعتراض به انعطاف پذیری ساعات کار و محدودیت حقوق کار که به کارفرمایان امکان بیشتری برای اخراج آسانتر کارگران می‌داد، دست به سازماندهی وسیع زدند. اعتصاب با لغو قانون کار توسط دولت به پایان رسید. در ۲۶ دسامبر ۱۹۹۶ چند روز قبل از تعطیلات سال جدید دولت مرکزی در مجلس بدون هیچ گونه مخالفتی، قانون کار جدید را در عرض ۷ دقیقه تصویب کرد. در قانون کار جدید قدرت کارفرما به حدی رسید که امکان بیشتری برای اخراج نیروی کار را داشت و می‌توانست کارگر را با قرارداد موقت استخدام کند. کنفدراسیون شوراهای کارگری (کی تی یو) در همان روز جلسه گذاشتند و اعتصاب عمومی را اعلام کردند و ۱۴۵ هزار کارگر از کارگران کارخانه ماشین سازی هیوندا و کیا همان روز به اعتصاب عمومی پیوستند. فردای همان روز فدراسیون کارگران کره (اف کی تی یو) به اعتصاب پیوست و ۳۷۲ هزار کارگر به این اعتصاب پیوستند. این اولین اعتصاب عمومی بزرگ بعد از جنگ جهانی دوم بود. تاثیر اعتصاب به

حدی بود که دولت در ۲۱ ژانویه ۱۹۹۷ قانون کار جدید را لغو کرد. (منبع قبلی ص ۱۹۹) این اعتصاب عمومی توانست در سراسر دنیا تاثیر خودش را بگذارد و آی سی اف تی یو به همراه آی ال او یک هیئت بررسی به کره فرستاد. به تبعیت از اقتصاد جهانی و پایین آوردن هزینه کار، دولت کره دست به تعدیل اقتصادی زد و بسیاری از نیروهای کار را در بخشهای متفاوت اقتصادی اخراج کرد. کره نتوانست خواسته‌های صندوق بین المللی پول (آی ام اف) را برآورده کند. در همان سال صندوق بین المللی پول ۵۷ میلیارد دلار کمک مالی به دولت کره جنوبی داد. اما سندیکاهای کارگری با هم توافقی کردند که از لحاظ تاریخی برای جنبش کارگری مشکل ساز شد. در این توافق اخراج کارگران تا سال ۲۰۰۰ به تاخیر می افتاد و در مقابل سندیکاهای روابط کار را می پذیرفتند. این توافق در بدنه جنبش کارگری، به خصوص در بخش ماشین سازی اعتراضات بسیاری راعلیه رهبری سندیکاهای بوجود آورد و کلیه رهبران در انتخابات بعدی رای نیاوردند. در سال ۲۰۰۰، ۵۲ درصد نیروی کار را کارگران پاره وقت تشکیل می دادند.

در سال ۲۰۰۰ شورای فدراسیون کارگری کره (کی سی تی یو) انتخاباتش را برگزار کرد و در انتخابات دن بیونگ هو (Dan Byung Ho) با شعار مبارزه برای لغو کار موقت، نیمه وقت و غیراستاندارد و حمایت از جنبش بیکاران و با شعار همبستگی با کارگران موقت (Precarious) فعالیت خود را شروع کرد. بعد از تحمیل قرارداد صندوق بین المللی پول، دولت کره برای خصوصی سازی و تعدیل اقتصادی هم طراز با کشور آمریکا خیز برداشت. جنبش کارگری کره از سال دو هزار سعی کرد از فعالیت های کمپینی جنبش کارگری آمریکا استفاده کند و بسیاری از تاکتیک های خود برای مبارزه با کمپانی های چند ملیتی را از جریانات امریکایی کپی برداری کرد. بخشی از این دیدگاه ها توسط فعالین جنبش کره ای که در آمریکا درس می خوانند و در جامعه آمریکا کار می کنند، وارد جنبش کارگری کره جنوبی شد. ۱۰۳



در سال ۲۰۰۰ کمپانی تله کام ۷۰۰۰ کارگر دائم را تبدیل به کارگر موقت کرد، سندیکا دست به اعتصابی زد که ۵۱۷ روز طول کشید. آنان تمامی تاکتیک‌های رادیکال را به کار بردند اما موفق نشدند. نمونه دیگر ۲۵۰ کارگر الکترونیک که سازنده رادیو الکترونیکی بودند و کارفرما این کارگران را به کارگر موقت تبدیل کرد و آنها ۱۸۹۵ روز در اعتصاب بودند. سندیکا در جمع‌بندی خودش از عدم موفقیت سه نکته را اعلام کرد:

۱- عدم حمایت کارگران ثابت

۲- ایزوله شدن کارگران در میان جنبش عمومی کارگری

۳- کمبود موارد قانونی.

سندیکاها از شکست در این مبارزه به این نتیجه رسیدند که در دهه دوهزار سندیکا‌های کره سه مدل سازماندهی را برای خود باید برگزینند: سندیکا‌های منطقه‌ای، سندیکا‌های صنعتی و سندیکا‌هایی که بر اساس عضوگیری اعضا در میان زنان، مهاجرین و جوانانی که در محیط‌های کارگری که کارگران غیر رسمی مشغول به کارند پایه‌گذاری شده بود. پنجاه سندیکای منطقه‌ای وجود داشت که به کارگرانی متعلق بود که مشاغل آنها و صاحبان کار مشخص بودند. در شهرها و ایالات کره در مجموع سه درصد از نیروی کار متشکل را کارگران غیر رسمی و موقت تشکیل می‌دهند. سندیکاها تمام سعی خود را می‌کنند که در فضاهای عمومی برای متشکل کردن کارگران غیر رسمی و نیمه وقت تبلیغ و ترویج کنند و همبستگی خودشان را با دیگر بخش‌های این کارگران گسترش دهند، کارگرانی که نیروی کار خود را به صورت موقت، غیراستاندارد، پاره وقت و ارزان می‌فروشدند و بخش عمده آنان را زنان و جوانان تشکیل می‌دهند و به این ترتیب برای بوجود آوردن نوعی جنبش اجتماعی اتحادیه‌های کارگری برای سازماندهی کارگران بخش غیر

استادارد (موقت، نیمه وقت، زنان، جوانان) کوشش می‌کنند. آنان در سال ۲۰۰۶ دست به جمع‌آوری کمک مالی زدند و توانستند ۴ میلیون دلار جمع کنند که بتوانند این کارگران را سازماندهی کنند. ۱۰۴

سازماندهی این بخش با شناسایی محیط‌های کار، وجود سندیکا در بخش‌های دیگر و ارتباط‌گیری با بخش غیراستاندارد در سه بعد انجام می‌شد:

یک- کار دراز مدت، دفاع از مالکیت عمومی

دو- نقش قوی سندیکا

سه- تاثیر گذاری بر کارگران که یا انجمن یا سندیکای مستقل را قبول کنند.

سازماندهندگان توانستند ۴۰۰۰ کارگر تمیزکار متروها را به عضویت فدراسیون کارگری در بیاورند. تشکل زنان کره توانست سندیکای کارگران جوان کره را تاسیس کند. سندیکای کارگران جوان کره توانست با دامن زدن به اعتصاب در محیط‌های کاری که جوانان در بخش غیر رسمی کار می‌کردند شرایط کار را بهتر کنند. به طور مثال کارگران بخش‌های اتومبیل‌سازی هیوندا، کارخانه‌های دوو (Daewoo Motors) و کارگران متال توانستند دستمزد بیشتری برای اعضایشان بگیرند.

برای سازماندهی بخش غیر استاندارد چند مشخصه برای خود نیز در نظر گرفتند، مانند: فعالین موهای سر خود را می‌تراشند، تحصن کردن، آویزان کردن بنر در مکانهای بلند، اعتصاب غذا و در نهایت خودکشی. سازماندهی بخش غیراستاندارد پروسه زمانی طولانی را نیاز داشت، به خاطر اینکه کارفرمایان می‌خواستند در یک پروسه طولانی سندیکا را برای مذاکره قانونی به رسمیت بشناسند و مهم‌تر اینکه کارگران را نسبت به مبارزات رادیکال خودشان خسته و ناامید کنند و با اخراج کارگران فعال، بقیه کارگران را از فعالیت کارگری باز دارند. کارگران کره

دریافتند برای مبارزه باید به فعالیت دراز مدت فکر کنند که نمونه آن اعتصاب کارگران دستیار معلم \* جی ای تی یو بود که از سال ۲۰۰۷ شروع شد و ۲۰۷۶ روز ادامه داشت. ۱۰۵

اعتصاب ۵۰۰۰ معلم برای به رسمیت شناختن سندیکا توسط کارفرما در سال ۲۰۰۷ شروع شد و ۱۲ نفر از معلمان که مایل به لغو عضویت شان در اتحادیه معلمان نبودند، اخراج شدند. در طول ۵ ماه اعتصاب، مدیریت ۱۷ بار درخواست مذاکره کرد ولی موفق نشد و بعد از ۲۰۲ روز اشغال محیط کار توسط معلمان، کارفرما مجبور شد ۱۲ دستیار معلم را به کار بازگرداند.

در سال ۲۰۰۶ کارفرما شرکت ای لند \* ۱۰۶ ۲۰۰۰ کارگر تمام وقت صندوقدار فروشگاه‌های ای لند را به کارگر نیمه وقت تبدیل کرد که اکثر آنها را زنان تشکیل می‌دادند. فدراسیون شوراهای کارگری این کارگران را در سال ۱۹۹۳ متشکل کرده بود و فدراسیون اعلام اعتصاب کرد که ۵۱۰ روز طول کشید. در طول مسابقات جام جهانی سئول کارگران ۲۱ روز در مقابل ۴۱ فروشگاه بست نشستند، ۳۷ نهاد مدنی و فدراسیونهای جهانی کارگری کلیه محصولات این فروشگاهها را بایکوت کردند، کارفرما شکست را پذیرفت و ۱۸۰ کارگر اخراجی بعد از اتمام اعتصاب به کار خودشان برگشتند و کارفرما ۸۰۰,۰۰۰ وان جریمه شد.

از سال ۲۰۰۸ سندیکاها شروع به عضوگیری کارگرانی کردند که از سالمندان نگه داری و مراقبت می‌کردند، تا سال ۲۰۱۳ توانستند ۲۰۰ هزار کارگر خانگی و ۲۲ هزار کارگر دستیار را عضو اتحادیه کنند که از دولت حقوق دریافت می‌کنند. این اعتراضات همچنان در سالهای بعد و تا به امروز ادامه داشته و دارد. در زیر به سالشمار برخی از این اعتراضات مروری داریم:

**ماه جولای ۲۰۰۸**

اعتراض کارگران رسانه‌ها به خصوصی‌سازی توسط دولت، کارگران معتقدند دولت با هدف اعمال قدرت و کنترل بیشتر بر رسانه‌ها اقدام به خصوصی‌سازی می‌کند. ۱۰۷

#### ۲۲ مه ۲۰۰۹

۹۷۶ تن از کارگران شرکت سانگ یانگ موتور به مدت ۷۷ روز دست به اعتصاب زدند و کارخانه اتومبیل‌سازی را اشغال کردند. آنها چندین بار مورد حمله نیروهای نظامی و شبه نظامی قرار گرفتند. سپس توافقی با تایید دادگاه محلی توسط مدیریت و رئیس اتحادیه محلی برای پایان دادن به اشغال امضا شد. اما اوضاع برای کارگران اعتصابی به شدت وخیم شد و دادگاه و پلیس تعداد زیادی از کارگران اعتصابی را تحت تعقیب قرار داده و به جرم ۴/۵ میلیون دلار زیان برای اشغال و اعتصاب زندانی کرد تا بدین وسیله قدرت اعتصاب و اعتراض کارگران را در آینده مهار و ایستایی آنان را تضعیف کنند. ۱۰۸

#### ۴ دسامبر ۲۰۰۹

کارگران راه آهن کره بعد از ۸ روز اعتصاب، به دنبال اعلام غیر قانونی بودن اعتصاب توسط دولت و حمله به دفاتر اتحادیه‌ها و صدور حکم بازداشت ۱۵ تن از رهبران اتحادیه به اعتصاب خود پایان دادند. نزدیک به ۱۵ هزار نفر از کارگران راه آهن در این اعتصاب شرکت کردند آنان خواهان پذیرفتن قراردادهای دستجمعی توسط کارفرما و جلوگیری از فسخ قراردادهای شغلی خود بودند. ۱۰۹

#### ۱۱ و ۱۲ نوامبر ۲۰۱۰

تظاهرات و اعتراض کارگران، اتحادیه‌های کارگری، دانشجویان و سایر سازمان‌های چپ‌گرا در سئول با دیگر فعالان بین‌المللی علیه اجلاس گروه ۲۰ (G20).

## ۱۵ نوامبر ۲۰۱۰

اعتصاب و اشغال کارخانه اتومبیل سازی هیوندای موتور توسط کارگران رسمی و غیر رسمی کارخانه و اعلام اتحاد و همبستگی بین کارگران و اعلام حمایت بین المللی کارگران از کارگران معترض این کارخانه.

کارگران غیر رسمی قراردادهای موقت دارند. این کارگران ۴۸ درصد از کل کارگران کارخانه را تشکیل می دهند و اخراج آنها برای کارفرما بسیار آسان می باشد. به دنبال حمله و درگیری با پلیس، برخی از رهبران اتحادیه کارگران موقت توسط نیروهای امنیتی و اراذل و اوباش شرکت در اثر ضرب و شتم در بیمارستان بستری شدند. اما این امر اراده کارگران موقت را برای احقاق حق شان متوقف نکرده و به مبارزه ادامه دادند. این مبارزه به ویژه بعد از صدور بیانیه مشترک کارگران رسمی و موقت، شکل بسیار منسجمی به خود گرفت.

در این اعتصاب قدرت کارگران به طور کامل نشان داده شد. تولید کارخانه به مدت ۲۵ روز تعطیل شد. هزینه این اعتصاب برای کارفرمایان و سرمایه دارها ۲۷۷ میلیون دلار برآورد شد. بر اساس گزارشها در ماه نوامبر خودروسازان کره ای بدترین فروش را داشتند. این اعتصاب علاوه بر همبستگی بیشتر بین کارگران اعتماد به نفس بیشتری به کارگران سایر کارخانه ها داد. به گفته یکی از تحلیل گران این گل مبارزه جدید از دانه قدیمی است.<sup>۱۱۰</sup>

## ۲۴ می ۲۰۱۱

بیش از ۳۰۰۰ پلیس ضد شورش به کارگران اعتصابی کارخانه Yoosung در آنسان، جنوب سنول حمله کردند.

## ۱۴ جولای ۲۰۱۱

نزدیک به ۲۰۰۰ کارگر در یک کارخانه تولید پوشاک متعلق به کره جنوبی در ویتنام دست به اعتصاب در اعتراض به دستمزدهای پایین زدند. پلیس ضد شورش با پشتیبانی بالگردها و توپ آب اعتصاب نشسته کارگران عضو اتحادیه کارخانه قطعات خودرو در کره جنوبی را شکست.<sup>۱۱۱</sup>

## ۲۰ ژانویه ۲۰۱۴

اعتصاب کارگران راه آهن کره جنوبی علیه خصوصی سازی

کارگران راه آهن کره جنوبی یک اعتصاب ۲۲ روزه را سازمان دادند که طولانی ترین حمله در تاریخ این کشور علیه خصوصی سازی بود. گر چه آنها یک پیروزی آشکار بدست نیاوردند، اما توانستند فکر عموم مردم را بر موضوع خصوصی سازی متمرکز کنند.

## ۲۴ آپریل ۲۰۱۵

۲۶۰ هزار نفر از کارگران کره جنوبی علیه انعطاف پذیری قانون کار (قانون بازار کار) و اصلاح بازنشستگی دست به اعتصاب زدند. دهها هزار نفر از کارگران اتحادیه در سراسر کشور علیه دولت از محل کار خود اقدام به راهپیمایی کردند. دولت در نظر داشت برای اصلاح سیستم بازنشستگی کارکنان خدمات عمومی و معرفی ساعات کار انعطاف پذیرتر اقدام کند.

## ۲۱ نوامبر ۲۰۱۵

در سحرگاه ۲۱ نوامبر نیروهای پلیس دولت کره جنوبی به دفاتر کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری KCTU، KPTU و سایر اتحادیه‌ها حمله و به بازرسی و مصادره این دفاتر به روش حیرت انگیزی اقدام کردند. بیانیه‌های متعددی از سوی اتحادیه‌های کارگری سراسر جهان در محکومیت حمله پلیس دولت کره

جنوبی به دفاتر اتحادیه‌های کارگری منتشر شد. رییس جمهور گسترش اعتراضات کارگری در سراسر کره جنوبی را با داعش مقایسه کرد. پارک گون‌های به معترضان هشدار داد و تظاهرات ضد دولتی را ناشی از نفوذ «عناصر تروریستی» اعلام کرد.

با اشاره به تظاهرات توده‌ای که در سنول ۱۰ روز قبل صورت گرفته بود، پارک معترضانی را که صورت خود را با پوشیدن ماسک یا پوشش‌های دیگر مخفی کرده بودند را به اعضای گروه افراطی بدنام نسبت داد و خواستار ممنوعیت استفاده از ماسک در تظاهرات شد. این تظاهرکنندگان، به دلیل انتشار کتاب‌های تاریخ جعلی برای مدارس و اصلاحات بازار کار، دولت را محکوم کردند. درگیری‌های خشونت‌آمیز میان پلیس و تظاهرکنندگان، که برخی از آنها صورت خود را پوشانده بودند دیده شد.

### ۱۱ سپتامبر ۲۰۱۶

درگیری میان پلیس و فعالان کارگری و حامیان آنها رخ داد، همانند اعتراضی که در تاریخ ۱۴ نوامبر در شمال مرکزی سنول صورت گرفت. در این اعتراض به اصلاحات کارگری طرفدار کسب و کار، کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری کره (KCTU)، دومین سازمان کارگری در این کشور پس از فدراسیون اتحادیه‌های کارگری کره ای (FKTU)، نقش اصلی را داشت

### ۲۲ ژوئیه ۲۰۱۶

۱۵۰ هزار کارگران فلز کار کره جنوبی دست به اعتصاب زدند. اتحادیه کارگران فلز کار کره، فراخوان اعتصاب عمومی در سراسر این بخش را در حمایت از اعتراضات کارگران هیوندای اعلام کرد.

دهها هزار نفر از فعالین اتحادیه ای در سئول تظاهرات کردند، جمعه ۲۲ ژوئیه ۱۵۰ هزار نفر از بخش صنایع فلزی دست به یک اعتصاب عمومی در حمایت از اختلاف بر سر حقوق و شرایط کار در گروه هیوندای موتور زدند.

هیوندای یکی از شرکت‌های چند ملیتی مختلط به نام "چائبول" در بخش صنایع فلزی در کره جنوبی است.

کارگران در کارخانه هیوندای موتورز در اولسان در روز جمعه پیاده روی کردند و به کارگران کیا موتورز، کشتی سازان از هیوندای صنایع سنگین و دیگر شرکت های وابسته ملحق شدند. آنها اعلام کردند ۲۶ ژوئیه اقدامات بیشتری برای اعلام اعتراض‌شان صورت خواهند داد.<sup>۱۱۲</sup>

## ۲۹ سپتامبر ۲۰۱۶

اعتصابات کارگران راه آهن و کارگران مترو و همچنین کارگران هیوندای موتور باعث آسیب بیشتر به اقتصاد کشور شده است، خسارت مالی از اعتصاب کارگران اتحادیه هیوندای موتور، بزرگترین خودروساز کشور، در حال حاضر به یک رکورد بی سابقه رسیده است: از دست دادن تولید ۱۲۶ هزار اتومبیل به ارزش بیش از ۲,۷۸ تریلیون وون (۲,۵۳ میلیارد دلار) طی ۲۲ بار اعتصاب در سال ۲۰۱۶. این مقایسه با رکورد قبلی در سال ۲۰۱۲، هنگامی که ۱۲ اعتصاب باعث ۱,۷ تریلیون خسارت مالی به بار آورد، قابل ملاحظه است.

اتحادیه کارگران خدمات عمومی و حمل و نقل نیز اعتصاب خود را برای سومین روز تمدید کردند. فقط ۳۲ درصد از حمل و نقل، حمل و نقل به طور منظم مطابق گزارش وزارتخانه "زمین، زیربنا و حمل و نقل" انجام شد.<sup>۱۱۳</sup>

## ۵ اکتبر ۲۰۱۶



کارگران هیوندای تهدید به اعتصاب سراسری کردند و اعلام کردند در صورتی که دولت حکم اضطراری حق بازگشت به کار کارگران را صادر نکند، دست به اعتصاب سراسری خواند زد. وزیر کار گفت: اگر اتحادیه‌های کارگری و مدیریت موفق به سازش و پایان دادن به اعتصاب نشوند اعتصاب در هیوندای موتور به طور جدی به بخش‌های زیر مجموعه اتومبیل و اقتصاد به طور کلی آسیب جدی وارد خواهد آورد.<sup>۱۱۴</sup>

تعداد زیادی از کارگران کره جنوبی در صنایع مختلف در ماه‌های نوامبر و اکتبر در اعتصاب بسر بردند، اعتراض به یورش دولت رئیس جمهور پارک گون‌های به شرایط کار علت اصلی این اعتراضات است. این اقدامات نشانه روشنی از تمایل به مبارزه در لایه‌های گسترده‌ای از طبقه کارگر می باشند با وجود تلاش‌های اتحادیه برای مهار و مانع جنبش شدند.

رئیس کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری کره، که در حال حاضر مشغول گذراندن محکومیت زندانش برای سازماندهی تظاهرات سال گذشته است برنده جایزه آزادی ۲۰۱۶، جایزه بیم یا هراس (Fear Award) از طرف اتحادیه یونی گلوبال (Global Union) و فدراسیون اتحادیه‌های بین المللی شد.<sup>۱۱۵</sup>

اکنون نیز روزهاست که هزاران و شاید میلیون نفر از مردم کره جنوبی در اعتراض به فساد گسترده مالی در خیابان‌ها هستند و خواستار برکناری دولتند. این اعتراضات گسترده جز با همکاری و همراهی تشکل‌های مختلف دانشجویی، زنان و کارگری امکان پذیر نیست. آنان پیگیرانه خواسته‌های خود را دنبال می‌کنند و رسانه‌های سرمایه‌داری کمترین پوشش خبری را از این اعتراضات گسترده دارد.

منابع و زیرنویس‌ها:

۱- <https://www.theguardian.com/world/2015/oct/28/nepalese-parliament-first-female-president-bidhya-devi-bhandari>

۲- برای شناخت بهتر جنبش مسلحانه مائوئیستی در دوران معاصر باید به جنبش مسلحانه راه درخشان در کشور پرو پرداخت و این جنبش را بررسی کرد. جنبشی که در دهه هشتاد میلادی شکل گرفت و در سال ۲۰۰۸ افول کرد.

<http://www.coha.org/the-rise-and-fall-of-shining-path/>

در مطلب دیگری ما به بررسی جنبش کارگری آرژانتین خواهیم پرداخت.  
 ۳- شبه جزیره کره از سال ۱۳۹۲ تا ۱۸۹۷ میلادی توسط خاندان پادشاهی چوسون اداره می شد و اسم قدیم این کشور، چوسون و مستعمره کشور چین بود. در سال‌های ۱۵۹۲ تا ۱۵۹۸ توسط ژاپنی‌ها اشغال شد.<sup>۱</sup> در سال ۱۸۹۷ این خاندان نام این کشور را به امپراطوری کره تغییر دادند. قبل از این تغییر نام، جنبش دهقانی دانگهک در سال ۱۸۹۴ شکل گرفته بود. این جنبش یا انقلاب دهقانی یکی از مهم ترین جنبش‌های تاریخی آسیا است. این جنبش دستاورد عظیمی داشت از جمله مالیات گذاری بر روی در آمد ثروتمندان، تقسیم زمین و فشار آوردن بر حکومت چوسون و رهایی از زیر یوغ چین.<sup>۲</sup> بعد از جدایی از سیطره چین در سال ۱۸۹۷ به لحاظ فرهنگی به کشور ژاپن نزدیک شد. فرهنگ سیاسی زیر تعالیم اخلاقی کنفسیوس<sup>۳</sup> بود، این تعالیم به معنی بوجود آوردن یک رابطه‌ها رمونیک با جهان هستی از طریق سلسله مراتب هرمی، که برای رسیدن به سلسله مراتب اجتماعی بالاتر افراد از طریق سلسله مراتب بوروکراتیک انتخاب شده و در یک سلسله رقابت امتحان پس می دهند. قدرت سیاسی از طریق پادشاه اعمال می شود و اوست که حق رفتن به بهشت را تعیین می کند.<sup>۴</sup> در چنین جامعه ای ۸۰ درصد مردم هیچ نقشی نداشتند. این کشور در سال ۱۹۱۰ دوباره توسط ژاپن اشغال شد و تا سال ۱۹۴۵ در اشغال باقی ماند که در پنج سال اول آن، وحشتناک ترین فشار بر روی جامعه کره آورده شد. استبداد ژاپنی در تمامی ابعاد این جامعه کره را در بر گرفت، فرهنگ ژاپنی بر کل جامعه حکمفرما شد، مردم کره به عنوان شهروندان درجه دو حساب می شدند و آموزش تاریخ کره و زبان کره ای در مدارس ممنوع و مدارس کره محلی برای واردات محصولات نظری و فرهنگی ژاپن شد، تمامی ارکان رسانه‌های اجتماعی، روزنامه‌ها ، مجلات، اطلاعاتیه‌ها ، رادیو و سینما زیر نظر ژاپن

1

[https://en.wikipedia.org/wiki/Japanese\\_invasions\\_of\\_Korea\\_%281592%E2%80%931897%29](https://en.wikipedia.org/wiki/Japanese_invasions_of_Korea_%281592%E2%80%931897%29)

<sup>2</sup> Donghak Peasant Movement

[https://en.wikipedia.org/wiki/Donghak\\_Peasant\\_Revolution](https://en.wikipedia.org/wiki/Donghak_Peasant_Revolution)

<sup>3</sup> Confucian moral principles

<sup>4</sup> Change and Continuity in Korean Political Culture An Overview.  
 Hong Nack Kim. West Virginia University

بود، نژاد پرستی ژاپنی در تمامی ارکان کره نمود داشت، تمامی مشاغل حساس کره در دست ژاپنی‌ها بود از مدیریت مدارس تا ارکان دولتی، مردم کره باید نام ژاپنی بر روی فرزندان خود می‌گذاشتند اما حتی بعد از نام‌گذاری هم آنها را به عنوان ژاپنی به رسمیت نمی‌شناختند. شعار ژاپنی‌ها همزیستی و موفقیت با هم<sup>۱</sup> تنها یک شعار بود. بسیاری از مدارک تاریخی و ادبیات کره و کتاب‌ها سوزانده شد. کره به زندان و شکنجه گاه سیاسی<sup>۲</sup> برای کره ای‌ها تبدیل شده بود. با محاصره ژاپن در ۱۵ اوت ۱۹۴۵ که به شکست ژاپن در جنگ جهانی دوم منتهی شد، کره از اشغال ژاپن آزاد شد اما به دو کشور تقسیم شد. نیروی آمریکا در جنوب و نیروی شوروی در شمال شبه جزیره کره مستقر بودند. ژاپن در محاصره نیروهای جنگی بود و تقسیم کره طی سی دقیقه مذاکره مابین شوروی و آمریکا انجام گرفت. فرهنگ سیاسی کنفوسیوسی یا هر می سد بسیار مهمی در تغییر ساختار سیاسی جامعه ایجاد کرده بود. کره جنوبی همزمان با اشغال نظامی آمریکا از سال ۱۹۴۵ تا ۱۹۴۸ توانست تا حدودی با آزادی مذهب، مطبوعات و احزاب سیاسی آشنا شود.

#### 4- Republic of Korea

<http://www3.nccu.edu.tw/~lorenzo/Hao%20Chinas%20Decision.pdf>

5- [http://www.bbc.co.uk/history/worldwars/coldwar/korea\\_hickey\\_01.shtml](http://www.bbc.co.uk/history/worldwars/coldwar/korea_hickey_01.shtml)

دولت آمریکا هنوز با ۴۷ پایگاه نظامی بیشتریت دخالت را در مسائل کره دارد، البته ۱۷ پایگاه آن در چند سال گذشته بسته شده است.

#### 7-

[https://en.wikipedia.org/wiki/List\\_of\\_United\\_States\\_Army\\_installations\\_in\\_South\\_Korea](https://en.wikipedia.org/wiki/List_of_United_States_Army_installations_in_South_Korea)

8- <http://www.theatlantic.com/international/archive/2013/07/what-we-learned-from-the-korean-war/278016/>

9- Syngman Rhee

10- Park Chung-hee - military junta

11- [https://en.wikipedia.org/wiki/Assassination\\_of\\_Park\\_Chung-hee](https://en.wikipedia.org/wiki/Assassination_of_Park_Chung-hee)

12- Change and Continuity in Korean Political Culture An Overview - Hong Nack Kim West Virginia University

1 "Coexistence and coprosperity,"

2 torturing political prisoners)

روشنفکران کره در دهه هشتاد و نود میلادی در یک زمینه بسیار فعال بودند و آن هم شناخت جامعه خودشان بوده است. مطلب تحقیقی نمی توان یافت که در ابتدا در زمینه جامعه شناسی کره صحبت نشده باشد، الگو برداری در سنت آنها نیست و سعی آنها بر این است که با شناخت از یک جامعه سنتی چگونه می توان فعالیت ها را پیش برد. شعار اصلی روشنفکران کره این بود که سیستم سیاسی دمکراتیک نمی تواند بوجود آید بدون فرهنگ مشارکت سیاسی و این امر نیز در گرو آگاهگری است. فرهنگ روزنامه خوانی از هر صد نفر پنج نفر روزنامه خوان در سال ۱۹۶۵ به ۲۴ نفر از صد نفر دز سال ۱۹۷۹ رسید بود فرهنگ مشارکت سیاسی و این امر نیز در گرو آگاهگری است. فرهنگ روزنامه خوانی از هر صد نفر پنج نفر روزنامه خوان در سال ۱۹۶۵ به ۲۴ نفر از صد نفر دز سال ۱۹۷۹ رسید بود.

13- Korean Central Intelligence Agency (KCIA)

14- Choi Kyu-hah

15- [https://en.wikipedia.org/wiki/Choi\\_Kyu-hah](https://en.wikipedia.org/wiki/Choi_Kyu-hah)

16- National Alliance for the Rapid Realization of Korean Independence

17- Liberal Party

18- Democratic Unification Party

19- [https://en.wikipedia.org/wiki/Labor\\_Party\\_%28South\\_Korea%29](https://en.wikipedia.org/wiki/Labor_Party_%28South_Korea%29)

20- [https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AD%D8%B2%D8%A8\\_%DA%A9%D8%A7%D8%B1%DA%AF%D8%B1%D8%A7%D9%86\\_%DA%A9%D8%B1%D9%87\\_%D8%AC%D9%86%D9%88%D8%A8%DB%8C](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AD%D8%B2%D8%A8_%DA%A9%D8%A7%D8%B1%DA%AF%D8%B1%D8%A7%D9%86_%DA%A9%D8%B1%D9%87_%D8%AC%D9%86%D9%88%D8%A8%DB%8C)

21- <http://www7.irna.ir/fa/News/81434058/>

22- [https://en.wikipedia.org/wiki/List\\_of\\_political\\_parties\\_in\\_South\\_Korea](https://en.wikipedia.org/wiki/List_of_political_parties_in_South_Korea)

23- [https://en.wikipedia.org/wiki/Democratic\\_Labor\\_Party\\_%28South\\_Korea%29](https://en.wikipedia.org/wiki/Democratic_Labor_Party_%28South_Korea%29)

24- People's New Party for Reform

25- [https://en.wikipedia.org/wiki/People's\\_New\\_Party\\_for\\_Reform](https://en.wikipedia.org/wiki/People's_New_Party_for_Reform)

26- Minjoo Party of Korea

27-

[https://en.wikipedia.org/w/index.php?title=Minjoo\\_Party\\_of\\_Korea&oldid=715675012](https://en.wikipedia.org/w/index.php?title=Minjoo_Party_of_Korea&oldid=715675012)

28- Park Geun-hye

29- Park Chung-hee

30- Chaebol

31-

[https://en.wikipedia.org/wiki/Democratic\\_Labor\\_Party\\_%28South\\_Korea%29](https://en.wikipedia.org/wiki/Democratic_Labor_Party_%28South_Korea%29)

32- <https://www.britannica.com/topic/conglomerate-business>

33- <https://www.britannica.com/topic/chaebol>

34- کتاب رشد و توسعه اقتصادی در کره جنوبی - لی گون یانگ ترجمه مرتضی سلطانپور

ایبانه شرکت انتشارات علمی و فرهنگی ۱۳۸۶ ص 55

35- <http://thediomat.com/2016/11/south-koreas-most-bizarre-corruption-scandal-yet/>

36- کتاب رشد و توسعه اقتصادی در کره جنوبی - لی گون یانگ ترجمه مرتضی سلطانپور ایبانه

شرکت انتشارات علمی و فرهنگی - ۱۳۸۶

37- بررسی سیاست شهری سازمان همکاری اقتصادی و توسعه کره جنوبی مترجم دکتر

حسین محمد پور زندی ناشر رستان ۱۳۹۴<sup>۱</sup>

38- رقابت‌های بی حد و حصر در محیط‌های کارگری و اجتماعی به حدی است که روزانه ۴۰

نفر در کره خود را می‌کشند. این نوع عمل حتی در محیط‌های کارگری افزایش یافته و حتی زهبران کارگری نیز در مقابل اداره کار می‌سوزانند. کار بجایی رسیده که در مدارس و محیط‌های کار تابوت می‌گذارند تا دانش آموزان و کارکنان برای ساعتها در آن بخوابند تا تجربه کنند در زنده بودن اشان مرگ را. عکس زیر اعتراض کارگران برای خودسوزی رهبر کارگری در مقابل اداره کار است.

38- <http://www.bbc.com/news/magazine-34797017>



1987: The Great Workers' Struggle in South Korea

<sup>39-</sup> The Struggles of Irregularly-Employed Workers in South Korea,

1999-2012 Jennifer Jihye 40.Chun Department of Sociology

November 25, 2013

<sup>41-</sup> irregular employment (bijeonggyujik),

در دهه اول سال دوهزار میلادی ترمنولوژی یا اصطلاح کار غیر استادار یا پرکی ریس یا مشاغل حقوق کم، بدون امنیت شغلی، نبود حمایت قانونی مطرح شد.

[https://en.wikipedia.org/wiki/Precarious\\_work](https://en.wikipedia.org/wiki/Precarious_work) - Precarious work

مبارزه برای کار غیر استادار در تمامی دنیا به یکی از اصلی ترین مبارزات کارگری تبدیل شده است.

42- the Special Committee on Non-regular Workers (SCNW),

<sup>1</sup> in-house subcontracting

<sup>43</sup> شرکت‌های چند ملیتی که در دهه‌ی ۶۰ و ۷۰ قرن بیستم گسترش یافته بودند، سعی در به چنگ آوردن منابع ثروت و مواد خام و صدور کالا به همه جهان داشتند. این بار نه تنها به کشورهای تحت استعمار قبل از جنگ جهانی، که به برخی از کشورهای شکست خورده و ویران شده از جنگ، چنگ انداختند. این شرکت‌های چندملیتی که حوزه‌ی عملکردشان را به کشورهای تحت تسلط سرمایه داری گسترش دادند، روزبه‌روز بزرگ‌تر شدند و به منابع ثروت و مواد خام جدیدی دسترسی پیدا کردند. سرمایه‌های آنها به تنهایی بیش از مجموعه‌ی گردش اقتصادی تعدادی از کشورها است (در سال ۲۰۰۳ از صد اقتصاد بزرگ جهان چهل و نه عدد آن شرکت‌ها بودند و شرکتی مانند اکسون اقتصادی بزرگتر از کشوری مانند اسپانیا داشت).

هر کدام از این شرکت‌ها نیز بخشی از جهان را تحت سیطره خود درآورده‌اند. آنان این بار نه به چند قرارداد و مقالهنامه که با هزاران قرارداد و پیمان‌نامه سعی در کنترل اقتصاد سایر مناطق جهان دارند. پس از سه دهه مطلق‌العنان بودن و گردش نسبتاً آزاد سرمایه‌های این شرکت‌ها در کشورهای دیگر، گسترش این سرمایه‌ها در چارچوب قوانین ملی کشورها با مشکل مواجه می‌شود. هنوز بعضی از قوانین ملی کشورها در اثر مبارزات مردمی یا جنبش‌های آزادی بخش و تغییرحکومتها، یا رقابت میان قدرت‌های پیروز در جنگهای جهانی، موانعی در جهت گردش بدون قیدوشرط سرمایه ایجاد میکنند. سرمایه‌ای که به خصوص پس از فروپاشی شوروی و اروپای شرقی و غارت این کشورها بسی حجیم‌تر و بزرگتر شده است و زمینهای آماده‌تری برای گردش خود در بخش دیگری از جهان یافته است و برای حرکت خود به عرصه‌ی وسیع‌تری نیاز دارد. این سرمایه‌داری همراه با دیوارهایی مرئی، نظیر دیوار برلین، شروع به برداشتن آخرین دیوارهای نامرئی می‌کند. در دوره‌ی پس از جنگ جهانی دوم در اثر مبارزات و جنبش‌های آزادی‌بخش و همچنین آزادی نسبی جنبش‌های اتحادیه‌ای و کارگری در قسمت‌های مختلف جهان، قوانین حمایتی از صنایع و نیروی کار و منابع و مواد خام بوجود آمده بود. از جمله در

ایران می‌توان به قوانین ملی شدن صنعت نفت، قوانین حمایت از نیروی کار مانند حداقل دستمزد و یا ۸ ساعت کار روزانه و یا بیمه‌های اجتماعی و... اشاره کرد. اما این آخرین بازمانده‌های امتیازات بدست آمده در جریان جنبش‌های مختلف اجتماعی، مانعی در جهت گسترش آزاد سرمایه است.

<sup>44</sup>-Kongdoli

<sup>45</sup>- Kongsuni

<sup>46</sup>-<sup>۱</sup> Korean Workers The Culture and Politics of Class formation

Hagen Koo Cornel university 2001 P12

<sup>4۷</sup>-Nodongia

۸۴- منبع قبلی صفحه ۱۴

۴۹- این قسمت از کتاب سیرتحولات استعمار جلد دو علیرضا ثقفی است که زیر چاپ است.

<sup>۵۰</sup>- [https://www.scribd.com/document/25522653/South-Korea-](https://www.scribd.com/document/25522653/South-Korea-Disposable-labour-Rights-of-migrant-workers-in-South-Korea)

Disposable-labour-Rights-of-migrant-workers-in-South-Korea

51-[https://en.wikipedia.org/wiki/Gwangju\\_Uprising](https://en.wikipedia.org/wiki/Gwangju_Uprising)

<sup>52</sup>- Chun Doo-hwan – [https://en.wikipedia.org/wiki/Chun\\_Doo-hwan](https://en.wikipedia.org/wiki/Chun_Doo-hwan)

<https://en.wikipedia.org/wiki/Chaebol>

<sup>۵۳</sup>-[https://archive.monthlyreview.org/index.php/mr/article/view/MR-](https://archive.monthlyreview.org/index.php/mr/article/view/MR-049-03-1997-07_8)

049-03-1997-07\_8

گرچه نویسندگان روشنفکرمانتلی ریویو مانند همیشه نگران تکرار اشتباه کی تی یو سی در دام فدراسیون امریکا بودند ولی تاریخ نشان داد که جنبش کارگری کره نه از دل روشنفکران بلکه از دل طبقه کارگر بیرون آمده بود و نهادهای سرمایه‌داری نمی‌توانستند این جنبش را به بیراه بکشانند.

<sup>54</sup>- Industrial estates of Ulsan

<sup>55</sup>- Pusan, Changwong and Masan,

1987: The Great Workers' Struggle in South Korea

<sup>56</sup>-

[https://archive.monthlyreview.org/index.php/mr/article/view/MR-](https://archive.monthlyreview.org/index.php/mr/article/view/MR-049-03-1997-07_8)

049-03-1997-07\_8

<sup>57</sup>-Federation of Korean Trade Unions

<sup>58</sup>- <http://kctu.org/kctu>

59-

[https://en.wikipedia.org/wiki/United\\_States\\_beef\\_imports\\_in\\_South\\_Korea](https://en.wikipedia.org/wiki/United_States_beef_imports_in_South_Korea)

<sup>60</sup>. کانون مدافعان در تاریخ ۲۳ اوت ۲۰۱۶ طی نامه ای از هگن کو استاد جامعه شناسی دانشگاه‌ها وایی در امریکا که چندین کتاب و مقالات بسیاری در رابطه با جنبش کارگری کره نوشته است سوال کرد که در تمامی مطالبی که در رابطه با جنبش دانشجویی و کارگری کره جنوبی آمده است در هیچ جا اشاره ای به جنبش سوسیالیستی و کمونیستی دانشجویان کره و یا جنبش کارگری نیست؟ آیا این بدان معنی است که گرایش پرو چین یا پرو روسیه هواداری در کره ندارد؟ ایشان توضیح دادند که در تمامی سالهای تحقیق اش هیچ جا به چنین گرایشی برخورد نکرده است اما این بدان معنی نیست که در حلقه‌های دانشجویی کتابهای چپ و مارکسیست مطالعه نشده است که حتما باید مطالعه باشد اما دلیل علنی نبودنش شاید بر می گردد به شرایط امنیتی خود کره.

<sup>61</sup>-Minjung

<sup>62</sup>- Silhak - <https://en.wikipedia.org/wiki/Silhak>

<sup>63</sup>- Park Chung Hee

<sup>64</sup>-[https://en.wikipedia.org/wiki/YH\\_Trading\\_Company](https://en.wikipedia.org/wiki/YH_Trading_Company)

<sup>65</sup>- <https://en.wikipedia.org/wiki/Minjung>

<sup>66</sup>- city of Gwangju, South Korea, from May 18 to 27, 1980

<sup>67</sup>- دولت کره جنوبی برنامه سازی بسیاری کرد تا نشان دهد که این تعارض مردمی توسط ارتش کره شمالی صورت گرفته است که نیروهای اجتماعی اعتراضات وسیعی راه انداختند برای افشای این سیاست دولت

<http://koreajoongangdaily.joins.com/news/article/article.aspx?aid=2971886>

<sup>68</sup>- Chonnam National University

<sup>69</sup>-[https://en.wikipedia.org/wiki/Gwangju\\_Uprising](https://en.wikipedia.org/wiki/Gwangju_Uprising)

<sup>70</sup>- <https://libcom.org/history/1980-the-kwangju-uprising>

<sup>73</sup>- Yun Sang-won

<sup>74</sup>- <http://www.atimes.com/article/the-truth-about-yun-sang-won-and-the-gwangju-uprising-in-1980/>

<sup>75</sup>- Chun Doo-hwan

<sup>76</sup>- [https://en.wikipedia.org/wiki/Chun\\_Doo-hwan](https://en.wikipedia.org/wiki/Chun_Doo-hwan)

<sup>77</sup>- [https://en.wikipedia.org/wiki/386\\_Generation](https://en.wikipedia.org/wiki/386_Generation)

<sup>78</sup>- Chun Doo-hwan

<sup>79</sup>- [https://en.wikipedia.org/wiki/Chun\\_Doo-hwan](https://en.wikipedia.org/wiki/Chun_Doo-hwan)

<sup>80</sup>- Change and Continuity in Korean Political Culture An Overview. Hong Nack Kim. West Virginia University



<sup>81</sup>-Roh Moo-hyun

<sup>82</sup>- [https://en.wikipedia.org/wiki/Roh\\_Moo-hyun](https://en.wikipedia.org/wiki/Roh_Moo-hyun)

<sup>83</sup>- Lee Myung-bak

<sup>84</sup>- [https://en.wikipedia.org/wiki/Comfort\\_women](https://en.wikipedia.org/wiki/Comfort_women)

<sup>85</sup>- Minjung

<sup>86</sup>- Great Struggle

<sup>87</sup>- [https://en.wikipedia.org/wiki/Lee\\_Myung-bak](https://en.wikipedia.org/wiki/Lee_Myung-bak)

<sup>88</sup>- Korean Confederation Trade Union

<sup>89</sup>-

<http://www.icnl.org/research/library/files/South%20Korea/KoreanStudies.pdf>

<sup>90</sup>-

Emergency Decrees, National Security Law, Anti -Communist Law, etc.), the use of military, the Korean Central Intelligence Agency, and the Defense Security Command

<sup>91</sup>- [https://en.wikipedia.org/wiki/March\\_1st\\_Movement](https://en.wikipedia.org/wiki/March_1st_Movement)

<sup>92</sup>-

[https://en.wikipedia.org/wiki/Gwangju\\_Student\\_Independence\\_Movement](https://en.wikipedia.org/wiki/Gwangju_Student_Independence_Movement)

<sup>93</sup>- [https://en.wikipedia.org/wiki/June\\_Democratic\\_Uprising](https://en.wikipedia.org/wiki/June_Democratic_Uprising)

<sup>94</sup>- [https://en.wikipedia.org/wiki/Lee\\_Myung-bak\\_government](https://en.wikipedia.org/wiki/Lee_Myung-bak_government)

<sup>95</sup>-The People's Movement Coalition for Democracy and Reunification (PMCDR).

<sup>96</sup>- the New Korea Democratic Party (NKDP)

<sup>97</sup>- Kim Dae Jung

اما کیم دا جنگ کیست؟ ایشان از فعالین جنبش دانشجویی دهه شصت بود که در سالهای ۱۹۶۳ تا ۱۹۶۷ نماینده مجلس شد، دولت پارک او را تبعید کرد و در ژاپن به او سوءقصد شد و دولت کره او را ربود و دوباره به کره بازگرداند. وی از سال ۱۹۷۶ تا ۱۹۷۸ در زندان بود. عفو بین الملل او را به عنوان زندانی عقیدتی معرفی کرد. بعد از ترور رئیس جمهور پارک جنگ دوباره به فعالیت سیاسی پرداخت که در سال ۱۹۸۰ دستگیر و به مرگ محکوم شد بعد از اعتراضات بسیار او را به ۲۰ سال و بعد ۱۱ سال زندان محکوم کردند. پاپ ژان پل دوم برای آزادی او نامه نوشت. ایشان همان سال به امریکا تبعید شد، در دانشگاهها روارد به تدریس پرداخت. او در سال ۱۹۹۷ رئیس جمهور کره

شد. [https://en.wikipedia.org/wiki/Kim\\_Dae-jung](https://en.wikipedia.org/wiki/Kim_Dae-jung)

<sup>98</sup>-<http://nvdatabase.swarthmore.edu/content/us-officials-nonviolently-intervene-south-99-korea-protect-leading-dissident-kim-dae-jung-1985>  
99\_

[https://aparc.fsi.stanford.edu/sites/default/files/KDP\\_Report\\_%28final%29-1.pdf](https://aparc.fsi.stanford.edu/sites/default/files/KDP_Report_%28final%29-1.pdf)

100- Korean Workers Hagen Koo Cornell University 2001 P185

101-<sup>1</sup> Company cultural Movement

<sup>102</sup>- Tamul Ideology

<sup>103</sup>- Organizing at the Margins – Jennifer Jihye Chune-Cornell University 2009

<sup>104</sup>-

The struggles of Irregularly-Employed Workers in South Korea 1999-2012 Jennifer Chun University of Toronto

<sup>105</sup>

Jaenung Educational Tutors Union (JETU),

<sup>106</sup> \* Eland Workers Union, 2007-2009: 510 days

<sup>107</sup> <http://nvdatabase.swarthmore.edu/content/south-korean-media-workers-resist-privatisation-television-networks-2008-2009>

<sup>108</sup>

<https://libcom.org/news/ssangyong-motors-strike-south-korea-ends-defeat-heavy-repression-17082009>

<sup>109</sup>- <http://www.themilitant.com/2009/7349/734958.html>.

<sup>110</sup>- <http://links.org.au/node/2056>

<sup>111</sup>- <http://news.blogs.cnn.com/2011/05/24/riot-police-break-up-sit-down-strike-at-south-korean-auto-parts-plant>

<sup>112</sup>- <http://www.industriall-union.org/south-korea-150000-hyundai-workers-strike>

<sup>113</sup>-<http://www.koreaherald.com/view.php?ud=20160929000856>

<sup>114</sup>- <http://www.theinvestor.co.kr/view.php?ud=20161005000777>

۱۱۵- اتحادیه یونی گلوبال در ژانویه سال ۲۰۰۰ مبتنی بر صنعت بین المللی است و در حال

حاضر بیش از ۱۰۰۰ اتحادیه در بیش از ۱۶۰ کشور در جهان به نمایندگی از ۲۰ میلیون

کارگر عضو این اتحادیه می‌باشند. ۳۰۰ هزار نفر از کارگران زیر چتر اتحادیه‌های کره هستند که

بخشی از شورای اتحادیه‌های یونی گلوبال هستند می‌باشند. اتحادیه ملی کارگران رسانه‌ها ،

اتحادیه کارگران سلامت و بهداشت پزشکی، فدراسیون کارگران خدماتی، فدراسیون اتحادیه‌های

کارگران لوازم تحریر و مالی و.....



## دسترنج آموزش در خدمت مبارزات معلمان کره جنوبی

شهناز نیکوروان

"دولت کره جنوبی همچنان به انکار حقوق معلمان ادامه می دهد. بر اساس گزارش ها و بیانیه های اتحادیه معلمان کره جنوبی در ۲۳ ژانویه ۲۰۱۶ دادگاه عالی کره جنوبی از تصمیم دولت برای غیرقانونی اعلام کردن اتحادیه معلمان و کارگران آموزش (KTU) حمایت کرد. معنی رای دادگاه این است که اتحادیه معلمان و کارگران آموزش و پرورش غیرقانونی خواهد بود و نخواهد توانست حق عضویت اعضا را جمع آوری کند ، مذاکره کند ، از حمایت های مالی دولت برخوردار شود یا اعضا تمام وقت داشته باشد... این آخرین بخش از حمله های دولت به حقوق زحمتکشان و دموکراسی در کره جنوبی است. در پایان سال گذشته

تعداد بسیار زیادی از معلمان علیه بازنویسی جعلی تاریخ توسط دولت "پارک" (رئیس جمهور کره) در کتب تاریخ مدارس اعتراض کردند. تلاش دولت این است که اعتراضات و اندیشیدن انتقادی در باره گذشته کشور را متوقف کند. حمله به حقوق دموکراتیک اتحادیه های آموزش یکی از سلاح های کلیدی زرادخانه اصلاحات آموزشی رئیس جمهور پارک است."

در حالی جنبش های کارگری، دانشجویی و معلمان کره از فعال ترین جنبش های مرفقی جهان و به ویژه شرق آسیا می باشند اما اخبار اندکی از فعالیت این جنبش های صنفی، سیاسی و اجتماعی مرفقی این کشور در رسانه ها منتشر می شود و در مقابل بیش از همه، اخبار درگیری هسته ای کره شمالی و موشک پرانی و جنگ این دو همسایه ی کاملاً متفاوت در رسانه ها منتشر می شود. در زمینه تکنولوژی نیز اخبار بسیاری مبنی بر توسعه صنعتی کره جنوبی وجود دارد؛ در حالی که با نگاهی به شرایط زندگی و اعتراضات اقشار مختلف جامعه کره جنوبی در خواهیم یافت که کشور کره جنوبی در واقع منطقه آزاد تجاری و بهشتی برای کسب سود بیشتر برای سرمایه داران است و برای زحمتکشانی که برای دستیابی به نیازهای بنیادین شان هر روز بیشتر با فشار اقتصادی روبرو می شوند، جهنمی بیش نیست. با کمی دقیق شدن بر مبارزات جاری در کره جنوبی پی خواهیم برد که رسانه های سرمایه داری با این تبلیغات اغراق آمیز در جهت منافع خودشان حرکت می کنند.

در این مقاله نگاهی گذرا بر سیر تحولات آموزش در کره جنوبی و رشد نهادهای مدنی و صنفی معلمان خواهیم داشت. اکثر قریب به اتفاق مقالات فارسی در رابطه با آموزش و پرورش در کره جنوبی براساس دفاع، تایید و ستایش از این سیستم است. این مطالب گاه چنان اغراق آمیز و بازاری است و از حقوق و مزایای معلمان شاغل و بازنشستگی آنها، با ارائه مثال های بسیار، به گونه ای تمجید می

شود که مایه حسرت بسیاری برای معلمان ایران است. \* اما به قول معروف "آواز دهل شنیدن از دور خوش است!" واقعیت امر این است که رشد خصوصی سازی بهداشت و آموزش معضلی است جهانی که سبب رشد نابرابریها در کره جنوبی، ایران و سایر کشورهای جهان شده و شکاف های طبقاتی را عمیق تر کرده و می کند. نابرابری های آموزشی یکی از عریان ترین این نابرابریهاست. اشغال شدن کره جنوبی توسط امریکا و سال ها حضور نظامیان امریکایی در این کشور، شرایط ویژه ای را برای مردم در همه ی حوزه ها از جمله آموزش ایجاد کرده است. یکی از معضلات خاص جامعه کره جنوبی از خودبیگانگی فرهنگی مردم است که در زمینه آموزش با تمایل شدید آنان برای ثبت نام فرزندانشان در مدارس بین المللی خود را نمایان می کند:

« استقبال والدین کره جنوبی از ثبت نام فرزندان خود در مدارس بین المللی نیز یکی دیگر از دلایل کاهش تعداد دانش آموزان مدارس کره جنوبی می باشد . مدارس بین المللی که با هدف ثبت نام خارجیان مقیم کره جنوبی تاسیس شده اکنون به مکانی برای ثبت نام دانش آموزان کره ای تبدیل گردیده است.» (۱)

شاید یکی از مهم ترین خواسته های جنبش معلمان کره این باشد که "چرا باید از لحاظ فرهنگی و آموزشی سیستم کشوری (امریکا) را الگو قرار دهیم که خودش این مشکلات را برای ما بوجود آورده است." رشد خصوصی سازی، گسترش شرکت های چند ملیتی در کره جنوبی، کارگران و به ویژه معلمان را هر چه بیشتر رادیکال کرده است. رادیکالیزم این معلمان در زمینه مطالبات صنفی خود را نمایان می کند: بهبود حقوق و دستمزد، بهبود شرایط کاری و به دست آوردن حق اعتراض در محیط کار، بهبود کیفیت آموزش و فرهنگ سازی مطابق الگوهای سنتی جامعه کره و...

تا زمانی که ما آن شناخت واقعی و لازم را از آموزش مردمی، مسایل و مشکلات آموزشی این کشور پیدا نکنیم و آن مدینه فاضله ای را نشناسیم که از کره جنوبی در ایران به زحمتکشان نشان داده می شود و چگونگی عملکرد این سیستم را نشناسیم، نمی توانیم تحلیل درستی از جنبش اتحادیه ای کره جنوبی داشته باشیم. ما در مقاله دیگری به جنبش کارگری کره جنوبی خواهیم پرداخت ولی در آستانه اول مهر و روز جهانی معلم و روز جهانی کودک، لازم و ضروری می دانیم که بررسی ای، هرچند نه بسیار گسترده و وسیع، از وضعیت آموزش و مبارزات معلمان کره جنوبی ارائه کنیم.

### تاریخچه آموزش و پرورش در کره جنوبی

تاریخ آموزش در کشور کره به آموزش در دربارهای شاهان برمی گردد. آموزش به طور خصوصی و از دیدگاه نئوکنفوسیوس، از قرن شانزده شروع شد و دانش آموزان فارغ التحصیل از رفتن سربازی معاف می شدند. \* \* \* مدارس مدرن در کره با ورود میسیونرهای مسیحی در سال ۱۹۱۰ بوجود آمده است. مدارس مسیحی از این زاویه مورد استقبال قرار گرفتند که در آنها زنان نیز حق تحصیل داشتند. اولین دانشگاه در سئول در سال ۱۹۲۳ تاسیس شد که زیر نظر آکادمی دانشگاهی امپریال ژاپن فعالیت می کرد. تنها چهل درصد دانشجویان این دانشگاه کره ای و شصت درصد ژاپنی بودند.

بعد از اشغال کره جنوبی توسط امریکا در سال ۱۹۴۵ سیستم آموزشی کره جنوبی همانند سیستم امریکا به شش سال ابتدایی و شش سال دبیرستان تغییر کرد. دوره دبیرستان شامل دوره کوچک (Junior) و بزرگ (Senior) شد، یعنی دوره چهار ساله برای رشته های عملی و دوره ۲ ساله پیش دانشگاهی. دوره آموزش همگانی تا کلاس ششم ابتدایی در کره جنوبی اجباری است. آموزش

در این کشور زیر نظر شوراهای آموزشی اداره می شود که توسط اداره آموزش و پرورش تعیین می شوند و مسئولین ادارات و مدارس نیز توسط دولت انتخاب می شوند. سیستم آموزش در کره بیشتر در دست بخش خصوصی است و به آموزش همانند یک سرمایه گذاری شخصی نگاه می شود. آموزش و پرورش در کره جنوبی تا دهه شصت قرن گذشته بسیار مردانه بوده است. از دهه شصت به بعد نگرش کنفوسیوسی یعنی گرایش به علوم انسانی نسبت به دیگر رشته ها نیز بیشتر می شود. در دهه هفتاد بودجه آموزش ۲,۲ درصد تولید ناخالص ملی بود و در دهه هشتاد به ۳,۷۶ درصد رسید، یعنی ۲۷,۳ درصد بودجه دولت صرف هزینه آموزش می شد. بودجه نظامی کره ۱۵ درصد در آمد ناخالص ملی است. کره جنوبی نسبت به جمعیتش بزرگترین نیروی نظامی را دارد. ( ۳,۷۰۰,۰۰۰ نیرو)

در سال ۱۹۸۷ کره دارای ۶,۵۳۱ مدرسه بود که ۱۳۰,۱۴۲ معلم دوره ابتدایی و ۱۵۰,۸۷۳ معلم دوره دبیرستانی در آن مشغول به کار بودند که از این تعداد ۶۹ درصد معلمان مرد بودند. در سال ۱۹۸۰ حدود ۹۰۱ کودکستان وجود داشت که ۶۶,۴۳۳ کودک در آن درس می خواندند.

### خصوصی سازی آموزش در کره جنوبی

تاریخچه خصوصی سازی آموزش در کره جنوبی به سال های ۱۹۴۵ تا ۱۹۶۵ بر می گردد. در این دوره دولت بودجه آموزش در مدارس دولتی را بسیار محدود کرد در حدی که این بودجه بسیار اندک تنها برای ابتدایی (مقدماتی) کافی بود و از ظرفیت بخش خصوصی برای توسعه فرصت های آموزشی در سطح راهنمایی و مقاطع بالاتر آموزشی استفاده کرد. دولت بخش خصوصی را تشویق به تاسیس مدارس کرد. سیستم های تشویق مانند واگذاری زمین هدایی برای مدارس خصوصی از اصلاحات ارضی ۱۹۴۹ به این مساله سرعت بخشید. اما از نقطه نظر

سیاست گذاری آموزشی قانون و مقرراتی برای هدایت مدیریت مدارس خصوصی وجود نداشت و این مساله نشان می دهد که دولت به طور جدی به این مساله فکر نکرده بود که چگونه مدارس خصوصی را در سیستم آموزش ملی ادغام کند. بین سالهای ۱۹۶۱ تا ۱۹۶۸، مدارس خصوصی به خاطر نقایص مالی و کیفیت پایین مورد انتقاد قرار گرفتند. این مدارس نتوانستند کمبودهای سیستم آموزشی را جبران یا بخشی از خلا سیستم آموزش ملی را پر کنند. دولت جدید که به وسیله کودتای نظامی در سال ۱۹۶۱ روی کار آمد تلاش کرد سیستم سیاسی کشور را با برنامه های اصلاحات و توسعه ملی عظیمی بازسازی کند. بخشی از این تلاش ها، گسترش، کنترل و هدایت مدارس خصوصی بود. قانون مدارس خصوصی در سال ۱۹۶۳ تصویب شد. با این قانون خودمختاری مدارس خصوصی به وسیله این نظارت مهار شد. با توجه به دیدگاه دولت جدید مبنی بر ضرورت خصوصی سازی اما زیر نظر و کنترل دولت، این بخش در سیستم آموزشی توانست با امتیازاتی مانند معافیت مالیاتی و دریافت سوبسید هر روز بیشتر رشد کند و با کمک حمایت های مختلف مانند تعیین حقوق معلمان و کارکنان و استفاده از سیاست های حمایتی بخش خصوصی ... همگام با سیاست های دولت حرکت کند. از سال ۲۰۰۸ دولت در راستای خصوصی سازی آموزش دست به اقدامات دیگری زده است و با سرمایه گذاری بخش عمومی در بخش خصوصی، ثروت عمومی جامعه را در خدمت بخش خصوصی در آموزش مدارس قرار داده است. (۲)

### تشکل های معلمان

فدراسیون انجمنهای معلمان کره (The Korean Federation of Teachers' Associations) در سال ۱۹۴۷ تاسیس شده است. این فدراسیون مشابه دیگر نهادهای کارگری که پس از تقسیم جهان به دو بلوک شرق و غرب تاسیس شد، نه از درون محیط کار بلکه توسط بوروکرات های دولتی و مستشاران غربی ساخته



شد. در حال حاضر ۴۰ درصد معلمان کره عضو این فدراسیون هستند و ترکیبی از ۱۶ انجمن صنفی معلمان است که در ۱۷ استان فعال است و بیش از ۱۷۰,۰۰۰ معلم عضو آن هستند. این انجمن صنفی برای بهتر شدن رفاه معلمان فعالیت می کند و در راستای رشد کاری و علمی، دفاع از جایگاه و ارزش معلم، قرارداد دستجمعی (که سالی دوبار برای بستن آن با دولت مذاکره می شود)، همکاری - همبستگی بین معلمان، جابه جایی بین المللی معلمان (International Exchanges)، و انتشارات مجله و کتاب های درسی فعالیت می کند. این فدراسیون عضو "آموزش بین المللی" (EI) می باشد. از دستاوردهای این فدراسیون می توان در ۱۹۵۱ بازسازی سیستم آموزشی، در ۱۹۷۳ حقوق بازنشستگی برای معلمان و کارکنان مدارس خصوصی، در ۱۹۸۲ سیستم یکسان سازی حقوق برای معلمان، در ۱۹۹۵ تخصیص ۵ درصد درآمد ناخالص ملی برای آموزش و ۲۰۱۲ کاهش روزهای کاری به پنج روز آموزش در هفته را برشمرد. (۳)

کمیته های این فدراسیون عبارتند از: کمیته سیاست گذاری آموزشی، یادگیری آموزشی، مواد درسی، آموزش مسئولین آموزش و پرورش، تقویت همبستگی، عدالت اجتماعی، آموزش کودکان، زنان معلم و آموزش بهداشت. (۴) ریاست فدراسیون برای دوره سه ساله است، دو معاون که از دبیرستان و دوره کودکستان می آیند نیز انتخابی هستند و سه بازرس که به صورت دوره دو ساله و یک ساله حضور دارند که گردشی است و بازرس نمی تواند دو دوره بماند. حق عضویت اعضا ده دلار در ماه است. فدراسیون ۲۷ نهاد را در بر می گیرد. (۵)

رشد اعتراضات کارگری در دهه ۸۰ بر گسترش جنبش معلمان تاثیر به سزایی داشت و به شکل گیری اولین تشکل های مستقل منجر شد. اعتراضات کارگری از ۶۹ اعتراض در سال ۱۹۸۲ به ۷۰۵۶ اعتراض در سال ۱۹۸۹ رسید. جنبش دانشجویی کره نیز با بسیار جنبش کارگری در آمیخته است. از سال ۱۹۸۸ تا

۱۹۹۲ هر ماه به طور متوسط ۲۰۰ هزار اعتراض دانشجویی و کارگری رخ می داد. گاه پلیس تا دو هزار گاز اشک آور در ماه در میان تظاهرکنندگان پرتاب می کرد. (منبع قبلی) بیشترین اعتراضات کارگری کره مربوط به سال های ۸۷ و ۸۸ است که گاه تا دو میلیون عضو اتحادیه در این اعتراضات شرکت می کردند که به معنی ۷ میلیون روز کاری ضرر به سرمایه داری است. (۶) فدراسیون اتحادیه های کارگری کره (Federation of Korean Trade Unions) ، اولین تشکل سراسری مستقل ، در سال ۱۹۸۷ بوجود آمد. این فدراسیون که از دل اعتراضات دهه هشتاد شکل گرفته بود ( ما در مقاله تاریخ جنبش کارگری به تمامی جزئیات آن خواهیم پرداخت) در عرض شش ماه توانست ۱۵۰۰ تشکل مستقل بوجود آورد که اتحادیه معلمان یکی از آنان بود.

اولین تشکل صنفی مستقل معلمان با شعار "اصلاحات آموزشی با کمپین سالم سازی فضای آموزشی" در سال ۱۹۸۹ تشکیل شد. اتحادیه ملی معلمان (NTUC) ( hon'gyojo the National Teachers Union ) یا اتحادیه معلمان و کارگران آموزشی کره (Korean Teachers and Education Workers Union ) با ۷۷۰۰۰ عضو فعالیت اش را شروع کرد و هدف خود را بهبود آموزش و بهتر شدن شرایط معلمان تعیین کرد.

اوج اعتراضات دانشجویی و کارگری کره جنوبی در دهه ۸۰ میلادی در سال ۱۹۸۹ بود. معلمان نقش اصلی را در این اعتراضات بر عهده داشتند. سال ۱۹۸۹ بیش از بیست هزار معلم با شعار "همه علیه مرگ آموزش" به خیابانها آمدند. اعتراضات بی رحمانه سرکوب شد. ۱۴۰۰ نفر از معترضان بر اساس قانون به خطر انداختن امنیت ملی و جاسوسی برای بیگانگان دستگیر شدند. بیش از نیمی از آنها کارگر بودند. وزیر آموزش و پرورش، چانگ وان سیک (Chung Won Sik) که فرد دست راستی بود با اعلام اینکه این افراد از هواداران کمونیستها هستند ، دو راه در پیش روی معلمان و اعضای اتحادیه گذاشت: "یا عضویت تان

را لغو می کنید و یا اخراج می شوید!" در نتیجه ۱۵۰۰ معلم را اخراج کرد. ۶۰۰ معلم دست به اعتصاب غذای یازده روزه زدند، پلیس با حمله به اعتصابیون بیست نفر را دستگیر کرد. اما این سرکوب ها نه تنها سبب ترس معلمان نشد بلکه به تاسیس حزب جدیدی منجر شد و توانست معلمان را متحدتر کند. (۷)

گرچه وزارت آموزش و پرورش با کنترل شرایط آموزشی و پرورش، بخشی از خواسته های آنها یعنی افزایش دستمزد و بهبود شرایط کار را قبول کرد اما به اتحادیه ملی معلمان اجازه فعالیت سندیکایی نداد. زیرا وزارت آموزش و پرورش، معلمان را به عنوان مستخدمین بخش عمومی می داند که حق اعتصاب ندارند، دولت حق اعتصاب را به معنی به رسمیت شناختن اتحادیه می دانست و معتقد بود که معلمان به عنوان الگوی دانش آموزان نباید تحت تاثیر تبلیغات "چپ و کمونیستی" ای قرار بگیرند که بر اساس قوانین سیستم کره شمالی است و چپ ها آن را دنبال می کنند و آن را تحت عنوان "خیانت به کشور" محکوم می کرد. انتقادی که دولت به این تشکل وارد می کند این است که سیاست های کره شمالی را دنبال می کند و در عین حال به جو ضدامریکایی دامن می زند. دولت هیچگاه از دامن زدن به این جو که معلمان حامی دروس و روش درسی کره شمالی هستند کوتاهی نکرده است. در سال ۲۰۰۵ درصد بود که با ارائه اسناد نشان دهد که این معلمان در جلسات هفتگی خودشان از منابعی استفاده می کنند که شامل مباحث زیر بوده است:

مبارزه برای استقلال در زمان اشغال ژاپن، تاریخ مدرن کره بعد از استقلال، بررسی ایدئولوژیک درگیری هسته ای مابین کره شمالی و ایالات متحده، و... این اتهامات از این زاویه به معلمان زده می شود که آنان خواستار متحد شدن دو کره هستند. (۸)

براساس گزارشات سال ۱۹۸۹ حدود ۸۲ درصد معلمان کره پیوستن به اتحادیه را تایید کردند و دولت این عمل را بحران آموزشی نام نهاد و در نوامبر ۱۹۸۹ بیش از ۱۵۰۰ معلم اخراج شدند. این اخراج‌ها به نا آرامی های زیادی منجر شد و طبق گزارشات پلیس در مناطق مختلف اعتراضاتی رخ داد و دانش آموزان از رفتن به کلاس خودداری کردند. از سال ۱۹۹۹ دولت کره جنوبی بارها با تصویب قوانین جدید معلمان را از پیوستن به این تشکل صنفی بازداشته است. در ۲۴ اکتبر ۲۰۱۳، وزیر کار این کشور، مجوز اتحادیه معلمان و کارگران آموزشی کره را باطل و دادخواستی علیه این اتحادیه در دادگاه تنظیم کرد. بنابراین، این اتحادیه در حال حاضر غیر قانونی است و نمی تواند در چانه زنی ها و مذاکرات نماینده باشد. بر طبق قانون کار کره که نهادهای بین المللی ایرادهای بسیاری به آن وارد می دانند، عضویت اخراجی ها یا بازنشستگان در اتحادیه های صنفی غیرقانونی است KTEU . تنها به دلیل جلوگیری نکردن از ادامه عضویت اخراجی ها، لغو مجوز شد. مشکل اصلی در واقع، ۹ معلم اخراجی بودند که به زعم اتحادیه و فعالان، غیرقانونی و ناجوانمردانه اخراج شده بودند. (۹)

فشار دولت و تصویب قوانین ضد کارگری علیه اتحادیه های کارگری و معلمان در سال ۲۰۰۸، یک ریزش ده هزار نفری را بر اتحادیه معلمان تحمیل کرد. البته بخشی از این ریزش جدا از فشارهای حکومتی و مدیران دولتی، به گرایشات راست موجود در جنبش معلمان بر می گردد که خود را فرای اتحادیه و تشکل اتحادیه ای را محصول کشورهای سوسیالیستی می دانند. آنان معتقدند که معلمان کارگر نیستند. درگیری های درون خود اتحادیه های کارگری نیز در این میان بی تاثیر نبود. در مقابل شوراهای محلی معلمان سیاست هایی را برای مقابله با این ریزش انتخاب کردند. به طور مثال در ایالت ژئولا شمالی (North Jeolla Province) بازسازی حمایت دانش آموزان و والدین را در دستور کار

قرار دادند و در عین حال با اقداماتی نظیر اعتراضات خیابانی ، اعتصابات و... رزمندگی تشکلشان را بیشتر نمودند. (۱۰)

### تشکل‌های مستقل زنان کارکنان آموزش و پرورش

فرهنگ سنتی کره جنوبی فعالیت زنان را بیشتر به خانه داری محدود می کرد ولی بعد از دهه ۱۹۶۰ این رویکرد تغییر کرده است. در دهه هفتاد ۵۰ درصد نیروی کار موسسات اقتصادی را زنان تشکیل می داد اما موسسات اداری سعی می کردند تا زنان مجرد را استخدام کنند و برای همین مهاجرین کارگر بخش بزرگی از نیروی کار را در کره جنوبی تشکیل می دهند . اما باوجود این شرایط در دو دهه گذشته تغییر رویکردی برای کار زنان بوجود آمده است. فرهنگ سنتی کره جنوبی مخالف شرکت زنان در تظاهرات و اعتراضات کارگری است اما تفاوت دستمزد زنان با مردان و جدا سازی محیط کار زنان و مردان ، زنان را در دهه ۱۹۹۰ جذب مبارزات کارگری کرد. در این زمان زنان ۵۴ درصد حقوق مردان را دریافت می کردند. از لحاظ جدا سازی نیز زنان مجبور بودند در رشته های غیرفنی هم مانند خط تولید و مونتاژ فعال شوند. (۱۱)

به دنبال بحران اقتصادی ۱۹۹۷ آسیا و از بین رفتن بسیاری از مشاغل ، بیشترین ضربه به زنان شاغل خورده شد، زنان کارگر، اتحادیه صنفی زنان کره (Korean Women's Trade Union) را در سال ۱۹۹۹ تشکیل دادند. این اتحادیه فعالیتش را در رابطه با زنانی گذاشت که بر اثر اخراجها پراکنده شده بودند و در بخشهای متفاوت اقتصادی از تولید پوشاک تا تکنولوژی مشغول به کار بودند. رشد این اتحادیه همراه با متشکل کردن زنان در بخش های غیر رسمی و مشاغل موقت (منظور از غیر رسمی یعنی بدون بیمه و مزایا است و موقت هم یعنی قرارداد دائم ندارد ) بود، از جمله، زنان شاغل در مدارس ، کارکنان آزمایشگاه، کتابخانه، آشپزخانه و معلمان پیش دبستانی. در جریان گسترش فعالیت و

مبارزات معلمان، کارکنان زن آموزش و پرورش کره جنوبی نیز تشکل‌های مستقل خود را تشکیل دادند.

برای مقابله با فرهنگ مردسالاری در کره جنوبی زنان اقدام به تاسیس فدراسیون خود نمودند. این فدراسیون از سال ۱۹۹۹ با ۳۸۰ پرسنل زن شروع کردند و در سال ۲۰۰۴ بیش از ۵۰۰۰ عضو داشتند. ( ما در مقاله کره به جزئیات بیشتر این تشکل می پردازیم) یکی از مهم ترین دستاوردهای مبارزات فدراسیون اتحادیه های کارگری کره ، حداقل دستمزد از ۳۶۰ دلار امریکا در ماه در سال ۲۰۰۱ به ۶۳۰ دلار در ماه در سال ۲۰۰۴ بود. یکی از ویژگی های اتحادیه صنفی زنان کره در این است که جمع های کوچک صنفی درست می کنند و همکاران صنفی یک محیط کار جلسات آشنایی و تبادل تجربیات می گذارند و از طریق این جلسات خود را آموزش می دهند. (۱۲) اکثر شکایات این اتحادیه صنفی زنان به ادارات کار به نفع زنان تمام می شود و مدیریت مجبور می شود انعطاف به خرج دهد. و این مساله سبب ترغیب زنان کارگر و معلم به عضویت در این اتحادیه می شود. پلیس به دفعات متعدد به دفتر این اتحادیه حمله برده است . (۱۳)

### مطالبات جنبش معلمان در کره جنوبی

مخالفت با تغییر محتوای کتب آموزشی

همگام با تغییر و تحولات در سیستم آموزشی کره معلمان و کارکنان بخش دولتی و خصوصی برای دفاع از حقوق بنیادین خود اقدام به فعالیت و مبارزه نمودند. آنها همچنین از افزایش هزینه های تحصیلات خصوصی و ماهیت ضددموکراتیک دولت انتقاد می کنند. محتوای کتب درسی یکی دیگر از مطالباتی است که معلمان برای آن دست به اعتراض می زنند.

سال ۲۰۱۲ معلمان کره جنوبی به خیابان ها ریختند تا به طرح دولت برای تدوین کتاب واحد برای درس تاریخ اعتراض کنند. معلمان معترض با تهدید پیگرد قانونی روبرو شدند. هشتاد و چهار کارمند اتحادیه معلمان کره جنوبی توسط پلیس، برای بازجویی در خصوص برگزاری تظاهرات ضد دولتی، احضار شدند. یکی از این معلمان می گوید: «مخالفت با کتاب درسی جدید، بدون انتقاد از دولت امکان پذیر نیست. رژیم کنونی برای پیشبرد منافع خود این طرح را اجرا کرده است تا برای همیشه در قدرت بماند». دولت کره جنوبی معتقد است کتاب های تاریخی کنونی به سیاست های چپ گرایش دارند؛ در خصوص ایدئولوژی کره شمالی و مسئولیت این کشور را در آغاز جنگ کره انکار می کنند. (۱۴)

#### تست های استاندارد

همانند معلمان مکزیکی، مبارزه با انجام تست های استاندارد یکی دیگر از محورهای مبارزات معلمان کره جنوبی است. سیستم اطلاعات ملی آموزش و پرورش کره جنوبی که به (NEIS) معروف است، در سال ۲۰۰۳ سوابق همه دانش آموزان و معلمان در کشور را ثبت کرد. در سال ۲۰۰۸، آن را به وسیله تست های استاندارد بیشتر اصلاح کردند. بر مبنای نتایج این تستها، نمرات هر دانش آموز درجه بندی می شود و به این ترتیب جایگاه دانش آموزان را در هر سطح از کلاس از پیش تعیین می کند.

اگر مدارس به خوبی از عهده ی این تستها برآیند کمک مالی بیشتری دریافت می کنند، در غیر این صورت جریمه می شوند. این شیوه، فشار غیر قابل تحملی را هم بر معلمان و هم بر دانش آموزان وارد می کند. این تستها یکی از عوامل رتبه بندی معلمان نیز محسوب می شود. تعداد زیادی از دانش آموزان به دلیل فشار ناشی از برگزاری این تستها و جو رقابت منفی و شدید برای ورود به کالج اقدام به خودکشی کرده اند. یکی از معلمان در یک مقاله طولانی و روشنگرانه

در مورد این سیستم ، تست های استاندارد را با اسطوره های باستانی مقایسه کرد:

" پروکروستس قاتل زنجیره ای از یونان باستان بود که مسافران را با یک تخت آهنی واحد برای همه می سنجید. اگر پاهای مسافری بیش از حد بلند بود آنها را قطعه قطعه می کرد ، بدن شخصی را که بیش از حد کوتاه بود، با پتک خرد می کرد... سیستم اطلاعات ملی آموزش و پرورش ( National Education Information System (NEIS) ) " پروکروستس " دیجیتالی است. این سیستم دانش آموزان (شهروندان آینده جهان) را به ربات های آینده تنزل می دهد. این تنزل مریبان ، معلمان آزادیخواه به " بردگان یونانی " است که با کودکان به مدرسه می رفتند."

رهبران یکی از بخش های KTU در باره این تست ها چنین می گویند:

" این تست ها با هدف استاندارد کردن مدارس و دانش آموزان در سیستم رتبه بندی است و اثرات منفی روی انگیزه درونی دانش آموزان برای یادگیری و پیشرفت دارد و تاکید و تشویق بیش از حد رقابت برای ورود به دانشگاه و شوق تدریس خصوصی فوق برنامه است " .

در سیستم قبلی به معلمان اجازه داده شده بود که از قضاوت حرفه ای خود برای اینکه آیا آزمون اجرا شود و کی اجرا شود استفاده کنند. از سال ۲۰۰۸ اتحادیه آموزگاران کره جنوبی کمپین مقاومتی در مقابل این تست ها ایجاد کرد، معلمان از انجام این تست ها امتناع کردند. معلمان بسیاری به این خاطر اخراج شدند ، دبیر کل اتحادیه معلمان نیز در اعتراض به این اخراج ها اعتصاب غذا کرد. به دنبال آن اتحادیه معلمان کره جنوبی تظاهرات و اعتراضات خیابانی را همراه با دانش آموزان و خانواده هایشان در ۱۸ و ۱۹ اکتبر ۲۰۱۳ سازماندهی کردند. در روزهای اعلام شده هزاران معلم معترض علیه سیاست های لیبرالی دولت به خیابان ها



ریختند. و در باره ماهیت این تست‌ها روشنگری نموده و به دانش آموزان این آگاهی را دادند که ساختار قدرت در دنیایی که زندگی می‌کنند چگونه است.

۲۷ اکتبر ۲۰۱۳ رهبر اتحادیه مستقل معلمان کره جنوبی دستگیر شد. همزمان با این دستگیری کارگران راه آهن علیه خصوصی سازی در سئول اعتصاب و تظاهرات کردند و بیش از ۱۳۰ نفر از کارگران دستگیر شدند. این اعتراضات توسط فدراسیون اتحادیه های کارگری سازماندهی شده بود که اتحادیه معلمان و کارگران آموزشی کره نیز عضو این فدراسیون می باشد. در این روز اتحادیه های کارگری و معلمان برای یک اعتصاب سراسری در ۲۸ دسامبر برنامه ریزی کردند. در این اعتصاب تعدادی از معلمان و کارگران اتحادیه دستگیر و به زندان محکوم و عده ای نیز اخراج شدند. از این تاریخ اعتصابات و اعتراضات متعددی علیه خصوصی سازی بهداشت و آموزش توسط فدراسیون اتحادیه های کارگری برگزار شده است تا جایی که دولت به دنبال تصویب قوانین برای انحلال فدراسیون اتحادیه های کارگری است و سرانجام در سال توانسته دادگاه عالی را وادار به غیرقانونی کردن اتحادیه مستقل معلمان کره جنوبی نماید. در مقابل اعتراضات کارگری و معلمان نیز هم چنان ادامه یافته است.

#### مطالبات صنفی

مطالبات صنفی مانند کاهش ساعات کار، افزایش حقوق و دستمزد و... از دیگر خواسته های معلمان است. کاهش بودجه بازنشستگی معلمان یکی دیگر از مسایلی است که اعضای هیات مدیره اتحادیه معلمان و کارکنان آموزشی کره (KTU) اعتصابی را در این رابطه در ۲۴ آوریل ۲۰۰۸ برنامه ریزی کردند. این اتحادیه دفاع از حقوق بازنشستگان را از جمله فعالیت های خود می داند.

## مطالبات سیاسی

مبارزات معلمان کره جنوبی تنها به مسایل آموزشی و دفاع از حقوق صنفی معلمان شاغل و بازنشسته محدود نمی شود. در نوامبر ۲۰۰۹، در پی تظاهرات کره ای ها علیه دخالت کره جنوبی در جنگ عراق، ۷۴ نفر از اعضای اتحادیه معلمان واتحادیه کارگران آموزش و پرورش کره برای شرکت در فعالیت های ضد دولتی مجازات شدند. ۱۸ نفر از این معلمان اخراج و بقیه نیز از خدمت تعلیق شدند. دلیل این احکام نقض قوانین کره اعلام شد که معلمان را از اقدام جمعی و یا شرکت در اعتراضات سیاسی منع کرده است. اخراج معلمان فعال یکی از راه های مقابله دولت با این اعتراضات است درحالی که در گذشته فقط حقوق معلمان به علت شرکت در اعتراضات قطع می شد.

رهبران یکی از بخش های محلی KTEU می گویند ۱۳۴ نفر از معلمان کره جنوبی به دلیل فعالیت های سیاسی اخراج شدند. بسیاری از معلمان کره ای عضو (KTEU) اتحادیه کارگران آموزش و پرورش (Korean Teachers and Education Workers Union) به جرم عضویت در (DLP) حزب دموکراتیک کارگر اخراج می شوند؛ اتهامی که بسیاری از آنها آن را انکار می کنند.

یک مقام دولتی گفت: "نقض قانون ممنوعیت فعالیت سیاسی، مانند عضویت در حزب و پرداخت حق عضویت حزب، منجر به از دست دادن رتبه شغلی می شود. (در واقع این معلمان به نوعی ستاره دار می شوند) رهبران KTEU می گویند که از زمان دولت قبل و از سال ۲۰۰۸، وضعیت بسیار بدتر شده است. دولت ها با ایجاد یک فضای ارعاب و تهدید سعی در بایکوت معلمان مبارز از سوی همکارانشان دارند. اما معلمان همچنان علیه سیاستهای دولت و بیانیه های اضطراری آن فعالیت می کنند.

دولت کره راه های ابتکاری! هم برای مقابله با معلمان معترض دارد. طرح هایی که هزینه های بسیار هم دارد. یکی از این طرح های ابتکاری استفاده از ربات ها به جای معلم است. رباتی به نام Engkey توسط طراحان انستیتو علوم و تکنولوژی کره جنوبی طراحی شده است تا در نقش معلم زبان انگلیسی در دوره ابتدایی کار کند. هم اکنون ۲۹ ربات معلم در ۲۱ مدرسه مختلف کار تدریس به دانش آموزان را بر عهده دارند. قد آنها حدود یک متر است. سر از یک نمایشگر تشکیل شده که تصویر یک معلم مجازی را نمایش می دهد. این ربات می تواند به کمک چرخ هایی که در زیر آن تعبیه شده به راحتی در اطراف کلاس حرکت کرده و با دانش آموزان صحبت کند. در کنار مکالمه و آموزش زبان انگلیسی می تواند شعرهای آموزش الفبای زبان انگلیسی را برای دانش آموزان بخواند و متناسب با موسیقی، بازو ها و سر خود را تکان دهد. طراحی آن هم به گونه ای است که برای دانش آموزان ابتدایی جذاب باشد. در واقع این ربات به صورت بی سیم از راه دور کنترل می شود. هر ربات را یک معلم زبان انگلیسی در کشور فیلیپین کنترل می کند.

یکی از دلایلی که دولت عنوان کرده برای ساخت این ربات ها این بوده که بتوان به معلم های خوب زبان انگلیسی که دستمزد بالایی هم ندارند از راه دور دسترسی داشت. کره جنوبی از نظر زیر ساخت های اینترنت یکی از بهترین کشورها در جهان است و حالا این توانایی را دارد که از معلم هایی در کشورهای دیگر برای آموزش استفاده کند. حتی سنسورهایی در محل تدریس معلم های واقعی در فیلیپین تعبیه شده که حرکات صورت آنها را به معلم مجازی در نمایشگر ربات منتقل می کند. به این صورت دانش آموزان کره ای هم معلم خوب دارند و هم از نظر هزینه، کار مقرون به صرفه تر می شود. پیاده سازی این برنامه آموزشی حدود ۱,۴ میلیون دلار برای دولت کره هزینه در برداشته. اما به نظر می رسد که دولت کره هم از به کارگیری این ربات راضی بوده و معتقد است با

این جایگزینی بسیاری از مشکلات جانبی هم حل می شود به خصوص می توان از این ربات ها برای آموزش در روستاها و نقاط دور افتاده استفاده کرد که امکان رفتن معلم ها به آنجا وجود ندارد.

احتمالاً "مشکلات جانبی" برای دولت عبارت است از وجود معلمان متشکل و آگاه و معترض؟!

کره جنوبی یکی از متحدان اصلی غرب است و بانک جهانی این کشور را تحت این عنوان می ستاید که یکی از بهترین کشورها برای تجارت آسان است. سادگی امر تجارت به مفهوم تامین سود کلان برای شرکت ها و نهادهای مالی بین المللی و داخلی است که به خاطر تداوم این سود حقوق دموکراتیک شهروندان و معلمان آن مورد حمله قرار می گیرد. ثروت عمومی جامعه در خدمت این سرمایه گذاران قرار می گیرد و کارگران، معلمان و زحمتکشانشان این کشور باید بهای این غارت ثروتشان را بپردازند. اما مردم کره جنوبی، کارگران، معلمان آگاه و مبارز تن به این سرنوشت نداده و نخواهند داد و در این راه از حمایت معلمان، کارگران و تشکلهای مستقل آنان در سراسر دنیا برخوردار بوده و خواهند بود. همبستگی بین المللی و تشکل های سراسری می تواند در این راستا راهگشا باشد.

### منابع و زیر نویس ها:

\* به بخش هایی از متن مصاحبه سایت روش تدریس با پروفیسور پارک توجه کنید:

من جین هوان پارک هستم از کشور کره جنوبی من استاد دانشگاه سانگ کیون کوآن Sung Kyun Kwan کره جنوبی هستم و تخصص من فلسفه آموزش و پرورش و آموزش کودکان است...- آموزش ابتدایی در کره اجباری است و به میزان ۹۹ درصد رایگان است.

- لطفاً از جایگاه اجتماعی معلمان در کشور کره جنوبی بگویید.

اول از همه بگویم که حقوق معلمان کره ای بهترین دستمزدها در کشور ماست؛ و از این لحاظ ما دومین کشور جهان هستیم. این یک حقوق بسیار بالا است؛ و از لحاظ جایگاه اجتماعی معلمی

یک شغل بسیار سطح بالاست. چون شغل معلمی در سنت مردم جایگاه بسیار مثبت و بالایی دارد. دانش آموزان بسیار به معلمان احترام می‌گذارند و این از سنت‌های کره‌ای است... مدارس توسط دولت‌های محلی اداره می‌شود اما بودجه آنها به طور یکسان از وزارتخانه تعیین و ابلاغ می‌شود. سطح زندگی مردم به طور کلی بالاست و حقوق معلمان در بدو استخدام معادل ۲۵۰۰ دلار امریکا است .

- معلمان در کشور کره با چه فرایندی انتخاب می‌شوند؟ آیا هرکسی می‌تواند معلم بشود؟

چون جایگاه اجتماعی و حقوق معلمان خیلی بالاست. شغل معلمی آرزو و شغل موردعلاقه بسیاری از دانش آموزان کره‌ای است. معلم شدن بسیار سخت است. شبیه به قاضی شدن حتی خیلی سخت‌تر از آن. چهار سال دوره تربیت‌معلم آنها باید تمام آزمون‌های محدودکننده را با موفقیت بگذرانند؛ و این خیلی سخت است. معمولاً سه سال طول می‌کشد تا آنها برای این امتحانات آماده شوند.

\*\* در سال ۱۳۹۲ میلادی سرزمینی به نام چوسان تاسیس شد. اولین فرمانروایان چوسان برای مقابله با نفوذ آیین بودایی در دوران گوریا از آیین کنفوسیوس به عنوان فلسفه هدایت خویش حمایت می‌کردند. هم زمان با شکست چین در جنگ با ژاپن در سال‌های ۱۸۹۴-۱۸۹۵، زمینه‌های مؤثر در برنامه ریزی و پاک سازی زبانی و نفوذ چینی در فرهنگ و زبان کره ای رو به زوال گذاشت. تا آن زمان، هنگول، که به دلیل ادامه و افزایش نفوذ چینی ابزار نوشتاری ناتوانی بیش نبود، در نوشتن کره ای کاربرد چندانی نداشت و ادبیات کره ای و کتب و اسناد، اعم از دولتی و شخصی، بیشتر به چینی نوشته می‌شد. پس از شکست چین، مردم کره به الفبای هنگول و منابع بومی خود روی آوردند و به استقلال ادبی دست یافتند. در دوران اشغال کره توسط ژاپن از سال ۱۸۹۵ تا ۱۹۴۵ زبان کره ای در این کشور ممنوع شده بود و در حال حاضر زبان هانگوک یا همان زبان کره ای زبان رسمی دو کشور کره شمالی و کره جنوبی است. گرچه با هم تفاوت‌هایی دارند چون زبان کره جنوبی با تسلط آمریکا بر این کشور و ورود زبان آمریکایی در زبان کره ای ؛زبان این دو کره را از هم متمایز ساخته است.

<http://persianacademy.ir/UserFiles/File/NF/10/NF-10-05.pdf>

-۱

[https://en.wikipedia.org/wiki/Category:Private\\_schools\\_in\\_South\\_Korea](https://en.wikipedia.org/wiki/Category:Private_schools_in_South_Korea)

-۲

<http://www.eera-ecer.de/ecer-programmes/conference/21/contribution/38964>

-۳ <http://eng.kfta.or.kr/>

-۴ <http://english.kfta.or.kr/structure.asp>

-۵ [http://english.kfta.or.kr/structure\\_s.asp](http://english.kfta.or.kr/structure_s.asp)

-۶ <http://faculty.fordham.edu/aleman/KoreanStudies.pdf>

-۷ Korea Briefing: Toward Reunification By David R. McCann 79  
<https://books.google.ca>

رجوع شود به دیدبان حقوق بشر و انتقادش به دولت امریک چون اعتراضات کارگری در سال ۱۹۹۰ بیش از صد هزار نفر در مقابل ساختمان اطلاعات امریکا در سئول تظاهرات کردند)

[https://www.hrw.org/reports/1990/WR90/ASIA.BOU-10.htm#P655\\_145967](https://www.hrw.org/reports/1990/WR90/ASIA.BOU-10.htm#P655_145967)

-۸ <http://english.donga.com/List/3/all/26/248669/1>

۹ - شارون بارو، دبیرکل ITUC ، درمورد این اقدام کره جنوبی گفت: این یک تصمیم نابجا و برآمده از یک سیستم مدیریتی غلط است که حق طبیعی افراد برای عضویت در اتحادیه ها را زیر پا می گذارد. این، یک تخلف واضح از قطعنامه های سازمان جهانی کار مبنی بر بلامانع بودن عضویت همه افراد متخصص یک رده شغلی شامل اخراجی ها و بازنشستگان در بدنه اتحادیه های صنفی است و این اصلا جای تعجب ندارد که کره در پایین ترین رده های جدول شاخص جهانی رعایت حقوق کارگران و اصناف قرار دارد.

منبع: وبسایت رسمی کنفدراسیون جهانی اتحادیه های صنفی (ITUC)

<http://biel.info>

۱۰ [http://www.koreatimes.co.kr/www/news/nation/2008/02/113\\_19811.html](http://www.koreatimes.co.kr/www/news/nation/2008/02/113_19811.html)

-۱۱

<http://scholarlycommons.law.northwestern.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1683&context=njilb>

-۱۲ Building Feminist Movements and Organizations: Global Perspectives / edited by Lydia Alpízar Durán, Noël D. Payne

<https://books.google.ca/>

-۱۳ [http://www.ituc-csi.org/IMG/pdf/korea\\_tpr\\_final.pdf](http://www.ituc-csi.org/IMG/pdf/korea_tpr_final.pdf)

-۱۴ <http://www.farhangiannews.ir/view-27953.html>



## سازماندهی و پیکار علیه استثمار و تبعیض

### تجربه زنان کارگر کره جنوبی

هاله صفرزاده

مبارزه زنان برای دستیابی به حقوق اولیه و انسانی چنان با زندگی روزمره آنان در هم آمیخته است که به سختی می‌توان مرزی میان مبارزه و زندگی آنان مشخص کرد. در سراسر دنیا، زنان مجبورند از یک سو با استثمار شدید در محیط کار مقابله کنند و از سوی دیگر باید در جامعه و خانواده تحت عنوان زن با محدودیت‌های بی شماری که با آن روبرو هستند، مقابله کنند و در ابعاد مختلف به مبارزه بپردازند و حتا در عرصه مبارزاتی نیز مجبورند کلیشه‌های مردسالارانه را در هم بشکنند و توانایی‌های خود را به اثبات برسانند. در این مسیر زنان سر ایستادن ندارند و به رغم تمام دشواری‌ها لحظه‌ای از تلاش دست برنداشته و نخواهند داشت. تجربیات زنان در نقاط مختلف جهان گواه این مدعاست. در این مختصر مروری خواهیم داشت به تلاش‌های زنان کارگر در کره جنوبی. زنانی که تلاش‌شان در چهار دهه اخیر دست‌آوردهای بسیاری برای آنان به ارمغان آورده است. تغییرات سریع و پیچیده تکنولوژی در جامعه کره و در ادامه آن، موفقیت جنبش کارگری کره در این دوره را باید مدیون فعالیت زنان کارگری دانست که در همه جبهه‌ها در حال نبرد هستند.

کره جنوبی به عنوان الگویی برای توسعه معرفی می‌شود: "غول اقتصادی آسیای جنوب شرقی"، کشوری عقب‌مانده که تحت نظام سرمایه‌داری با جهشی بزرگ پیشرفت‌های زیادی داشته و به قطب صنعتی تبدیل شده است. بسیاری از کالاهای الکترونیکی و لوازم خانگی و اتومبیل، ساخت کشور کره است. چنین رشد سریع



صنعتی شتابانی که سود سرشاری را نصیب سرمایه‌های خارجی کرده است، بدون نیروی کار ارزان و استثمار شدید امکان‌پذیر نیست. زنان به عنوان نیمی از جامعه کره بخش بزرگی از این نیروی کار ارزان را در اختیار سرمایه‌داران قرار می‌دهند. زنانی که تا آن زمان از کمترین حق و حقوق برخوردار بودند.

شدت استثمار و بی حقوقی همواره اعتراضات شدیدی را به دنبال دارد. پس لازم بود در کنار تغییرات صنعتی و اقتصادی، اصول "دموکراسی و فضای باز دموکراتیک سرمایه‌داری" در کشور حاکم شود. تغییرات و رفرم‌های بسیاری از طرف حکومت کره جنوبی ایجاد شد و به لحاظ قانونی، زنان کره جنوبی در برخی عرصه‌ها به برابری های جنسیتی دست یافتند.<sup>۱</sup> اما به رغم این تغییرات، رویای جامعه‌ی صنعتی دموکراتیک برای زنان چیزی جز فشار و استثمار مضاعف را به ارمغان نیاورد. در این میان زنان کارگر کره از شرایط پیش آمده به خوبی استفاده کرده و تشکل‌های خود را بوجود آوردند. تلاش‌ها، مقاومت‌ها و مبارزات زنان کره جنوبی برای دستیابی به حقوق واقعی‌شان نشان می‌دهد که تغییر بنیادین شرایط زنان نیاز به مبارزات بی وقفه دارد.

جنبش زنان کارگر کره، سرمایه و فرهنگ مردسالارانه را به چالش کشیده و توانسته است فرهنگ مبارزاتی جامعه کره جنوبی را تغییر دهد. زنانی که تا دو دهه پیش بخشی از مایملک مردان به حساب می‌آمدند امروز خودشان توانسته‌اند به رهبران مبارزات کارگری تبدیل شوند و در مبارزات معلمان کره و دیگر بخش‌ها تاثیر به سزایی داشته باشند. حتی نهادهای مستقل زنان کارگر در آسیا که خارج از محیط آکادمیک و دانشگاهی، به امر سازمان‌دهی واقعی جنبش زنان مشغولند، از تجربه مبارزات زنان کره استفاده می‌کنند، مانند "شبکه زنان کارگر آسیا" که از این مبارزات بسیار آموخته است و آن را به کار می‌برد. در این مجموعه نگاهی خواهیم داشت به روند این تغییرات در زندگی زنان کره جنوبی و مبارزات آنان را به خصوص

در جنبش کارگری و تا آنجایی که اسناد اجازه می‌دهد، مورد موشکافی و بررسی بیشتر قرار می‌دهیم.

\*\*\*

کره یکی از عقب‌مانده‌ترین کشورهای آسیا بدون منابع طبیعی و انرژی است که در سال‌های خاتمه جنگ جهانی دوم و ظرف کمتر از یک ساعت مذاکره بین شوروی و امریکا به دو قسمت شمالی و جنوبی تقسیم شد و پس از جنگ کره (۱۹۵۰ تا ۵۳) این تقسیم‌بندی باقی ماند. هنوز هم کره جنوبی مهم‌ترین پایگاه نظامی امریکا در منطقه خاورمیانه است.

بعد از جنگ، سرمایه‌گذاری امریکا و سایر کشورهای سرمایه‌داری در کره جنوبی آغاز شد. کمک‌هایی تحت نام سازمان ملل (یعنی امریکا) از سال ۱۹۵۳ به کره آغاز شد که گاه تا یک سوم بودجه خود کشور کره بوده است. این کمک‌ها تا سال ۱۹۹۸ ادامه داشت. ۳ شرکت‌های بزرگ صنعتی یکی پس از دیگری تاسیس می‌شدند. غول‌های بزرگی نظیر سامسونگ، ال‌جی، هیوندا و ... شروع به کار کردند. تولید انواع کالاها به منظور صادرات به شدت گسترش می‌یافت. کارخانجات کره برای تولید بیشتر نیاز به کارگر داشتند و زنان به بازار کار روانه شدند. هر چند شرکت‌ها بیشتر زنان مجرد را به استخدام در آوردند. برای سال‌های طولانی مطابق با سنن کنفوسیوسی خانه نشینی زنان در کره جنوبی امری طبیعی و عادی به شمار می‌رفت. ضرب‌المثل "مردها محترمند و زن‌ها مورد تمسخر" نوع نگاه به زنان را به خوبی نشان می‌دهد. این سنت که وظیفه زن خدمت به مرد، به دنیا آوردن و تربیت کودک است، آن چنان ریشه‌دار بود که اشتغال زنان امری موقت محسوب شده و زنان مجرد شاغل به محض ازدواج به طور اتوماتیک از کار اخراج می‌شدند. ۴

از سال ۱۹۴۸ تا سال ۱۹۸۷ دیکتاتوری‌های نظامی بر کشور حاکم بود. از این سال مبارزات دانشجویی و مردمی در کشور اوج گرفت. در سال ۱۹۸۷ به واسطه تداوم این مبارزات، مردم توانستند با برگزاری انتخابات بخشی از خواسته‌هایشان را به حاکمان تحمیل و نظامیان را مجبور به کناره‌گیری نمایند و فضای دموکراتیک نسبی در کشور حاکم شد.

در این راستا نیاز به قوانین حس می‌شد. پس از سرنگونی رژیم پدرسالار شاهنشاهی و تاسیس حکومت جمهوری در سال ۱۹۴۸، در قانون اساسی کره برابری مردان و زنان در زمین اشتغال و آموزش به رسمیت شناخته شد، اما فرهنگ پدرسالاری همچنان در همه ارکان جامعه حاکم بود و شرایط زنان تغییر چندانی نکرد. قوانین خانواده بر اساس آموزش‌های مردسالارانه سنت کنفوسیوس در تمامی عرصه‌های زندگی خصوصی دست مردان را برای هر نوع خشونت و اذیت و آزار باز گذاشته بود. از جمله قوانین مربوط به ازدواج، طلاق، حق حضانت فرزندان و ارثیه.<sup>۵</sup> مطابق با قانون اساسی کره (۱۹۵۴) قانونی که به قانون هوجو (HOJU Law) معروف است مردان سرپرست خانه محسوب می‌شدند و بعد از مرگ پدر، پسر بزرگ سرپرستی خانواده را به عهده می‌گرفت. دختر خانواده با ازدواج نام فامیل‌اش حذف شده و به نام شوهر خود خوانده می‌شد. مبارزات زنان برای به رسمیت شناختن حقوق شهروندی‌شان در دهه ۶۰ میلادی آغاز شد و تحت تاثیر این مبارزات در سال ۱۹۸۳ قانون بوجو لغو شد.<sup>۶</sup>

دهه هفتاد میلادی، قشر بزرگی از زنان در کارخانه‌ها شروع به کار کردند. بسیاری از این زنان برای اولین بار بود که خارج از خانه کار می‌کردند. این زنان هم‌زمان برای به رسمیت شناختن حقوق‌شان، باید هم با جامعه سنتی در خانه و هم با همکاران مرد و مدیریت مردانه در محیط کار مبارزه می‌کردند. آن‌ها با مردانی طرف بودند که زن را تنها در مجموعه "خانواده" به رسمیت می‌شناختند. زنانی که جامعه استبدادی

- مردسالارانه دوران جنگ سرد، آنان را به عنوان مادر و سرباز می‌شناخت. این نیروهای کار جدید با دستمزدهای کم به کار گرفته می‌شدند، از حمایت‌های قانونی بی‌بهره بودند، میزان بیکاری در میان آنان بیشتر از مردان بود. حقوق زنان تا سال ۸۰ نصف حقوق مردان بود. هنوز هم فقط ۴۵ درصد زنان در کره کار می‌کنند، در صورتی که ۷۰ درصد مردان در محیط کار حضور دارند.<sup>۷</sup> برای کاهش تبعات این استثمار شدید، ضروری بود که رفرم‌هایی انجام شود. برخی از اصلاحات قانونی و رفرم‌های حکومتی در زمینه مسایل زنان عبارتند از:

- ✓ ۲۵ مرکز همیاری زنان تاسیس شد.
- ✓ در سال ۸۰ قانون دستمزد تغییر کرد.
- ✓ در سال ۱۹۹۷ زنان توانستند در انتخابات سیاسی شرکت کنند.
- ✓ در سال ۱۹۹۹ قانون جلوگیری از تبعیض جنسی در محیط کار تصویب شد. اما هنوز هم کره از لحاظ برابری زن و مرد در ردیف ۶۱ جهان قرار دارد. تا سال ۲۰۰۰ تنها ۵.۹ درصد زنان در پارلمان حضور داشتند.<sup>۸</sup>
- ✓ در دوران اخیر زنان حق گرفتن بخشی از حقوق بازنشستگی همسران خود را پیدا کرده‌اند آن هم مشروط به این است که پنج سال از ازدواج آن‌ها گذشته باشد. زنان می‌توانند تقاضای بیمه کنند و برای حق زایمان در بیمارستان کارت بگیرند. در محیط‌های کار، کودکان دایر و پرداخت حقوق نگه داری از کودکان به رسمیت شناخته شده است.
- ✓ دولت کنوانسیون مربوط به پرداخت دستمزد دوران زایمان سازمان جهانی کار را امضا کرده است.<sup>۹</sup>

✓ در حال حاضر دولت کره جنوبی در حال تدوین پیش‌نویس قانونی برای اولویت دادن به زنان کارآفرین در برنامه‌های حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط است. براساس این قانون، برنامه‌های مختلفی شامل حمایت‌های مالی و غیرمالی برای تشویق زنان کارآفرین جهت تاسیس بنگاه‌های کوچک و متوسط پیش‌بینی شده است.<sup>۱۰</sup>

به‌رغم این اصلاحات در گزارش شکاف جهانی جنسیتی سال ۲۰۱۳ که به سنجش شکاف اقتصادی، سیاسی، آموزشی و معیارهای سلامت‌محور میان زنان و مردان می‌پردازد، کره جنوبی در رده ۱۱۱ و پایین‌تر از ژاپن (با رتبه ۱۰۵) قرار دارد. کره جنوبی در سال ۲۰۰۶ از نظر رتبه جایگاه بهتری داشت و در جایگاه ۹۲ قرار داشت.<sup>۱۱</sup>

قطب‌های صنعتی زیادی در این سال‌ها در نقاط مختلف کره جنوبی ایجاد شده است که نیروی کار بسیاری را به خود جذب کرده است. یکی از این قطب‌های صنعتی در پوسان قرار دارد که در سال ۲۰۰۸ از صادرات کالاهای این منطقه، فقط ۲۹ میلیارد دلار سود نصیب شرکت‌ها شده است. واحدهای صنعتی بزرگ به عنوان "کلان مجتمع"ها معروفند و تقریباً همه موسسه‌های کوچک و متوسط وابسته به آن هستند. زیرا بخش‌های مختلفی را شامل می‌شوند، بخش‌هایی که بعضاً برای زندگی کارگران شان بوجود آمده‌اند. پارک جی سونگ، پژوهشگر "بنیاد کار کره" ( Korean Labor Institute) \*\*\* در این باره چنین می‌گوید:

«در کره جنوبی شما در یک زایشگاه متعلق به یک "کلان مجتمع" به دنیا می‌آیید، به مدرسه یک "کلان مجتمع" می‌روید، از یک "کلان مجتمع" حقوق می‌گیرید، در آپارتمان یک "کلان مجتمع" سکونت دارید، کارت اعتباری "کلان مجتمع" را دارید و حتی تفریحات و خریدهایتان توسط یک "کلان مجتمع" تامین می‌شوند.»

از معروف‌ترین این کلان مجتمع‌ها می‌توان به سامسونگ و ال جی اشاره کرد. سامسونگ در گستره‌ی وسیعی مشغول فعالیت است، از کشتی سازی تا [مراکز]

هسته‌ای، از صنایع سنگین تا ساخت و ساز، از پارک‌های تفریحات تا تسلیحات، از صنایع الکترونیکی تا توزیع گسترده و خرد مانند نانویی‌های محلی، در بخش بیمه یا حتی بنیادهای پژوهشی. رویای بسیاری از دختران جوان، کار کردن در شرکت سامسونگ است. سطح حقوق‌ها در آن نسبتاً بالا است: معادل ۲۰۰۰ یورو در ماه، که در مقایسه حداقل دستمزد از ۶۰۰ یورو برای مبتدیان رقم‌هنگفتنی است البته برای روزانه ۱۲ ساعت کار و شش روز در هفته، به علاوه مشارکت در فعالیت‌های نیکوکارانه شرکت (برای بالا بردن روحیه همبستگی). یکی از کارگران سامسونگ وضعیت کارگران را چنین توصیف می‌کند:

«در سامسونگ از خواب بیدار می‌شویم، در سامسونگ می‌خوریم، در سامسونگ کار می‌کنیم، در سامسونگ مراوده می‌کنیم و در سامسونگ می‌خوابیم.»

کارکنان جدید سامسونگ توسط کارکنان قبلی و از میان دانشجویان کالج‌ها انتخاب می‌شوند. رقابت برای انتخاب شدن بسیار زیاد است، زیرا داوطلبان بیشتر از تعدادی است که سامسونگ استخدام می‌کند. محیط‌های کار ظاهراً بهداشتی و استاندارد به نظر می‌رسد. کار با کلاه و لباس‌های سفید شبیه فضانوردان باید انجام شود. آرایش ممنوع است. ساعات کار زیاد، سرعت کار بالا، کار با مواد شیمیایی و آلوده، گازهای خطرناک، قرار گرفتن در حوزه‌های الکترومغناطیس ... بخش‌های کوچکی از دشواری‌های کار در واحدهای شرکت سامسونگ است. بیشتر کارگران بیش از ۵ سال نمی‌توانند در این کار دوام بیاورند. پس از آن، یا کار ساده‌تری می‌یابند (البته با حقوق کمتر) یا نزد پدر و مادر خود باز می‌گردند و ازدواج می‌کنند. برخی نیز بر اثر آلودگی‌های محیط کار می‌میرند. پیگیری‌های حقوقی برای محکوم کردن سامسونگ در رابطه با کوتاهی در باره سلامت کارگران هنوز به نتیجه نرسیده است. آن‌ها به بهانه "اسرار تولید" فهرست دقیق مواد شیمیایی استفاده شده را نمی‌دهند. یکی از وکلایی که مرگ ناشی از سرطان دختر جوان ۲۲ ساله‌ای را پیگیری می‌کند با کمک انجمن «هواداران سلامت و حقوق مردم در صنعت نیمه‌هادی‌ها»، ۱۸۱ تن از کارکنان پیشین سامسونگ را شناسایی کرده است که به بیماری‌های مختلف (سرطان خون،

سرطان سینه و اسکروز چندگانه یا ام اس) در فاصله سال‌های ۲۰۰۷ تا ماه مه ۲۰۱۳ مبتلا بوده‌اند. وزارت اشتغال بازرسی ویژه‌ای انجام داده و بیش از ۲۰۰۰ مورد تخلفی از حقوق و امنیت کار یافته است. مدیریت وعده داده که چاره‌اندیشی کند ... اما راه‌های نفوذ سامسونگ برای مختومه اعلام کردن چنین پرونده‌هایی بسیار است.<sup>۱۲</sup>

کارخانه ال جی (یکی دیگر از این کلان مجتمعات) در منطقه پوسان قرار دارد. کارخانه ای در دو بخش، یکی با مساحت حدود ۲۹۰ هزار مترمربع، خط تولید میکروویو و یخچال فریزر و دومی با مساحت حدود ۳۸۰ هزار مترمربع مجهز به چهار خط تولید مختلف برای ساخت انواع ماشین لباسشویی، سیستم تهویه هوا، جاروبرقی و ماشین ظرفشویی است. بسیاری از ده هزار کارگر کارخانه‌های ال جی، زنان و دختران جوان هستند. در خطوط تولید این واحدها نیز سرعت کار بسیار زیاد است. مثلاً زمان تولید یک عدد ماشین لباسشویی ۸/۵ ثانیه است. (از اولین گام تا زمانی که ماشین لباسشویی بسته‌بندی شود) می‌توان تصور کرد که برای دستیابی به چنین رکوردی، کارگران چگونه باید کار کنند. هر چند بیشتر کارهای مربوط به جابه‌جایی‌ها توسط ربات‌ها انجام می‌شود اما کارگران زن تمامی کارهای ظریف را انجام می‌دهند.

کارگران کره‌ای سالانه به طور متوسط ۲۱۰۰ ساعت کار می‌کنند، تقریباً بیشتر از هر کشور صنعتی پیشرفته در دنیا. (این میزان در آلمان ۱۳۳۰ ساعت است.) زیاد بودن ساعت کار در کره به جز فشار بسیار زیاد روی زندگی کارگران، جنبه‌های منفی دیگری هم دارد. مثلاً به همین دلیل، نیمی از فارغ‌التحصیلان کره‌ای نمی‌توانند کار تمام وقت پیدا کنند، به خصوص زنان. بیشتر آنان خانه‌نشین هستند و درصد اشتغال به کار زنان بین ۲۴ تا ۲۵ سال فقط ۶۲ درصد است.<sup>۱۳</sup> تبلیغات حکومتی "فداکاری" و "کار زیاد" را تحت عنوان "راهی برای دستیابی به قله‌های پیشرفت کشور" ترویج می‌کند و دختران و پسران جوان، "فرزندان کارخانه" نامیده می‌شوند.

"دولت نیروی کار کارگران زن را با ایجاد یک هویت مدرن از "دختران وظیفه شناسی" به کار گرفت که نقش خود را در پروژه‌های نوسازی کشور به عنوان "ستون های صادرات" به خوبی انجام دهند ... بازتولید سنت‌های مردسالارانه و همچنین وضعیت جنگ سرد، انحصارگرایی دولت را در استفاده از نیروی کار ارزان کارگران زن کارخانه تسهیل می‌کرد. نظامی‌گری در ترکیب با ساختار اجتماعی‌ای که نیازها ی خانواده را مهم‌تر از نیازهای تک تک افراد آن خانواده می‌داند، (familialism) از این تبلیغات برای شکل دادن به تصویری از کارگران زن کارخانه به عنوان "سربازان" و همچنین "دختران کارخانه" استفاده کرد و دولت به فرمانده و رئیس "ملت پادگان" تبدیل شد ...

واقعیت این است که اصطلاحاتی نظیر "ستون صادرات" و "دختران وظیفه‌شناس" توسط دولت اختراع شد تا زندگی عمومی و خصوصی کارگران زن را کنترل کند و به منظور ایجاد یک نیروی کار مطیع و سخت‌کوش، نظم و انضباطی در آنها بوجود بیاورد. از یک طرف، دولت با ستایش از فداکاری کارگران، ذهن آنان را به گونه‌ای کنترل کرده که گویا آنها داوطلبانه برای رفاه ملت سختی‌ها را تحمل می‌کنند؛ از طرف دیگر در همان زمان، هر گونه انحراف از این واقعیت رسمی به عنوان "تهدید علیه امنیت ملی" مجازات می‌شد.<sup>۱۴</sup>

با ساعات کار طولانی که مردان زمان چندانی برای در خانه بودن ندارند، بخش بزرگی از کارهای خانه نیز همیشه به دوش زنان بوده است. در این سال‌ها که زنان کره جنوبی دیگر حضور در فضاهای اجتماعی و اقتصادی را به خانه نشستن و خانه‌داری ترجیح می‌دادند و سرمایه‌داران و کارفرمایان نیز این زنان را به عنوان نیروی کار ارزان می‌خواستند، زندگی روزمره، وظایف خانه‌داری و فرزندپروری همراه با کار شدید و با ساعات طولانی و دستمزد کم، شرایط ویژه‌ای را برای آنان بوجود آورده بود.

در دهه هفتاد ۵۰ درصد نیروی کار موسسات اقتصادی را زنان تشکیل می‌داد. این موسسات سعی می‌کردند تا زنان مجرد را استخدام کنند؛ بسیاری از آنان زنان مهاجر



بودند. ۱۵ در این زمان زنان ۵۴ درصد حقوق مردان را دریافت می‌کردند. زنان مطابق همه کشورهای دیگر در صف اول اخراج‌ها قرار داشتند. بیکاری گسترده در میان زنان تحصیل کرده جویای کار آنان را وادار می‌کرد که کارهای پاره وقت و نیمه وقت را بپذیرند.

نوعی جداسازی جنسیتی هم در کار وجود داشت. زنان مجبور بودند در رشته‌های غیرفنی مانند خط تولید و مونتاژ فعال شوند. از جداسازی محیط کار زنان و مردان بیش‌ترین سود را "چبولی"ها (شرکت‌های متعلق به چند خانواده بزرگ و سرمایه‌دار) می‌برند؛ این شرکت‌ها هم مالیات کمتری می‌پرداختند و هم از قبل حقوق پایین زنان، سود بیشتری می‌بردند و هم از این مساله منتفع می‌شدند که زنان به خاطر نوع شغل‌شان که نیاز به مهارت نداشت، عضو سندیکا به حساب نمی‌آمدند. در زمان بحران اقتصادی سال ۱۹۹۷، این زنان به رغم آنکه در بخش‌هایی توانستند عضو اتحادیه شوند، حتی در خود سندیکا نیز مورد حمایت واقع نشدند. در سال ۱۹۹۷، شرکت ماشین‌سازی هیوندا دست به تعدیل گسترده نیروی کار زد و ۲۷۷ نفر از کارگران اخراجی زن بودند. بانک نان‌گویاپاپ ۶۸۸ زن شاغل را اخراج کرد. اما سندیکاهای به بهانه اینکه مردان نیز دارند از کار بیکار می‌شوند، فعالیت جدی در خصوص این زنان انجام ندادند. ۱۶

به این ترتیب شدت استثمار و بی‌حقوقی، زنان کارگر را در کره جنوبی به میدان مبارزه متشکل کشاند. هر چند فرهنگ سنتی کره جنوبی شرکت زنان در تظاهرات و اعتراضات کارگری را امری پسندیده تلقی نمی‌کرد. این مبارزات از اواسط دهه هفتاد به بعد با اصلاحات سیاسی در جامعه کره هم‌زمان شد. حضور آنان در اتحادیه‌های کارگری به آسانی صورت نگرفت. فضای مردانه‌ی این اتحادیه‌ها یکی دیگر از حوزه‌هایی بود که زنان برای حضور در آن می‌بایست با سنت‌ها و فرهنگ مردسالاری بجنگند.

پیوند جنبش دانشجویی و جنبش زنان با جنبش کارگری در دهه ۸۰ میلادی مسیر را برای این زنان تسهیل کرد. در این دهه بسیاری از دانشجویان مجبور بودند برای تامین هزینه‌هایشان کار کنند و بسیاری از کارگران نیز مجبور به گذراندن دوره‌های فنی بودند. به این ترتیب قشر "دانشجو-کارگر" بوجود آمد که از سردمداران و پیشروان اعتراضات کارگری بودند. موج اول "جنبش زنان" یا "جنبش دانشجویی زنان" اولین همکاری‌اش را با "آکادمی مسیحیت" در سال ۱۳۵۲ ش/۱۹۷۳ م شروع کرد. چنانچه در کارخانه‌ای که زنان کارگر در آن کار می‌کردند، اعتصابی صورت می‌گرفت، این نهاد با حمایت "انجمن زنان کلیساها" به صورت یک‌پارچه فراخوان تحریم محصولات آن کارخانه را می‌داد. در ادامه، کلیساها تصویب کردند که کلاس‌های آموزشی برای نمایندگان میانی جنبش کارگری زنان بوجود بیاورند که در این کلاس‌ها زنان کارگر بخش صنعتی و کشاورزی آموزش‌های کارگری ببینند. این کلاس‌های آموزشی تا امروز وجود دارد.

اولین بار بحث ارتباط جنبش زنان با سایر بخش‌های جنبش‌های اجتماعی در اواخر دهه ۵۰ شمسی (۷۰ میلادی) در کره شکل گرفت. جنبش زنان خود را در مبارزه و خواست‌های دمکراتیک، هم ذات جنبش کارگری می‌دانست اما فضای مردانه جنبش کارگری نمی‌گذاشت خواست زنان کارگر جوان شنیده شود. در سال ۱۳۶۲ ش/۱۹۸۳ میلادی "جنبش زنان پیشرو" (the Progressive Korean Women's movment) در کره شکل گرفت. این جنبش متشکل از دانشجویان، فعالان کارگری و دانشگاهیان بود. فعالان "جنبش زنان پیشرو" خواهان برابری حقوق زنان شدند و با جدایی خود از ایدئولوژی ملی‌گرایانه به مقابله با دیکتاتوری نظامی پرداختند. موج دوم جنبش زنان در سال ۱۳۷۷ ش/۱۹۹۸ م شروع شد، زمانی که جنبش زنان کارگری دیگر نمی‌خواست تنها به صورت جنبش زنان در مبارزات شرکت کند؛ آنان با حفظ استقلال و خودگردانی، خود را بخشی از جنبش مبارزاتی کارگری می‌

دانستند. جنبش دانشجویی زنان کارگر در دهه ۶۰ ش / ۸۰ م کمپین وسیعی در رابطه با شکنجه و آزار جنسی در دانشگاه و محیط‌های اجتماعی به راه انداخت. این کمپین به این منجر شد که در سال ۱۳۶۳ ش / ۱۹۸۴ م، برای اولین بار، این آزارها به عنوان جرم در دادگاه‌ها قابل رسیدگی شد. در تظاهرات و اعتراض‌ها پلیس اقدام به دستگیری دانشجویان می‌کرد. در این مبارزات فعالان زن دانشجوی هم زمان با ۱۶۶ وکیل همکاری کردند تا تمامی زندانیان زن آزاد شدند و افراد پلیسی که زنان و دختران را مورد آزار جنسی قرار داده بودند، نیز دستگیر شدند. در این دوره در فضای آکادمیک دانشگاه، مارکسیست فمینیست‌ها و سوسیال فمینیست‌ها بر "جنبش زنان پیشرو" حاکم بودند، هر چند درگیری‌های خاص خودشان را هم داشتند.

در چنین شرایطی زنان کارگر با تلاشی خستگی‌ناپذیر در یک روند ده تا بیست ساله توانستند شکل‌های مستقل زنان کارگر را پایه‌گذاری کنند. بررسی‌های بسیار صورت گرفته تا نشان دهد که چگونه زنان کارگر در دهه هفتاد میلادی یک تغییر اساسی در عمل روزمره خود داشتند و توانستند در دهه هشتاد بنیاد شکل مستقل کارگری زنان را پایه‌گذاری کنند.<sup>۱۷</sup>

زنان در جنبش اتحادیه‌های کارگری کره‌ای در دهه ۱۹۷۰ نقش برجسته‌ای داشتند. زنان کارگر جوان در این دهه به طور عمده در صنایع سبک صادراتی مانند نساجی، پوشاک، لباس، کفش و کلاه‌گیس مشغول به کار بودند. آن‌ها از طریق اتحادیه‌های کارگری در برابر رفتار غیرانسانی، دستمزد پایین و ساعات طولانی مبارزه می‌کردند. زنان کارگر در اوایل دهه هفتاد در اعتصاب‌های گسترده در بخش‌های نساجی و تولید لامپ و تجهیزات برقی حضور فعال داشتند.<sup>۱۸</sup> در دهه ۱۹۷۰ تحت دیکتاتوری شدید، در کره اتحادیه‌های کارگری شرکتی رایج بود که در آن‌ها استقلال و دموکراسی کمتری وجود داشت در مقابل اتحادیه‌های کارگری دموکراتیک و مستقل (غیردولتی و غیرشرکتی) به شدت سرکوب می‌شدند.<sup>۱۹</sup> زنان کارگر در سازمان جداگانه‌ای

سازمان‌دهی نشده بودند و به صورت انفرادی به اتحادیه‌های کارگری می‌پیوستند. بیشتر اتحادیه‌های کارگری رسمی آن زمان تحت سلطه مدیران مرد بود، زنان کارگری که به این اتحادیه‌ها پیوسته بودند مجبور همزمان با مبارزه در برابر رژیم، با مدیران مرد اتحادیه نیز مبارزه کنند. مبارزه آن‌ها برای اخذ مرخصی قاعدگی، زمان تغذیه با شیر مادر در محل کار و مرخصی زایمان، در واقع سمت و سوی جنبش مراقبت از کودکان را داشت. آنان مسایل خاص زنان را در دستور کار داشتند.

مبارزات دهه ۱۹۸۰ زنان کارگر برای دمکراتیک کردن فضای محیط کار در عرصه اصلی آن یعنی دستمزد و ساعت نامناسب کاری بود. سابقه کار آن‌ها بسیار کمتر از مردان بود و در محیط کار جدای از مردان کار می‌کردند. با این جداسازی می‌خواستند نشان دهند که کار زنان سبک‌تر از مردان است. زنان در بخش‌های کشاورزی، جنگلداری و ماهیگیری گاه تا ۱۳ ساعت در روز کار می‌کردند. ۲۰ در دهه هشتاد حقوق زنان کارگر کره در پایین‌ترین سطح کشورهای صنعتی بود. در اواخر دهه هشتاد حقوق زنان در بخش اداری افزایش یافت. در سال ۱۹۸۹ بیش از ۸۰ درصد زنان شاغل در کره تنها ۵ سال سابقه کار داشتند و تنها ۳ درصد زنان شاغل بالای ۱۰ سال سابقه کار داشتند.<sup>۲۱</sup>

بحران اقتصادی این سال‌ها سبب شدت یافتن اعتراضات کارگری شد. زنان در این اعتراضات حضور فعال و برجسته‌ای داشتند. در خلا وجود یک حرکت متشکل سازمانی، مبارزات زنان بیشتر در جهت جنبش‌های اجتماعی برجسته می‌شد. شرکت فعالان زنان در مبارزات بزرگ ۱۹۸۷ بسیار درخشان بود. از جولای تا سپتامبر سال ۱۹۸۷، تخمین زده می‌شد ۰.۱ میلیون، معادل حدود یک سوم از کارگرانی که در شرکت‌های با تعداد ده کارگر یا بیشتر کار می‌کردند، در این اعتراضات به طور منظم شرکت داشتند. (وزارت کار کره، ۱۹۸۸)<sup>۲۲</sup>

تجمعی که در بزرگداشت کیم کیونگسونک، (یکی از جانباختگان اعتراضات) در سپتامبر ۱۹۸۶ برگزار شد، فرصتی خاص برای پایه‌گذاری "اتحادیه زنان کارگر کره" (KWWA) ایجاد کرد. این اولین تجمعی بود که به طور واقعی و برای اولین بار، به طور مشترک توسط چند گروه کاری، به منظور تمرکز بر روی مسائل زنان کارگر درون جنبش کارگری سازمان یافته و برگزار شد. جلسات عمومی کمیته آماده‌سازی فعالیت‌های کارگری "اتحادیه زنان کارگر کره"، همواره با محاصره پلیس و مشکلات و موانع بسیاری روبرو بود.

اتحادیه زنان کارگر کره در سال ۱۹۸۷ برای بهتر شدن وضعیت اقتصادی و صنفی زنان شکل گرفت. این انجمن سیاست‌های دولت را در رابطه با وضعیت زنان بررسی می‌کرد. این انجمن علیه نادیده گرفتن دفاع از مبارزات زنان از طرف مردان دست به فعالیت زد و حق مهدکودک و حقوق دوران زایمان از فعالیت‌های این انجمن است. این انجمن در کمیته زنان آسیایی بسیار فعال است. انجمن زنان در سال‌های ۸۷ تا ۸۹ درگیری بسیاری با مردان اتحادیه‌های کارگری داشت، رهبران مرد اتحادیه‌ها فقط سعی می‌کردند تبعات کمتری از بحران اقتصادی شامل مردان شود. در آن زمان مردان کارگر ۷۲ درصد نیروی کار شاغل را تشکیل می‌دادند.

بعد از بحران اقتصادی ۱۹۹۸ و بوجود آمدن "فدراسیون شوراهای کارگری"، (کی سی تی یو) توانسته بود ششصد هزار کارگر را به عضویت خود در آورد که اکثر این کارگران یقه سفید در بخش‌های اقتصادی کلان و با قراردادهای دائم کار می‌کردند. بعد از بحران و با شروع اخراج‌ها و تغییر کار از ۴۰ ساعت کار در پنج روز در هفته به ۲۰ ساعت کار در بیشتر از پنج روز، توجه این تشکل مستقل به زنان کارگر جلب شد. "فدراسیون شوراهای کارگری" دریافت که زنان بخش کوچکی از اعضای اتحادیه را تشکیل می‌دهند و به تعداد کمتری چه در محیط کار و چه در سطح رهبری حضور دارند. در سال ۱۹۹۹ از ۷۰۰ رهبر کارگری کره تنها سی زن در سطح رهبری قرار داشتند. ۲۳

در اعتصاب کارگران ماشین‌سازی هیوندا که ۱۲ هزار پلیس را به محیط کار کشاند، اتحادیه رسمی با ده هزار استعفا موافقت کرد. پی‌آمد این اعتصاب اخراج ۲۷۷ نفر بود. ۱۴۴ زن مسن هم در بخش غذایی کار خود را از دست دادند. این زنان در تمامی مدت اعتصاب برای کارگران مرد اعتصابی سه وعده غذا درست می‌کردند. اتحادیه از این زنان حمایت نکرد. این زنان دست به اعتراض علیه اتحادیه زدند و اعتصاب غذای خود را علیه اتحادیه شروع کردند. این اعتراض به اتحادیه سه سال طول کشید. این کارگران زن بدترین دوره مبارزه را زمانی می‌دانستند که از طرف مردان عضو اتحادیه به آن‌ها "خودخواه" گفته می‌شد. حتا برخی از مردان علیه زنان سد معبر درست می‌کردند تا نتوانند در اعتراض‌شان به اتحادیه شرکت کنند. ۲۴ زنان بخش کافه تریا که تحت نظارت و به واسطه شرکت‌های پیمانکاری کار می‌کردند، با پشتکار خود نه تنها توانستند در این مبارزات علیه رهبران مرد اتحادیه موفق شوند بلکه در تاریخ ۱۹ اوت ۱۹۹۹، شصت زن کارگر در نشست، اولین تشکل مستقل زنان کارگر (کی دلبیو تی یو) را پایه‌گذاری کردند. ۲۵



## چگونگی تشکیل سازمان‌های کارگری مستقل زنان

پیش از آغاز کار سازمان‌دهی، کارگران فعال زن ابتدا سوالاتی را در رابطه با مسایل زنان طرح کردند: مشکلات اصلی زنان کارگر چه هستند؟ کدام یک از مسائل زنان کارگر، ارکان جنبش زنان هستند؟ ... و پرسش‌هایی از این دست. بحث ادغام جنبش زنان با جنبش کارگری، به طور عینی در این زمان مطرح بود. اما جنبش کارگری نسبت به جنبش مستقل زنان کارگر موضع داشت. دو تحلیل در این باره طرح می‌شد: نخست این که ایجاد تشکل مستقل زنان کارگر می‌تواند سبب ایجاد تفرقه و تضعیف جنبش کارگری کره شود؛ و دیگر این که مسائل زنان به طور طبیعی زمانی حل می‌شود که مسائل کار حل و فصل شده باشد.

پس از مبارزات گسترده کارگران کره در ژوئیه و اوت ۱۹۸۷، سه هزار اتحادیه کارگری جدید ایجاد شد. در سال ۱۹۹۰ کنگره "اتحادیه‌های کارگری کره" (نام قبلی کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری کره (KCTU)، "ائتلاف دموکراتیک اتحادیه‌های کارگری" تشکیل شد. با این حال، اتحادیه‌های کارگری کره برای غلبه بر محدودیت‌های اتحادیه کارگری، نیاز داشتند به جستجوی راه‌هایی جدید بپردازند زیرا این اتحادیه‌ها به طور منظم بر مسایل کارگران مرد در کارخانه‌های بزرگ توجه داشتند و همچنین مدیران مرد اتحادیه محافظه‌کار بودند. تقاضا برای اتحادیه مستقل زنان کارگر افزایش یافت، اتحادیه‌هایی که به منظور توسعه ساختار جنبش زنان کارگر، قادر به سازمان‌دهی بی‌حقوق‌ترین زنان کارگر باشد؛ چرا که زنان غیرمتشکل امنیت شغلی کمتری دارند.

به دنبال بحران اقتصادی ۱۹۹۷ آسیا و از بین رفتن بسیاری از مشاغل، بیشترین ضربه به زنان شاغل وارد شد. در سال ۱۹۹۹ زنان کارگر، "اتحادیه صنفی زنان کره" (Trade Union Korean Women's) را تشکیل دادند. فعالیت‌های این اتحادیه بر متشکل کردن زنانی کارگری متمرکز بود که بر اثر اخراج‌ها پراکنده شده و در بخش

های متفاوت اقتصادی از تولید پوشاک تا تکنولوژی مشغول به کار بودند. رشد این اتحادیه همراه با متشکل کردن زنان در بخش‌های غیررسمی و مشاغل موقت بود. منظور از بخش غیررسمی کارگرانی است که بدون بیمه و مزایا و با قراردادهای موقت مشغول به کارند، از جمله، زنان شاغل در مدارس، کارکنان آزمایشگاه، کتابخانه، آشپزخانه و معلمان مهدکودک و پیش‌دبستانی. در جریان گسترش فعالیت و مبارزات معلمان، کارکنان زن آموزش و پرورش کره جنوبی نیز تشکل‌های مستقل خود را تشکیل دادند.<sup>۲۶</sup>

این فدراسیون از سال ۱۹۹۹ با ۳۸۰ پرسنل زن کار خود را شروع کرد و در سال ۲۰۰۴ بیش از ۵۰۰۰ نفر و تا سال ۲۰۰۹ در ده رشته اقتصادی ۶۵۰۰ کارگر زن، عضو این تشکل مستقل زنان کارگر شده بودند. از سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۹، این تشکل توانست بسیاری از زنان در بخش غیررسمی را به عضویت خود در آورد، کسانی که تحت پوشش شرکت‌های پیمانکاری کار می‌کردند. بحران اقتصادی سال ۲۰۰۸ بر وضعیت کار این زنان تاثیر گذاشت. در این دوره زنان تنها ۵ درصد اعضای اتحادیه را تشکیل می‌دادند. این تشکل برخلاف تشکل‌های سنتی که بر اساس نوع شغل و رشته و صنعت شکل می‌گرفت، زنان کارگری را به عضویت خود در آورد که در بخش‌های متنوعی کار می‌کردند.<sup>۲۷</sup>

در سال ۱۹۹۹، کمیته تبلیغات اتحادیه زنان کارگر کره (KWWA) و هشت شاخه‌ی منطقه‌ای آن تاسیس شد که متشکل از رئیس کمیته، اعضای بخش تبلیغات، زنان کارگر با تجربه فعال در مبارزات دهه ۱۹۷۰ و رؤسای تعاونی بود. پس از روند آماده سازی توسط کمیته، در نهایت، در ۲۹ آگوست سال ۱۹۹۹، "اتحادیه صنفی زنان کارگر کره" (KWTU) راه اندازی شد. اعلام شد زنان کارگر می‌توانند بدون محدودیت و بدون در نظر گرفتن شغل یا منطقه به (KWTU) بپیوندند. "اتحادیه صنفی زنان کارگر کره" برای حفاظت از حقوق زنان کارگر "و گسترش و تحکیم ساختار آن، با استفاده از انواع روش‌های تماس با بسیاری از زنان کارگر تلاش می‌کند که به دلیل



ازدواج، بارداری و گرفتاری‌های پرورش کودک، در یک دور باطل از اشتغال و بیکاری قرار دارند. در تاریخ جنبش کارگری کره "اتحادیه صنفی زنان کارگر کره" اولین اتحادیه کارگری بود که با هدف قرار دادن فقط سازمان‌دهی زنان کارگر و طرح مسائل آنان به موفقیت دست یابد.

در اکتبر سال ۱۹۹۹، (KWTU) ابتدا شاخه‌ای از اتحادیه خود را برای کارگران نگهداری وسایل گلف تاسیس کرد که به عنوان C۸۸ شناخته می‌شود و به طور جمعی موضوع خاص حقوق خود را مطرح می‌کردند. (KWTU) مسئله حداقل دستمزد را برای اولین بار در محافل کارگری مطرح کرد. قانون حداقل دستمزد در کره تصویب شده بود، اما بسیاری از کارگران زن کمتر از حداقل دستمزد دریافت می‌کردند. به عنوان نتایج برای ۱۰ سال ابتدای فعالیت، "اتحادیه صنفی زنان کارگر کره" مسائل زنان کارگر موقت را طرح کرد و مشکلات و شرایط تبعیض علیه کارگران نیمه وقت را منتشر کرد:

"کارگران به خصوص به استخدام واحدهای تولیدی در می‌آیند تا بتوانند زندگی خود را با کار برای خودشان بسازند، این واحدها به طور مستقیم یا غیر مستقیم توسط شرکت‌های بزرگ کنترل می‌شوند؛ با این وجود کارگران زن خود را در یک نقطه کور قانونی می‌یابند به خاطر این که از لحاظ فنی به عنوان "خوداشتغال" طبقه بندی می‌شوند."

در دوران رئیس جمهور لی میونگ باک، که از فوریه سال ۲۰۰۸ به قدرت رسید، فعالیت اتحادیه‌های کارگری محدود شد. بحران مالی و این محدودیت‌ها، فعالیت های اتحادیه‌ای زنان را نیز تحت تاثیر قرار داد. زنان کارگر بیش از همه تحت تاثیر سیاست‌های تعدیل نیرو قرار گرفتند. در نیمه اول سال ۲۰۰۹، در مقایسه با مدت مشابه سال ۲۰۰۸ تعداد زنان شاغل نزدیک به ۷۰ برابر کمتر از تعداد مردان شاغل شد، چرا که آن‌ها اخراج شده یا به دلیل بارداری و زایمان خود از کار محروم می‌شدند. با توجه به تغییر ساختار صنعتی کره، بسیاری از صنایع سبک که در آن زنان کارگر متمرکز شده بودند به نواحی ساحلی چین و آسیای جنوب شرقی نقل مکان کردند که در آن دستمزدها و قیمت زمین نسبتاً کم است، همچنین به دلیل تمرکز

اتحادیه‌های کارگری بر کارگران مرد، اتحادیه‌های کارگری تا حد زیادی از سازمان دهی زنان کارگر و مسائل زنان کارگر غافل ماندند. تحت این شرایط، به دلیل اخراج زنان کارگر متشکل و زنان سازمان نیافته، به ویژه کارگران پاره وقت و افزایش کسانی که در شرکت‌های بسیار کوچک کار می‌کنند، زنان کارگر با مشکلات سازمان‌دهی و توانمندسازی خود در اتحادیه‌های کارگری مواجه شدند.

اقدام زنان برای تاسیس "اتحادیه صنفی زنان کره" گام مهمی برای مقابله با فرهنگ مردسالاری در کره جنوبی بود. هم زمان در اتحادیه‌های کارگری نیز حضور فعال زنان ادامه داشت. یکی از مهم‌ترین دستاوردهای مبارزات فدراسیون اتحادیه‌های کارگری کره، افزایش حداقل دستمزد از ۳۶۰ دلار آمریکا در ماه در سال ۲۰۰۱ به ۶۳۰ دلار در ماه در سال ۲۰۰۴ بود که زنان نقش موثری در آن مبارزات داشتند. یکی دیگر از اعتراضاتی که زنان کارگر در آن نقش برجسته‌ای داشتند، در جولای ۲۰۰۶ علیه تغییر قانون کار بود. یکی از تغییرات مهم این قانون به رسمیت شناختن کار غیردائم و موقت بود. کنفدراسیون پیشرو و مترقی اتحادیه‌های کارگری کره (KCTU) از همان ابتدا از مذاکره کناره‌گیری کرد و فرآیند سه جانبه‌گرایی دچار اختلال شد. این اقدام از آن جهت صورت گرفت که برای کنفدراسیون محرز شده بود قانون مذکور تنها به گسترش اشکال موقت، قراردادی و موقتی کار منتهی می‌شود. کمیسیون سه جانبه ابداً تلاش نکرد تا به دغدغه‌های کی تی سی یو پاسخ گوید و در عوض با "فدراسیون محافظ کار اتحادیه‌های کارگری کره" (اف کی تی یو) (FKTU) بر سر لایحه مذکور به توافق رسید. اوایل پاییز ۲۰۰۶ در حالی که اعتراضات بالا گرفته بود لایحه مذکور به تصویب رسید و در اول جولای به اجرا درآمد. پس از تصویب لایحه، دولت و همچنین تعداد اندکی از کمپانی‌های بزرگ اعلام کردند چندین هزار کارمند را که با قرارداد موقت مشغول به کار بودند، دائمی و ثابت خواهند کرد. با این حال هر چه اول جولای نزدیک تر می‌شد بیشتر روشن می‌شد که تعداد بسیاری از کارفرمایان بخش خصوصی و همچنین خود دولت به اخراج کارگران موقت اقدام کرده یا آن‌ها را ناگزیر می‌کنند قراردادهای کوتاه مدت امضا کنند.

برجسته‌ترین مورد این اعتراضات در رسانه‌ها، مربوط به کارگران فروشنده فروشگاه های زنجیره‌ای "هم‌ور" و "نیو کور" (New Core & Homever) بود که در تملک "ای‌لند" (E-Land) قرار داشتند. در این فروشگاه‌ها، صندوقداران که اغلب زن هستند در محل کار تحصن کرده و اقدام به اعتصاب نشستند که اعتراضات وسیعی را در حمایت از این اقدام در گوشه و کنار برانگیخت و توجه پلیس را نیز به خود جلب کرد و منجر به بسته شدن فروشگاه‌های "ای‌لند" شد. حمایت عمومی از این مبارزه و اعتراض علیه روش‌های استخدامی این شرکت، پس از آنکه گروه‌های مدنی افشا کردند کمپانی مذکور برای دائمی نکردن قرارداد کارگران از اسناد جعلی استفاده کرده، بسیار تشدید شد. دولت برای میانجی‌گری میان اعتصابیون و کارفرما پا درمیان کرد.

علاوه بر اعتصاب در "ای‌لند" و "هوم‌ور"، کارگران زن سیستم حمل و نقل قطار پرسرعت کره (KTX) در اعتراض به عدم پاسخ کارفرما و دولت به تقاضاهایشان مبنی بر برابری جنسیتی، ایمنی شرایط کار و امنیت شغلی در دوم جولای دست به اعتصاب غذا زدند. آن‌ها از ماه مارس ۲۰۰۶ در اعتصاب به سر برده و با حملات پلیس دست و پنجه نرم می‌کردند. این در حالی است که حتی کمیسیون ملی حقوق بشر دولت نیز اظهار کرد شرکت حمل و نقل قطار پرسرعت کره باید در ساختار استخدامی تبعیض‌آمیز و جنسیتی خود تجدیدنظر کند.<sup>۲۰</sup>

یکی از ویژگی‌های اتحادیه صنفی زنان کره در این است که جمع‌های کوچک صنفی درست می‌کنند و همکاران صنفی یک محیط کار جلسات آشنایی و تبادل تجربیات می‌گذارند و از طریق این جلسات، تشکل خود را معرفی می‌کنند.<sup>۲۸</sup> اکثر شکایات این اتحادیه صنفی زنان به ادارات کار به نفع زنان تمام می‌شود و مدیریت مجبور می‌شود انعطاف به خرج دهد و این مساله سبب ترغیب زنان کارگر و معلم به عضویت در این اتحادیه می‌شود. پلیس به دفعات متعدد به دفتر این اتحادیه حمله برده است.<sup>۲۹</sup>

به رغم فعالیت‌های گسترده تشکل‌های کارگری زنان در کره، هنوز هم مردسالاری در اتحادیه‌های کارگری وجود دارد. علاوه بر این، به دلیل آن که در تمام سطوح صنعتی و کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری (KCTU و FKTU) مدیران اغلب مرد هستند و اتحادیه‌های کارگری محلی نسبت به مسائل جنسیتی حساس نیستند، هنوز هم نرخ سازمانی زنان کارگر کره‌ای در حدود ۵ درصد است. با توجه به این واقعیت که بسیاری از زنان (۷۰ درصد) کارگران نیمه وقت هستند و ۶۰ درصد از زنان در شرکت‌های بسیار کوچکی کار می‌کنند که کمتر از ۱۰ کارگر دارند، این امری طبیعی به نظر می‌رسد. حدود یک میلیون نفر از کارگران به خصوص کارگرانی که به عنوان کارگر به رسمیت شناخته نمی‌شوند، نیز زن هستند. مانند زنان کارگر به عنوان دستیار از وسایل گلف نگهداری می‌کنند، معلم‌های خصوصی که در خانه‌ها تدریس می‌کنند، دستفروشان زن، بیمه‌گران زن، زنان تحویل‌دهنده شیر، فروشندگان زن لوازم آرایشی و بهداشتی، نویسندگان برای شرکت‌های پخش، و پاسخگویان تلفنی که از لحاظ فنی به عنوان خوداشتغال طبقه بندی می‌شوند، علاوه بر اینها، کارگران خدمات مراقبت که در بخش غیررسمی مانند خانه‌داری، مهد کودک، مراقبت از کودکان و سال‌مندان، مشغول به کارند طبق قانون به عنوان کارگر به رسمیت شناخته نمی‌شوند.

اینجاست که وظایف اصلی اتحادیه‌های کارگری و سازمان‌های کارگری است که برای سازمان‌دهی این کارگران اقدام کنند. سازمان‌دهی زنان کارگر در اتحادیه‌های کارگری به دلیل مشکلات ساختاری در بازار کار کره بسیار دشوار بوده است. با این وجود به منظور غلبه بر این مشکلات، نه تنها اتحادیه‌های کارگری بلکه سازمان‌های زنان باید با همبستگی بیشتر خود برای حل مشکلات زنان کره اقدام مشترک داشته باشند.

### منابع و زیر نویس‌ها:

۱- "با وجود موفقیت‌ها، زنان کره جنوبی هنوز برای برابری باید مبارزه کنند" / *suvendrini Kakuchi*

۲- هم‌زمان با رشد سریع صنعتی در کره نیاز به استفاده از نیروی کار ارزان زنان برای سرمایه‌داری ضروری بود. در گزارش که در سال ۲۰۰۳ در رابطه با وضعیت زنان منتشر شده است به این موضوع اشاره شده که سازمان‌های غیردولتی زنان فعالیت‌های گسترده‌ای در زمینه آموزش و پرورش و اشتغال در بیش از ۲۰ سال گذشته داشته‌اند و رشد مشارکت زنان در این حوزه‌ها به عنوان نتیجه‌ی رشد

اقتصادی کشور شناخته شده است به عنوان مثال، کره جنوبی هنگامی ژاپن را پشت سر گذاشت که قانونی در سال ۲۰۰۰ در مورد تعیین سهمیه ۳۰ درصدی برای کاندیداهای زن در حوزه‌های انتخاباتی و ۵۰ درصد برای کاندیداهای زن نمایندگی مجلس ملی تصویب کرد. یک سال قبل از آن قانون ضد آزار و اذیت جنسی تصویب شد، که مطابق با آن مرتکبان این نوع خشونت‌ها به جریمه مالی معادل ۲۵۰۰ دلار و زندان محکوم می‌شوند. کره جنوبی همچنین دارای قانونی است که حکومت را ملزم به حمایت از زنان کارآفرین و گسترش یارانه‌های مالی به زنان شاغلی می‌کند که خواهان شرکت در فعالیت‌های اقتصادی هستند. در تکمیل این تلاش‌های قانونی بود که در سال ۲۰۰۱ وزارت "برابری جنسیتی" راه اندازی شد که بعداً وزارت "برابری جنسیتی و خانواده" شد که به ترویج توانمندسازی زنان می‌پرداخت. ("با وجود موفقیت‌ها، زنان کره جنوبی هنوز برای برابری باید مبارزه کنند") (suwendrini Kakuchi)

۲- شبکه کارگران آسیا هم مجموعه‌ای است از تشکلهای غیردولتی و اتحادیه‌های کارگری مستقل. این نوع نهادها بسیار در آسیا وجود دارد در رابطه با کارگران بخش غذایی و کشاورزی تا حدودی هم جریان‌های سیاسی چپ در آن فعال هستند. البته جریان‌های سیاسی چپ بیشتر جریان‌های مائوئیست هستند. (<http://www.aworc.org/org/front.html>)

-۳ <https://www.scribd.com/doc/24324479/Foreign-Direct-Investment-and-Economic-Growth-in-South-Korea>

۴- اوضاع زنان چشم‌بادامی در ژاپن و کره [atnet.ir/fors](http://atnet.ir/fors)

براساس گزارش OECD، شهروندان کره جنوبی یکی از کشورهایی هستند که ساعات کاری بسیار طولانی دارند. به همین دلیل، آقایان زمان چندانی برای در خانه بودن ندارند. در نتیجه بخش بزرگی از کارهای خانه به دوش همسران‌شان می‌افتد. از طرفی زنانی که آرزوی کار کردن دوشادوش مردان را دارند با بچه‌هایی روبه‌رو هستند که نیاز به مراقبت دارند، آن‌هم در شرایطی که کره جنوبی این روزها و این سال‌ها نرخ باروری پایینی را تجربه می‌کند. در این حال درصد زنانی که هرگز ازدواج نکرده‌اند، در سال ۲۰۱۳ به ۱۵ درصد رسید که بیش از ۹ درصد از سال ۲۰۰۰ بیشتر است. کره جنوبی تنها کشور عضو OECD است که اشتغال زنان دارای تحصیلات دانشگاهی نسبت به زنانی که تنها دوره‌های تحصیلی اجباری (تا دیپلم) را گذرانده‌اند، نرخ پایین‌تری دارد. این امر نشان از وجود بازدارنده‌هایی چون فاصله حقوق دریافتی میان زنان و مردان و مشاغل کمتر موجود برای زنان است. برآوردها نشان می‌دهد که زنان ژاپنی تا ۵۷ درصد حقوق مردان درآمد دارند، این در حالی است که در کره جنوبی این رقم حدود ۴۴ درصد است.

[https://jia.sipa.columbia.edu/online-articles/empowerment-women-s-outh-korea/#\\_edn10](https://jia.sipa.columbia.edu/online-articles/empowerment-women-s-outh-korea/#_edn10)

۵- ۲۷۴ اسم، نام خانوادگی در مجموع ۴۲ میلیون جمعیت کره است که ۴۲ درصد آن‌ها کیم، لی و پارک هستند. قانون ۸۱۵ مدنی، ازدواج فرد غیرمشخص را با خاندانی که چهار نسل آن مشخص هستند، ممنوع می‌کند.

-۶ <http://lawdigitalcommons.bc.edu/cqj/viewcontent.cqj?article=1269&context=twj>

-۷ <http://www.ipsnews.net/2010/06/despite-gains-south-korean-women-still-struggle-for-equality/>

۸- [https://jia.sipa.columbia.edu/online-articles/empowerment-women-south-korea/#\\_edn6](https://jia.sipa.columbia.edu/online-articles/empowerment-women-south-korea/#_edn6)

-۹ seung-sook Moon. "Women and Civil society in south Korea" in Charles K. Armstrong. Ed. Korean society: Civil society, Democracy and the state (second edition) (London and New York: Routledge, Taylor and Francis Group, 2007), 132

۱۰-۰۴ خرداد ۱۳۹۴ - مترجم سارا گلچین

<http://forsatnet.ir/news/daily-note/%D8%A7%D9%88%D8%B6%D8%A7%D8%B9-%D8%B2%D9%86%D8%A7%D9%86-%DA%86%D8%B4%D9%85-%D8%A8%D8%A7%D8%AF%D8%A7%D9%85%DB%8C-%D8%AF%D8%B1-%DA%98%D8%A7%D9%BE%D9%86-%D9%88-%DA%A9%D8%B1%D9%87.html>

۱۱- اوضاع زنان چشم بادامی در ژاپن و کره [forsatnet.ir](http://forsatnet.ir)  
\* بنیاد کار کره نهادی است سه جانبه یا کارفرمایی - دولتی و نهاد کارگری اش هم مانند خانه کارگر است که طرفدار دولت است.

۱۲- گزارش رسمی ۲۰۱۲ سامسونگ/ سامسونگ یا امپراتوری ترس/ مارتین بولارد / لوموند  
دیپلماتیک/ شهپاز نخعی

-۱۳ <http://www.sefidak.com/new-day/south-korean-won-hang#ixzz4VAOUkmVm>

۱۴- مبارزات کارگران زن در کره جنوبی: ۱۹۷۰/ سیاست زندگی غیررسمی در مبارزه کارگران زن در کره جنوبی: ۱۹۷۰-۱۹۷۹/ یونجی پاپک

۱۵- کارگران مهاجر

-۱۶ Korean Women's Trade Unions, About KWTU, <http://www.kwunion.or.kr/Eng/About.aspx> (last visited Nov. 25, 2007).

-۱۷ <https://opus.lib.uts.edu.au/bitstream/10453/1041/1/2008002514.pdf>

[https://survivalpolitics.org/ca\\_e\\_study/south-korea/female-workers-struggle-in-south-korea/#\\_edn3](https://survivalpolitics.org/ca_e_study/south-korea/female-workers-struggle-in-south-korea/#_edn3)

## ۱۸- منازعات کارگری حاصل قانون کار کره جنوبی / جمی وست / برگردان : بابک پاکزاد

General News Labor Is sues social Is sues

۱۹- اتحادیه‌های کارگری کره و سازمان زنان کارگر کره ۲۰۰۹/۶/۱ آوریل-ژوئن ۲۰۰۹ / جنونگ ماه  
جا /

-۲۰ CHUN SOONOK, THEY ARE NOT MACHINES: KOREAN WOMEN WORKERS AND THEIR FIGHT FOR DEMOCRATIC TRADE UNIONISM IN THE 1970s 112-113 (Ashgate Publishing, Ltd. (2003)  
-۲۱ Kyung Ae Park, Women Workers in South Korea: The Impact of Export-Led Industrialization, 35 ASIAN SURVEY 740, 756 (1995)  
-۲۲ <http://r.search.yahoo.com/>

A study of the Emergence of Women's Trade Unions in south Korea Jinock Lee Univers ity of Warwick

-۲۳ Are Women-Only Trade Unions Necessary in South Korea: A Study of Women Workers' Struggles in Korea's Labor Market Comment Gina Kong - Northwestern Journal of International Law & Business

-۲۴ Organizing at the margins, Jennifer Jihye Chun 2009 Cornell Univers ity P90-91

-۲۵ The Korean Women's Trade Union (KWTU)

<https://books.google.ca/books?id=njtZBwAAQBAJ&pg=PA73&lpg=PA73&dq=KWTU+Korea&source=bl&ots=DrZRP7HX4W&sig=ftZWbhvtalNucwJyUVD-JgEKck&hl=en&sa=X&ved=0ahUKEwjbnpvjqPvPAhWq5YMKHfCjCjwQ6AEIKTAC#v=onepage&q=KWTU%20Korea&f=false>

-۲۶ Koran Workers As sociation

[https://en.wikipedia.org/wiki/Korean\\_Women\\_Workers\\_As\\_sociation](https://en.wikipedia.org/wiki/Korean_Women_Workers_As_sociation)

-۲۷ <http://www.amrc.org.hk/content/korean-trade-unions-and-organization-korean-women-workers>

-۲۸ [https://survivalpolitics.org/ca\\_e-study/south-korea/female-workers-struggle-in-south-korea/#\\_edn3](https://survivalpolitics.org/ca_e-study/south-korea/female-workers-struggle-in-south-korea/#_edn3)

-۲۹ General News Labor Is sues social Is sues

## ۳۰- منازعات کارگری حاصل قانون کار کره جنوبی / جمی وست / برگردان : بابک پاکزاد



## مبارزات و مقاومت کارگران کره جنوبی زنان کارگر در دهه ۱۹۷۰

(سه مورد تاریخی)

### کیم میکی یونگ\* / ترجمه هاله صفرزاده

" هنگامی که استبداد سیاسی، سرمایه داری و مردسالاری در هم آمیخته می‌شوند، فرهنگ سرکوب را ایجاد می‌کنند."

زنان کارگر در کره جنوبی زمانی اعتصابات کارگری را آغاز کردند که فعالیت کارگری به شدت سرکوب می‌شد و این رفتار در تضاد کلی با عدم فعالیت کارگران مرد در دهه هفتاد بود. مبارزات این زنان رادیکال و پیشرو بود و همچنین نقض آشکار فرهنگ پدرسالارانه و علیه هنجارهای جنسیتی سفت و سخت حاکم بر جامعه بود.



گسترش سرمایه‌داری در مقیاس جهانی و هنجارهای اجتماعی پدرسالاری موجود، تولید منحصر به فرد، تقسیم بین‌المللی کار و تحرک سرمایه، مفاهیم تجربی برجسته در زندگی زنان در اقتصادهای در حال توسعه هستند، رابطه همزیستی که بین سرمایه داری و مردسالاری وجود دارد سبب شده که زنان در نقش کارگران صنعتی در کره جنوبی با فشار کار زیاد و دستمزد اندک به کار گرفته شوند. تفکیک جنسیتی و جاسازی زنان در زندگی روزمره (در کارگاه، خوابگاه و ...) تحقیرآمیز بود. علاوه بر این، رشد سریع شهرنشینی همراه با رکود مناطق روستایی سبب توسعه نامتوازن اقتصادی کره جنوبی شد. صنعت صادرات محور نیاز به نیروی کار ارزان و ماهر زنان داشت. در این شرایط موجی از مهاجرات زنان جوان از روستا به شهرها رخ داد. به طور متوسط نرخ رشد سالانه مهاجرت به مناطق شهری در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ حدود ۲۰ درصد بود. زنان هم که در مناطق روستایی باقی ماندند به کار کشاورزی مشغول بودند. زنان به عنوان خانواده تک نفره به مناطق شهری نقل مکان کرده و اغلب به اقتصاد غیررسمی شهری جذب می‌شدند. ۴۰٫۱ درصد کل جمعیت مهاجر را زنان جوان بین سنین پانزده تا بیست و چهار ساله تشکیل می‌دادند. بنابراین این زنان بخش عمده و سازنده طبقه پرولتاریا صنعتی در کره جنوبی شدند. این مهاجرات برای والدین این کارگران نیز مفید بود. در یک بررسی از زنان در کارخانه صنعتی دائگو-گومی کره، روشن شد که به طور متوسط ۲۱ درصد از کل درآمد کارگران دختر به پدر و مادرشان در مناطق روستایی پرداخت شده است. (کو، ۱۹۸۷).

زندگی و کار این زنان تحت نظام سرمایه‌داری و مردسالاری تغییر کرد. زن کارگر "دندان" عمده‌ای از موتور رشد اقتصادی کره جنوبی بود که در پشت تصویر پر زرق و برق از کره جنوبی سهمش به طور مداوم دست کم گرفته می‌شد.

نسبت زنان در نیروی کار، به عنوان مثال، از ۲۸٫۷ درصد در سال ۱۹۶۰ به ۳۵٫۲ درصد در سال ۱۹۷۰ و به ۳۶٫۶ درصد در سال ۱۹۸۰ افزایش یافت. این افزایش قابل توجه نیروی کار زنان نشان دهنده اهمیت حیاتی مشارکت کار زنان در اقتصاد کره

است. مشارکت نیروی کار زنان در تولید صنعتی، به عنوان مثال، از ۲۱,۱ درصد در ۱۹۶۰، به ۲۷,۹ درصد در سال ۱۹۷۰ و سپس به ۳۰,۳ درصد در سال ۱۹۸۰ افزایش یافت. در همان زمان، نسبت زنان درگیر شده در فعالیت های تولید محصولات کشاورزی از ۳۰,۱ درصد در سال ۱۹۶۰ به ۴۰,۸ درصد در سال ۱۹۷۰، و سپس به ۴۴,۲ درصد در سال ۱۹۸۰ افزایش یافت. اما با وجود افزایش قابل توجه در اشتغال زنان، اکثریت زنان در صنایع جانبی متمرکز شدند و با توجه به تقسیم جنسیتی کار، بیشتر زنان از بخش سرمایه بر حذف شدند.

۴۲,۲ درصد از کارگران صنایع پوشاک در سال ۱۹۶۰ زن بودند، اما این تعداد به ۶۹,۱ درصد در سال ۱۹۷۰ و به ۷۶,۷ درصد در سال ۱۹۸۰ رسید. ترکیب جنسیتی شغلی در تولید نشان می دهد که زنان بیشتر در صنایع ریسندگی، بافندگی، فاضلاب، مواد غذایی، تولید کفش لاستیکی، تولید کلاه گیس، و مونتاژ الکترونیک مشغول به کارند. (وزارت کار، ۱۹۷۹) زنان اقلیت مطلق کارگران در تمام صنایع سرمایه بر صنعتی به جز تولید دارو بود. به عنوان مثال در صنایع تولید ماشین آلات صنعتی، تا به حال کمترین سهم را با ۱,۱ درصد در سال ۱۹۶۰ زنان داشته اند. در سال ۱۹۷۳، کشتی سازی کمترین سهم از زنان کارگر را با ۳,۱ درصد داشت. منزلت حرفه زنان کارگر در بخش تولید، به طور قابل توجهی پایین تر از کارگران مرد بود.

با وجود سهم قابل توجه زنان کارگر در رشد اقتصادی کره، پاداش اقتصادی آن ها در مقایسه با کارگران مرد بسیار اندک بود. به عنوان مثال، با سطح آموزشی برابر، زنان کارگران در تولید حدود ۵۶ درصد دستمزد همتایان مرد را خود در سال ۱۹۷۸ دریافت می کردند که در مقایسه با دیگر کشورهای تازه صنعتی شده آسیا مانند سنگاپور و هنگ کنگ، تفاوت دستمزد بین زنان و مردان در کره جنوبی بالاترین است. این تبعیض شغلی به زنان کارگر فرصت کمتری در سطح مدیریتی می دهد. تعداد کمی از زنان در کارگاه در پست های مدیریتی و سرکارگری قرار گرفته اند. صاحبان کارخانه ها معتقد بودند که چهره مرد پدرسالار برای این مشاغل مناسب تر

است. علاوه بر این، در سال ۱۹۸۴، زنان به طور متوسط ۲۴۵ ساعت در ماه و مردان ۲۴۱ ساعت کار می کردند.

مشارکت زنان کره جنوبی در اعتصاب های کارگری کلیشه و تصورات قالبی از "زنان مطیع آسیایی" را در هم شکست. زنان کارگر در کره به عنوان بخشی از جنبش اتحادیه‌ای شده است. در دهه ۱۹۷۰، در طول بحران سیاسی کره جنوبی، کارگران نساجی زن کره جنوبی در مرکز تظاهرات کارگری قرار داشتند. مطالعات زیادی در مورد مبارزات و علل پیوستن زنان کارگر کره جنوبی به جنبش کارگری انجام شده است. برخی از این مطالعات به طور خاص نشان می‌دهند که مقاومت منفعل یک هنجار غالب در میان زنان آسیای جنوب شرقی است. در این تحقیقات آمده که کارگران زن به دلیل پراکندگی کارخانه ها در مناطق روستایی، نفوذ یک ساختار خانواده پدرسالار و دولت سرکوبگر غیر فعال می‌باشند.

"مقاومت زنان کارگر آسیایی در مقابل مدیریت پدرسالار صاف و ساده اما منفعل است. زنان کارگر در غیاب سرپرستان مرد آنان را مسخره کرده و ادای آن‌ها را در می‌آورند در حالی که در حضورشان به آن‌ها احترام می‌گذارند. این انفعال طبیعی نیست و انجام آن نیاز به خودسرکوبی دارد." بوز و آکوستا بلن (۱۹۹۵) همچنین برای مقاومت منفعل زنان چنین استدلال می‌کنند: "بقای زنان به خودی خود یک عمل مقاومتی است." اما مقاومت و مشارکت زنان کره جنوبی در مبارزات دهه ۱۹۷۰ و بعد از آن خلاف این مساله را ثابت کرد.

به منظور درک یک تصویر کلی از زنان، به طور خلاصه سه اعتصاب را که در دهه ۱۹۷۰ رخ داده است، به عنوان نمونه مطرح می‌کنیم. در جدول زیر اعتصابات کارگری در کره در طول دهه های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ آمده است. در هر سه این اعتصابات بیش از هزار کارگر مشارکت داشتند و اکثریت مطلق مهاجمان درگیر زن بودند. این اعتصابات "سنگ بنای جنبش کارگری کره ای" شدند.

TABLE 1. ANNUAL LABOR DISPUTES, 1970-1980

Year	1970	1971	1972	1973	1974	1975	1976	1977	1978	1979	1980
(A)	4	10	0	0	58	52	49	58	102	105	206
(B)	541	832	0	0	22,609	10,256	657	7,975	10,598	14,258	4,897

(A) is the frequency of annual labor disputes and (B) is the number of strikers.

Source: Ministry of Labor. 1983. *Year Book of Labor Statistics*.

<sup>7</sup> For other sources with more descriptions, see Han (1991) and Chungsa Pyungjipbu (1984).

این سه مورد به دلیل اهمیت آن‌ها برای جنبش کارگری کره انتخاب شده‌اند و در هر یک، آیتم‌هایی مانند تقسیم جنسیتی کار، تبعیض علیه زنان، شیوه‌های مدیریت مردسالارانه و یک رژیم سرکوبگر کار به چالش کشیده شده‌اند. این عوامل نشان می‌دهند که اعتصابات کارگری سیاسی و اغلب ضددیکتاتوری هستند. به دلیل سانسور شدید دولتی، منابع این اطلاعات و حوادث روایات شخصی زنان کارگر و نوشته‌های زیرزمینی آنان است. \*

### اعتراض بازار صلح (۱۹۷۰)

صنایع پوشاک کونجی در سال ۱۹۶۱ در سئول تاسیس شد و تا سال ۱۹۷۰ در چند صد کارگاه کوچک در مرکزی به نام "بازار صلح"، حدود ۲۰ هزار کارگر استخدام شده بودند و این مغازه‌های کوچک ۷۰ درصد از پوشاک داخلی را عرضه می‌کردند. بسیاری از مفاد قانون کار ملی برای کارگران بازار صلح قابل اجرا نبود چرا که بسیاری از مغازه‌ها کوچک به طور متوسط کمتر از ۱۶ کارگر داشتند. تشکیل اتحادیه از چند صد کارگاه کوچک تحت یک اتحادیه واحد بسیار دور از ذهن تلقی می‌شد. نبود اتحادیه کارگری و تقسیم جنسیتی کار در کارگاه‌ها، شرایط کار را برای زنان جوان کارگر بسیار دشوار کرده بود. اکثریت مطلق تولیدکنندگان پوشاک بازار صلح زنان جوان بودند بین سنین دوازده تا بیست و چهار سال همراه با یک بخش کوچکی از

کارگران مرد. بسیاری از برشکاران مرد بودند، در حالی که بقیه کارها مثل دوخت، اتو، بسته بندی و ... به عهده زنان بود. با این وجود زنان کمتر از نصف دستمزد مردان را دریافت می کردند.

شرایط کار در بازار صلح غیرانسانی بود. مالکان به منظور به حداکثر رساندن فضای کاری، هر اتاق را به محفظه‌هایی در دو طبقه تقسیم کرده بودند، در نتیجه، کارگران مجبور به کار در محفظه کوچک با ارتفاع ۳ فوت بودند. به دلیل این ساختار ساختمان به نام "اتاق زیرشیروانی" یا "خانه زنبور" خوانده می شد. در سراسر روز کاری ۱۳-۱۶ ساعته، کارگران نمی توانستند بایستند. نور کم و نبود تهویه محیط کار را خطرناک کرده بود. کارگران به طور مداوم در معرض بوهای شیمیایی سمی بودند که از پشته منسوجات برمی خاست. انواع بیماری های مرتبط با کار در میان کارگران شایع بود، سل، سوءهاضمه، تنش های عصبی و ... کارگران به دلیل ترس از اخراج شکایت نمی کردند.

خودسوزی یک کارگر جوان در ماه نوامبر ۱۹۷۰ جرقه اعتصاب‌ها شد. او در حالی که خود را به آتش کشید، فریاد می زد: "کارگران هم انسان هستند!"

او پس از آنکه بارها و بارها به شرایط کاری غیرانسانی در این بازار اعتراض کرده بود، دست به این عمل خشونت بار زد. این حادثه تکان دهنده افکار عمومی را متاثر ساخت و زنان آگاه، دانشجویان و جنبش کارگری اعتراضات وسیعی را سازمان دادند. اتحادیه کارگری چرخ خیاطی (Chonggye) پس از خودکشی این کارگر تشکیل شد و دولت در همان ماه آن را به رسمیت شناخت. تظاهرات کارگران در بازار صلح در درجه اول زندگی زنان کارگر در مرکز پوشاک را آشکار کرد که در پشت تصویر زیبایی از رشد ملی پنهان شده بود.

### اعتصابات نساجی دونگ ایل (۱۹۷۶-۱۹۸۰)

در سال ۱۹۸۰، حدود ۲۵۰ مرد و ۱۱۰۰ زن در نساجی دونگ ایل به کار گرفته شده بودند. دونگ ایل یکی از پیشگامان صادرات نساجی کره دهه ۱۹۵۰ بود. تولید اصلی آن نخ است.

اعتراضات زنان کارگر این شرکت نیز مشابه کارگران بازار صلح بود. دونگ ایل تقسیم جنسیتی دقیقی در کارگاه برقرار کرده بود. کارگران به دو گروه تقسیم می‌شدند: کارگران مرد دارای تحصیلات عالی و با دستمزد خوب و کارگران زن کمتر آموزش دیده با درآمد کم. زنان مجبور به کار در سه شیفت بودند و هم‌تایان مردشان در دو شیفت کار می‌کردند. فرصت‌های ارتقاء به کارگران مرد داده می‌شد، در حالی که زنان نه تنها امکان ارتقای شغلی نداشتند، بلکه مورد ضرب و شتم و آزار کلامی سرپرستان مرد کارگاه قرار می‌گرفتند. در سال ۱۹۷۲، در انتخابات هیات مدیره اتحادیه اعضای زن اتحادیه به یکی از کاندیداهای زن رای دادند. زیرا معتقد بودند که مردان عضو هیات مدیره هرگز به نیازهای اکثریت زنان توجهی نداشتند. بعد از این تغییر، مدیریت دونگ ایل برای مقابله با اتحادیه از پذیرش زنان برابر با مردان خوداری کرد و تقسیم بندی جنسیتی در مدیریت اتحادیه محیط خصمانه ای را بوجود آورد.

انتخابات دیگری در سال ۱۹۷۶ برگزار شد، مدیریت با متوسل به تاکتیک‌های مختلف سعی در ممانعت از رای آوردن زنان کارگر داشت و علاوه بر خرید آرا و تهدید، مدیریت از خشونت نیز علیه زنان عضو در روز انتخابات استفاده کرد و آنان را مورد ضرب و شتم نیز قرار داد. مدیریت به منظور جلوگیری از رای دادن ساکنان خوابگاه کارخانه درهای آن را با میخ بست و آب و برق خوابگاه را قطع کرد. برخی از زنان با لگد درب خوابگاه را باز کردند، در حالی که دیگران شروع به پریدن از ساختمان چهار طبقه کردند. در این زمان، کارگران دست به اعتصاب زدند. اما بعد از دستگیری چند تن از اعضا، اعتصاب غذا در مقیاس بزرگ شروع شد. پس از سه روز درگیری بین

پلیس ضدشورش و اعتصاب غذاکنندگان، پلیس ضدشورش به طور کامل مسلح برای متفرق کردن کارگران در کارخانه مستقر شد. با شروع پیشروی پلیس یکی از زنان فریاد زد: "آنها ما را لمس نخواهند اگر ما خودمان را عریان کنیم." آنها شروع به عریان شدن کردند. این یک اقدام خودجوش اما بی فایده بود. پلیس ضدشورش و کارگران مرد کارخانه دور زنان نیمه برهنه و از لحاظ جسمی ضعیف شده حلقه زدند. در طی این سرکوب خشونت آمیز، در مجموع بیست و هفت زن کارگر به اتهام ایجاد اغتشاش عمومی دستگیر و زندانی شدند. پنجاه زن دچار شوک شدند و بیش از هفتاد نفر زخمی شدند که چهارده نفرشان با توجه به آسیب های جدی در بیمارستان بستری شدند. دو نفر نیز به دلیل شوک روانی شدید در بخش روانی بستری شدند. با توجه به شرایط مصالحه بین مدیریت و اتحادیه دست نیافتنی بود.

اتحادیه ملی کارگران نساجی (NTWU) حاضر به میانجیگری شد اما دونگ ایل، اتحادیه نساجی را به عنوان "مزاحم" معرفی کرد. زنان کارگر به مقاومت خود ادامه دادند و اعتصاب خود را از کارخانه به مکان های عمومی دیگر کشاندند؛ در اقدامی یک برنامه رادیویی که جشن ملی روز کارگر را پوشش می داد، قطع کردند و در یک کلیسای کاتولیک واقع در قلب مرکز شهر سئول اعتصاب غذا کردند. آنها همچنان برای آزادی رهبران اتحادیه زندانی شان در مکان های مختلف عمومی و کارگری تجمع می کردند. این مبارزه در سال ۱۹۸۰ با ظهور دیکتاتوری نظامی جدید به پایان رسید.

### اعتصاب در کارخانه Y.H. (۱۹۷۹)

شرکت Y.H. صادرات کلاه گیس را با ۱۰ کارگر در سال ۱۹۶۶ آغاز کرد و در سال ۱۹۷۰ تعداد کارگانش به ۴۰۰۰ نفر افزایش یافت. در اواسط دهه ۷۰ با توجه به کاهش تقاضای ایالات متحده، به عنوان راهی برای حفظ سطح سود، دست به اخراج گسترده کارگران زد. در سال ۱۹۷۸، زنان اتحادیه برای انتخابات دیگری آماده می

شدند، یک گروه از مردان ضداتحادیه با سطل پر از مدفوع انسان به دفتر اتحادیه نساجی دونگ ایل حمله کردند و محتویات سطل ها را بر سر زنان ریختند. مزاحمان مرد فریاد می زدند: "این چیزی است که شما سزاوار آنید." زنان درحالی که گریه می کردند و فریاد می زدند پراکنده شدند. پلیس دخالتی نکردند. در مقابل درخواست اعضای اتحادیه برای جلوگیری از حمله، پاسخ پلیس این بود: "خفه شو، ماده سگ. ما همین اطراف منتظر خواهیم ماند." (کیم-پارک، ۱۹۹۸: ۱۲-۱۳)

در سال ۱۹۷۹، این شرکت اعلام کرد که کارخانه را تعطیل کرده است. این تعطیلی نه تنها به معنای از دست دادن معیشت برای زنان کارگر، همچنین محرومیت پدر، مادر، خواهر و برادران کارگران در روستاهای زادگاهشان بود که تا حدی وابسته به حمایت مالی زنان بودند. کارگران اخراجی زمانی که دریافتند مدیریت با استفاده از پیمانکاران فرعی فعالیت کارخانه را ادامه می دهد، خشمگین شدند.

در ماه آوریل سال ۱۹۷۹، اتحادیه خواستار عادی سازی عملیات کارخانه و راه اندازی اعتصاب و تحصن شد. با وجود تلاش های مکرر کارگران برای به دست آوردن جبران قانونی (دریافت حق سنوات و بیمه بیکاری)، هیچ یک از ادارات دولتی یا اتحادیه ملی کارگران نساجی کمکی به کارگران نکردند. با ادامه اعتصاب مدیریت اقدام به قطع آب و برق خوابگاه کارخانه در ۶ اوت، سال ۱۹۷۹ کرد. پس از آن اعتصاب از کارخانه به سالن اجتماعات ملی حزب مخالف منتقل شد. این حرکت به منظور جلب حمایت عمومی طراحی شده بود.

در نتیجه، اعتصاب کارگری Y.H. به صدر اخبار ملی تبدیل شد و واکنش همدلانه مردم را به خود جلب کرد. دو روز بعد از تغییر محل اعتصاب، صدها نفر از پلیس ضدشورش به آنان حمله کردند و همه را دستگیر کردند. صحنه حمله پلیس به "یک میدان جنگ." تشبیه می شد. در این سرکوب یک زن کارگر کشته و بسیاری مجروح شدند.



## مصاحبه با دبیر بین المللی کنفدراسیون شورای کارگران کره جنوبی (کی تی یو سی) خانم میک یونگ\*<sup>\*</sup>

دستگیری، زندان و بیکاری مبارزان کارگری کره به یک امر روزمره تبدیل شده است و بهای مبارزه بسیار بالا است اما مبارزین حاضر به پرداخت این بها هستند چون میدانند که افق روبروی آنها بسیار روشن است. دستاورد مبارزات آنان عقب نشینی دولت در بسیاری از زمینه ها و پیشروی بسیار ملموس جنبش کارگری و به خصوص زنان کره است.

کانون مدافعان حقوق کارگر در دی ماه امسال و از طریق ایمیل چند سوال با میک یونگ یو، دبیر بین المللی کنفدراسیون شورای کارگران کره جنوبی مطرح کرد. این مصاحبه کوتاه از آن جهت مهم است که مسایل مبارزات جنبش کارگری کره جنوبی را از زبان مسئولین این جنبش بشنویم، جنبشی که به تعبیری مرکز فعالیت‌های پیشروی کارگری در جهان است. میک یونگ به خاطر کمپینهای بسیار سریع، فراگیر و به موقع شناخته شده است و در تمامی عرصه های کارگری از جمله همکاری با اعتصابیون، تشکیل صندوق اعتصاب، آزادی و بازگشت به کار فعالین کارگری بسیار پر کار است. در کنفرانسهایی بین المللی به عنوان نماینده کنفدراسیون شوراهای کارگری کره جنوبی شرکت میکند. نقش آموزش را بسیار مهم میداند و رسانه های اجتماعی مانند فیسبوک و کار چهره به چهره با کارگران را برای سازماندهی موثر می‌داند و از همه مهمتر نقش کمیته های زنان و جذب زنان جوان به جنبش کارگری را برای جنبش کارگری حیاتی می‌داند.

\*\*\*

● در طول اعتصاب و یا شورش خودجوش (وایلد کت) چگونه از اعضای خود که بازداشت میشوند حمایت می‌کنید؟

جواب: در بسیاری از موارد اتحادیه مقداری از حق عضویت خود را به عنوان "صندوق اعتصاب" اختصاص میدهد. در مورد دستگیری یا اخراج اعضای اتحادیه به دلیل اعتصاب، اتحادیه هزینه زندگی خانواده ی زندانی با توجه به شرایط جامعه کره به علاوه هزینه های اضافی برای زندانی را تامین میکند. اتحادیه همچنین حمایت‌های قانونی (مانند وکیل و کارهای دادگاه) را نیز فراهم میکند.

● از چه مکانیسم‌هایی برای اعمال فشار بیشتر به کارفرما یا دولت برای آزادی آنها و بازگشت به کار اعضای اخراجی استفاده میکنید؟

جواب: ما کمپین‌هایی را برای افزایش آگاهی عدم مشروعیت بازداشت‌ها / یا بی عدالتی در حق دستگیرشدگان سازماندهی میکنیم که شامل سازماندهی تظاهرات، کنفرانس مطبوعاتی و غیره میباشد. ما همچنین دادخواست‌هایی را نوشته و برای قضات ارسال می‌کنیم. ما تقاضای بازگشت کارگران اخراجی را در فهرست خواست‌هایمان در مذاکرات با کارفرما (چانه زنی جمعی) قرار می‌دهیم. ما به جنبش‌های اجتماعی گسترده تر و گروه‌های اجتماعی فراخوان میدهیم و آنها را برای حمایت از کارگران اخراجی بسیج می‌کنیم.

● اگر آنها کار خود را از دست بدهند چه کار میکنید؟

جواب: خب. .. همراه با دیگر همکاران عضو اتحادیه برای بازگشت به کار مبارزه می‌کنیم.

● با توجه به اینکه زنان کارگر ایران نیز هنوز با مردسالاری درگیر هستند، می‌خواهیم بدانیم که تجربه شما در کره چیست؟ از چه مکانیسمی برای تشویق کردن زنان جوان استفاده میکنید که به جنبش مبارزات کارگری بپیوندند؟

جواب: کره نیز هنوز مردسالار است و این در مورد جنبش اتحادیه ای صدق می‌کند. ما در سطح کنفدراسیون "کمیته زنان" داریم که به هم وابسته هستند و فعالیت

می‌کنند. کمیته سازماندهی فعالیت‌های مختلف مربوط به مسئله زنان یکی از اولویت‌های در دستور کار جنبش اتحادیه ای می‌داند - در آموزش‌های کارگری زنان معیارمان بر اساس مفاهیم زن‌گرایانه (فمینیسم) است و این اندیشه را بسط می‌دهیم که آموزش رهبری به زنان، ایجاد تشکل زنان کارگر و ... اساسی است.

• چگونه شما می‌توانید زنان را در بخش‌های کار غیررسمی و موقت سازماندهی کنید؟

حدود ۵۰ درصد از جمعیت فعال کار در کره در شغل‌های غیررسمی کار می‌کنند که تحت پوشش بیمه‌های تامین اجتماعی نیستند و این نوع کارها در بخش‌های مختلف اقتصاد است و ما می‌توانیم آن کارگران را در هر بخشی ببینیم، آنها را پیدا کنیم و سازماندهی کنیم. کارگران غیر رسمی هدف اصلی کمپین سازماندهی ما هستند و تقریباً بخش اصلی این بخش از اقتصاد را زنان تشکیل می‌دهند. در ده سال گذشته ما با موفقیت توانستیم کارگران نظافتچی در دانشگاه، نهادهای عمومی شهری، آشپزهای رستوران‌های مدارس، کارکنان مراقبت‌های اجتماعی یا سازمانی که مشغول به کار در بیمارستان‌ها، و غیره هستند، را سازماندهی کنیم. ما آنها را از طریق کمپین افزایش حداقل دستمزد و مسائل دیگر مربوط به کار سازماندهی می‌کنیم.

• Mikyung Ryu, KCTU international secretary  
(۱) [http://player.mashpedia.com/player.php?ref=mashpedia&q=\\_xPf0vGv7Ww](http://player.mashpedia.com/player.php?ref=mashpedia&q=_xPf0vGv7Ww)

## کار، خستگی و زندگی



ترجمه فرزانه راجی

فنجانی قهوه‌ی داغ می‌نوشم

که از ماشین قهوه ساز بیرون آمده است

یک فنجان قهوه و فرصتی کوتاه

تا تن خسته‌ام را بیدار کنم

سرم کرخت است

خستگی‌ام حسی از کرختی دارد

و گذشت زمان را با کرختی حس می‌کنم

آیا یک فنجان قهوه و فرصتی کوتاه درخور من است

به عنوان یک "پیکارگر صنعتی"؟

"پیکارگر صنعتی" باید کار کند

در تمامی اوقات!

(یونگ، یکی از کارگران زن

کره جنوبی ۱۹۸۵)

